

گلین تورکجه دانیشاق!

بیاید ترکی حرف بزنیم!

تألیف ثمینه باغچه بان (پیرنظر)



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

گلین تورکجه دانیشاق!
بیاید ترکی حرف بزنینم!

تالیف: ثمینه باغچه بان (پیرنظر)

نقاشی: پرویز کلانتری

تنظیم صفحات: روشنگر رضاخانلو

چاپ اول: آبانماه ۱۳۶۰

این کتاب در ۳۰۰۰ نسخه در شرکت افسست «سهامی عام»
چاپ و صحافی شد.

شماره ثبت ۲۱/۹۰۶۲ بتاریخ ۱۳۶۰/۸/۵

همه حقوق محفوظ و مخصوص به مؤلف است

تقدیم به مرجان کریم که با پرسشی سنجیده
بذر این خدمت را در فکر من کاشت.

با سپاس فراوان از همکارانی که در این
تجربه‌ی نو بارانمایی‌های ارزنده و کوششهای
بی‌دریغ خود در تهیه این کتاب و نوار
آموزشی مرا یاری کردند.

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

پیش‌گفتار

زبان آذربایجانی برخلاف تصور بعضی ناآگاهان که آن را زبانی فاقد قاعده و ضابطه می‌پندارند، از نظر ساختمان صوتی کلمات و اشکال و ترکیبات دستوری یکی از باقاعده‌ترین زبانهاست و بهمین جهت نیز آموزش موفقیت‌آمیز آن تنها در صورتی میسر است که ما فراگیری زبان را در رابطه با قواعد و قوانین رایج در آن آغاز کنیم و پایه‌های آن پیش برویم.

در اینجا ما بطور مختصر در شش قسمت به عمومی‌ترین این قوانین و ویژگیها اشاره می‌کنیم.

۱- زبان ترکی آذربایجانی يك زبان التصاقی یا پیوندی است یعنی ریشه اصلی کلمه همیشه ثابت و غیرقابل تغییر است و دگرگونیهای کلمه‌ها تنها به صورت الحاق يك رشته پیوندها به آخر ریشه انجام می‌پذیرد.

۲- الحاق پیوندها تابع توالی منطقی است و در این توالی همیشه پیوندهای توصیفی جلوتر و پیوندهای تصریفی در درجه دوم قرار میگیرند.

۳- در زبان آذربایجانی هماهنگی و تطابق گروهی آواها به صورت يك قاعده‌ی کلی بر ساختمان صوتی کلمات و الفاظ زبان حاکم است.

۴- کوتاهی مصوت‌ها از ویژگیهای این زبان است و یکی از شرایط بومی شدن لغت‌های بیگانه اینست که مصوت‌های بلند و کشیده‌ی آنها به مصوت‌های کوتاه تبدیل شوند.

۵- در این زبان اسم برحسب موقعیت خود در ترکیبات و جملات صرف می‌شود و با قبول پیوندها حالت می‌پذیرد.

۶- زبان آذربایجانی ضمن اینکه از نظر کثرت و تنوع افعال از

زبانهای بسیار غنی است همگی افعال آن بجز یکی دو مورد باقاعده هستند. در نگارش این کتاب مبنای کار زبان ادبی آذربایجان بوده است و بنابراین هرگاه در تلفظ بعضی از کلمه‌ها تفاوت‌هایی مشاهده شود این امر ناشی از فرق موجود مابین زبان ادبی و نگارشی با لهجه‌ها و شیوه‌های محلی زبان است.

آواهای رایج در زبان ادبی آذربایجان ۳۲ صوت است و اگر قبول کنیم که مناسبترین الفباء برای نوشتن این زبان الفبائی است که به همین تعداد علامت و حرف داشته باشد به این نکته پی می‌بریم که الفبای موجود برای نگارش زبان ترکی آذربایجانی ناقص است. به همین سبب و برای رفع این مشکل تصمیم گرفته شد که درسهای این کتاب در نوار ضبط و در اختیار شما گذاشته شود و توصیه می‌شود که حتماً هنگام گوش کردن به نوار به درسهای کتاب نگاه کنید و کلمه‌ها و جمله‌ها را بلند بلند نزد خود تکرار کنید.

در ضمن توجه داشته باشید که به علت محدودیت نوار متن درسها و لغت‌های آن عیناً ضبط نشده است.

این کتاب شامل سی درس است هر درس بطور مشخص از دو بخش تشکیل شده است، متن درس و قسمت دستور زبان. متن ۲۵ درس اول آن مربوط به گفتگوهای روزمره و موردنیاز همگان است. در پنج درس آخر کتاب کوشش شده است که بطور خیلی مختصر فرهنگ و ادبیات آذربایجان به شما معرفی شود.

موارد دستوری در فهرست کتاب مندرج است و رجوع به آن انجام تمرین‌های دستوری را برای شما آسانتر خواهد کرد. در این کتاب فقط آن دسته از قوانین و قواعد دستوری که دانستن آن ضرورت کامل داشته است ذکر شده است و بهیچوجه شامل کل دستور زبان ترکی آذربایجانی نیست. لازم به تذکر است که بطور کلی کتاب مبانی دستور زبان آذربایجانی تألیف آقای فرزانه و راهنمایی‌های شخصی ایشان شالوده‌ی دستور زبان در این کتاب بوده است که جای بسی تشکر است.

در اینجا با آرزوی موفقیت، نظر شما را به فهرست کتاب‌های مرجع که در تهیه این کتاب بسیار مورد استفاده قرار گرفته است جلب می‌کند و متذکر می‌شود که با مطالعه‌ی این کتابها و دیگر کتابهای مشابه و گوش کردن به گفتگوها و حرف زدن با هموطنان ترک زبان خواهید توانست که این زبان را بطور کامل فراگیرید و فراموش نکنید که از قدیم گفته‌اند فارسی شکر است و ترکی هنر!

نمینه باغچه بان (پیرنظر)

فهرست

شماره درس	عنوان درس	عنوان دستوری درسها	صفحه‌های کتاب
۱	چگونه تلفظ کنیم؟	تمرین تلفظ مصوت‌های زبان ترکی	۱
۲	آن کیست؟ این چیست؟	چیست، است، نیست	۳
۳	که آمد، کی آمد؟	ضمائر فاعلی، قانون صرف فعل در زمان گذشته	۶
۴	که آمد، با که آمد؟	کجا، از کجا، به کجا	۱۰
۵	او چه کار می‌کند؟	علامت جمع لار و لر	۱۲
۶	آشنا شدن	صرف فعل داشتن در زمان حال به صورت مثبت، ضمائر ملکی	۱۶



۷	دیدار	مکالمات روزمره	۲۰
۸	یادش بخیر!	صرف فعل بودن ایملک در زمان حال به صورت مثبت	۲۴
۹	در دفتر گاراژ	قانون صرف فعل در زمان حال	۲۸
۱۰	رونیست، سنگ‌پاست!	صرف فعل بودن و داشتن در زمان حال به صورت منفی	۳۳
۱۱	هر روزکته، هر روز قیمه؟	قانون منفی کردن افعال، تمرین از کجا به کجا؟	۴۰

شماره درسی	عنوان درس	عنوان دستوری درسا	صفحه‌های کتاب
۱۲	آماده شدن برای سفر	صرف مل معین خواستن ایستمك	۴۵
		در زمان حال و گذشته به صورت مثبت و منفی	
۱۳	خرید و فروش	صرف فعل معین کردن ائله مك	۵۰
		و شدن الماق در زمان حال و گذشته به صورت مثبت و منفی	
۱۴	دستور زبان	ضمائر مفعول بی واسطه	۵۴
۱۵	بله چطور مگر؟	ضمائر استفهامی و صرف این ضمائر و اسم در شش حالت	۵۸
۱۶	چیزی نیست دیفرنسیال شکسته؟	عبارتهای مربوط به زمان	۶۳
۱۷	در قهوه‌خانه	صرف اسم با پیوند یان نزه، صرف ضمائر ملکی با پیوند ایچون صرف ضمائر شخصی با پیوند حالت تأثیر، به که؟	۶۸
.....			
۱۸	چطور می‌توانم بروم؟	صرف فعل معین بیلمك، دانستن و توانستن در زمان گذشته و حال به صورت مثبت و منفی	۷۳
۱۹	در هتل	صفت ساده، ساختن صفت با پیوند لی و لو، صرف فعل بودن در زمان گذشته به صورت مثبت و منفی، و صرف ضمائر استفهامی کدام هانسی و کدامها هانسی لار در شش حالت	۷۷
۱۰	این از همه قشنگتر است	اشکال نسبی صفت، ماضی نقلی	۸۴
۲۱	حالتان چطور است؟	اسامی اعضاء بدن، اصطلاحات پزشکی، صرف ضمائر شخصی در حالت تخصیص، پیش که	۹۰

شماره درس	عنوان درس	عنوان دستوری دروسها	صفحه‌های کتاب
۲۲	از عباس چه خبر	پیوندگیل، صرف فعل داشتن در زمان گذشته به صورت مثبت و منفی	۹۶
۲۳	در مطب دکتر	ضمیر جمع خود آوز تمرین چرا نییه چونکه...	۱۰۱
۲۴	در کارخانه	وجه آرزو، صرف ضمائر شخصی در حالت تفکیک، از که؟	۱۰۸
۲۵	چهارشنبه‌سوری در منزل عمه‌قزی	قید حرکت، صرف فعل معین توانستن باشارماق در زمان حال و گذشته به صورت مثبت و منفی	۱۱۳



۲۶	شهر تبریز	قانون صرف فعل در زمان آینده به صورت مثبت و منفی	۱۲۰
۲۷	ملا محمد فضولی	وجه شرطی، استفاده از پیوند استفهامی می	۱۲۶
۲۸	علی اکبر صابر		۱۳۲
۲۹	استاد محمد شهریار	تمرین ماضی نقلی	۱۳۶
۳۰	ترانه‌های خلق آذربایجان	صفت فاعلی	۱۴۱

کتابهای مرجع:

- ۱- م. ع. فرزانه. مبانی دستور زبان آذربایجانی جلد اول (اصوات - کلمات) انتشارات فرزانه، چاپ سوم ۱۳۵۸.
- ۲- دکتر سلام‌اله جاوید. خودآموز زبان آذربایجانی و فارسی. انتشارات دنیای دانش، چاپ دوم ۱۳۴۳.
- ۳- عباس اشراقی. می‌خواهم ترکی آذربایجانی یاد بگیرم. انتشارات شمس، چاپ اول ۱۳۵۸.
- ۴- آنادیلی، کتاب اول و دوم و سوم و چهارم کتب دبستانی. انتشارات فرزانه.
- ۵- وارلیق
مجله ماهانه فرهنگی فارسی و ترکی آذری.

بیرینجی درس - نتیجه تلفظ ائله یاق؟

درس اول - چگونه تلفظ کنیم؟

دوستان عزیز

گویش ترکی آذری ویژگی‌هایی دارد که در پیش‌گفتار به آن اشاره شده است. در اینجا کتاب خود را باز کنید و برای آشنا شدن با ویژگی‌های نگارش ترکی و تمرین تلفظ با ما این کلمه‌ها را تکرار کنید:

الف - مصوت‌های مشترک بین زبان ترکی و فارسی، ا، ا، آ، او، ای

۱ - اکینچی کشاورز اسدی وزید گلدی آمد گلمه‌دی نیامد

۱ - ائو خانه سترچه گنجشگک یئل باد گئتدی رفت

۱ - اجاق، اجاق اد آتش اولدی شد چوبان چوپان

آ - آنا مادر آتا پدر قارداش برادر آیدین روشن

او - اوشاق بچه بولوت ابر ووردو زد بویورون بفرمائید

ای - ایستی گرما ایندی حالا ایش کار کیشی مرد

ب - مصوت‌های ویژه‌ی زبان ترکی او، او، ای

او - گونش خورشید گولدو خندید اوچ سه اوزوم انگور

او - اوژگه دیگری اوژوم خودم چؤل دشت دؤرت چهار

ای - قیز دختر یاغیش باران یاغدی بارید ایلدیریم رعد

در اینجا توجه شما را به تغییراتی که بموجب قانون و اصل هماهنگی در کلمات مشترک بین زبان فارسی و ترکی حاصل میشود جلب میکنیم.

۱- در زبان ترکی مصوت بلند آ کوتاهتر تلفظ می‌شود:

بازار، آدم، باغبان، چوپان

۲- تغییر کسره‌ی پایانی به فتحه

پنجره، تخته، جوجه، ساده

۳- تغییر کسره به صدای مدی آ در آخر کلمه‌ها:

خاله، کاسه، روزنامه، پارچه

۴- تغییر صدای فتحه به صدای مدی کوتاه

آدم، بهار، تماشا، دوا

- ۵- تغییر صدای کسره به «ای» در آغاز کلمه‌ها:
اجازه، اداره، امام، اسلام
- ۶- تغییر صدای «ا» به «او»
گل، بلبل، دشمن، دنیا
- ۷- بعضی از کلمه‌های يك بخشی در دوبخش تلفظ میشود.
با ما تکرار کنید:
فکر، صبر، شهر، حوض
با اجرای مکرر این تمرین‌ها خواهید توانست که ترکی را با لهجه
ترکی صحبت کنید بقول معروف

جوینده یا بنده است آختاران تاپار

با آرزوی موفقیت شما



ایکینجی درس - او کیم دیر، بو نه دیر؟

درس دوم - آن کیست، این چیست؟

او کیست؟
 او چوپان است.
 او هم چوپان است؟
 نه او چوپان نیست.
 پس او کیست؟
 او کشاورز است.

این چیست؟
 این بلبل است.
 اینهم بلبل است؟
 نه این بلبل نیست.
 پس این چیست؟

او کیم دیر؟
 او چوپان دیر.
 او دا چوبان دیر؟
 خیر او چوپان دگیل.
 پس او کیم دیر؟
 او اکینجی دیر.

بو نه دیر؟
 بو بلبل دیر.
 بو دا بلبل دیر؟
 یوخ بو بلبل دگیل.
 پس بو نه دیر؟

بو سترچه دیر. این گنجشگت است.
او نه دیر؟ آن چیست؟
او خروس دور. آن خروس است.

بو نه دیر؟ این چیست؟
بو یئل دیر. این باد است.
او نه دیر؟ آن چیست؟
او ایلدیریم دیر. آن رعد است.
بو نه دیر؟ این چیست؟
بو یاغیش دیر. این باران است.

سحر اولدی، چوبان چوله گتندی، یئل اسدی، بولوت گلدی، ایلدیریم
شاخدی، یاغیش یاغدی، گونش گولدو.

صبح شد، چوبان به دشت رفت، باد وزید، ابر آمد، رعد غرید، باران
بارید، خورشید خندید.

لغت‌های تازه‌ی درس:

این	بو
آن، او	او
چه، چه چیز	نه
است	دی، دیر، دور
نیست	دگیل
چیست	نه دیر
که، چه کسی	کیم
چه کسی است، کیست	کیم دیر

تمرین:

بو نه دیر؟

با توجه به تصاویر به پرسشهای زیر به ترکی جواب بدهید:



بو خروس دور؟
یوخ بو خروس.....
پس او نه دیر؟
او..... دیر



او کیم دیر؟
او.....

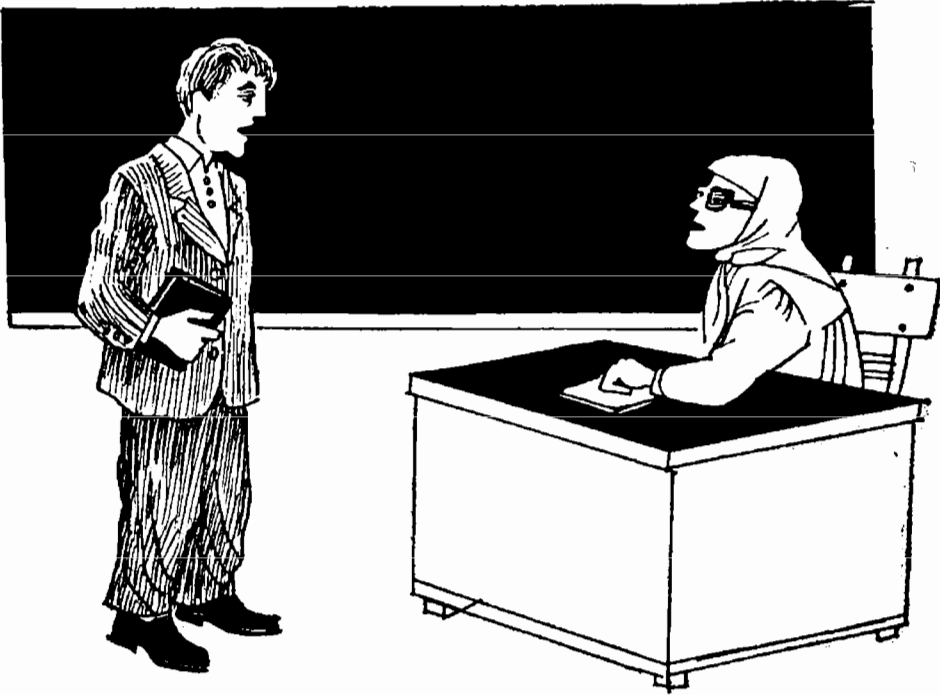


بو دا چوبان دیر؟
یوخ او چوبان دگیل.
پس او کیم دیر؟
او.....

من.....

سن کیم سن؟

ضرب المثلها: قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.
آتاسوزلری: داما داما گئول اولار، آخا آخا ستل اولار.



اوچونجی درس - کیم گلدی؟ هاچان گلدی؟ درس سوم - که آمد؟ کی آمد؟

- | | |
|-----------------------|--------------------------|
| - کیست؟ | - کیم دیر؟ |
| - که آمد؟ | - کیم گلدی؟ |
| - من آمدم. | - من گلدیم. |
| - تو کی آمدی؟ | - سن هاچان گلدین؟ |
| - من حالا آمدم. | - من ایندی گلدیم. |
| - تو تنها آمدی؟ | - سن تک گلدین؟ |
| - بله من تنها آمدم. | - بلی من تک گلدیم. |
| - سلام، شما کی آمدید؟ | - سلام، سیز هاچان گلدیز؟ |
| - ما حالا آمدیم. | - بیز ایندی گلدیک. |
| - بچه ها هم آمدند؟ | - اوشاقلار داگلدیلر. |
| - بله آنها هم آمدند. | - بلی اونلار داگلدیلر. |
| - تو که هستی؟ | - سن کیم سن؟ |

- | | |
|---------------------|---------------------|
| – من معلم هستم. | – من معلمم. |
| – این هم معلم است؟ | – بودا معلم دیر؟ |
| – نه این معلم نیست. | – یوخ بو معلم دگیل. |
| – پس این کیست؟ | – پس بو کیم دیر؟ |
| – این شاگرد است. | – بو شاگرد دیر. |

لغت‌های تازه‌ی درس:

کی، چه وقت	هاچان
حالا	ایندی
هم	دء، ده
بچه‌ها	اوشاقلار
اینجا	بورا
زود	تتر
بفرما	بویور
بفرمائید	بویوروز یا بویورون
هستی	سن
تو	سن
که	کیم

ضمائر فاعلی

ضمائر فاعلی در جواب کیم (که) و کیه‌لر (چه کسانی) بکار برده میشود.

من	من
تو	سن
او	او
ما	بیز
شما	سیز
ایشان	اونلار

* دستور صرف فعل در زمان گذشته

برای صرف فعل در زمان‌های گذشته با توجه به مصوت اصلی ریشه فعل، به آن بترتیب پیوندهای زیر را به آن اضافه میکنیم.

گروه ب:

دوم

دون

دو، دی

دوق یا دوک

دوز

دولار یا دولر

گروه الف:

دیم

دین

دی

دیق یا دیک

دیز

دیلا یا دیلا

برای بدست آوردن ریشه فعل که همان وجه امر دوم شخص مفرد است علامت مصدر را از فعل حذف می‌کنیم. در زبان ترکی علامت مصدر «مک» و یا «ماق» است.

ریشه

گل (بیا)

گئت (برو)

آل (بخر)

وور (بزن)

مصدر

گلمک (آمدن)

گتتمک (رفتن)

آلماق (خریدن)

وورماق (زدن)

مثال الف:

صرف فعل گلمک (آمدن) در زمان گذشته و وجه امر آن در دوم شخص مفرد و جمع بصورت مثبت و منفی.

ما آمدیم	بیز گلدیک	من آمدم	من گلدیم
شما آمدید	سیز گلدیز	تو آمدی	سن گلدین
ایشان آمدند	اونلار گلدیلر	او آمد	او گلدی

بیا

نیا

بیائید

نیائید

بیا، زود بیا، زود بیا اینجا!

بفرما خیلی خوش آمدی

بفرمائید خیلی خوش آمدید

گل

گلمه

گلین

گلمهیین

گل، تئز گل، تئز گل بورا!

بویور چون خوش گلدین

بویوروز، چون خوش گلدیز

مثال ب:

* صرف فعل اوخوماق (خواندن) در زمان گذشته و وجه امر آن در دوم شخص مفرد و جمع بصورت مثبت و منفی.

ما خواندیم شما خواندید ایشان خواندند	بیز او خودوق سبز او خودوز اونلار او خودولار	من خواندم. تو خواندی او خواند	من او خودوم سن او خودون او او خودو
بخوانید نخوانید	او خویون او خومویون	بخوان نخوان	او خو او خوما

ضرب المثلها: بالاتر از سیاهی رنگ دگر نباشد!
آتاسوزلری: قارادان آرتیق بو یاغ اولماز!



دوردونجی درس - کیم گلدی؟ کیمینن گلدی؟

درس چهارم - که آمد؟ با که آمد؟

- | | |
|--------------------------------|--------------------------------|
| - کیم گلدی؟ | - کیم گلدی؟ |
| - حسن گلدی. | - حسن گلدی. |
| - حسن کیمینن گلدی؟ | - حسن کیمینن گلدی؟ |
| - حسن اکبرینن گلدی. | - حسن اکبرینن گلدی. |
| - حسن هارادان گلدی؟ | - حسن هارادان گلدی؟ |
| - حسن مدرسه دن گلدی. | - حسن مدرسه دن گلدی. |
| - اکبر هانی؟ اکبر هارا گتدی؟ | - اکبر هانی؟ اکبر هارا گتدی؟ |
| - اکبر بازارا گتدی. | - اکبر بازارا گتدی. |
| - اکبر تک بازارا گتدی؟ | - اکبر تک بازارا گتدی؟ |
| - یوخ اکبر اسدینن بازارا گتدی. | - یوخ اکبر اسدینن بازارا گتدی. |
| - سن هاچان بازارا گتدین؟ | - سن هاچان بازارا گتدین؟ |
| - من دونن بازارا گتدیم. | - من دونن بازارا گتدیم. |
| - که آمد؟ | |
| - حسن آمد. | |
| - حسن با که آمد؟ | |
| - حسن با اکبر آمد. | |
| - حسن از کجا آمد؟ | |
| - حسن از مدرسه آمد. | |
| - اکبر کو؟ اکبر به کجا رفت؟ | |
| - اکبر به بازار رفت. | |
| - اکبر تنها به بازار رفت؟ | |
| - نه اکبر با اسد به بازار رفت. | |
| - تو کی به بازار رفتی؟ | |
| - من دیروز به بازار رفتم. | |

لغت‌های تازه‌ی درس:

که	کیم
با که	کیمین
کجا	ه‌ارا
از کجا	ه‌ارادان
به کجا	ه‌ارایا
کو	ه‌انی

تمرین:

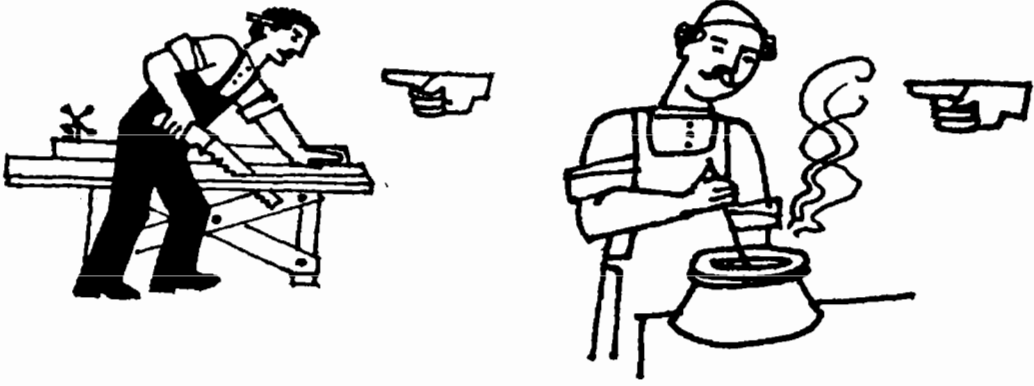
که آمد؟	کیم گلدی؟
با که آمدی؟	کیمین گلدین؟
از کجا آمدی؟	ه‌ارادان گلدین؟
به کجا می‌روی؟	ه‌ارایا گئدیرسن؟
که رفت؟	کیم گئدی؟
با که رفتی؟	کیمین گئدین؟
از کجا آمدند؟	ه‌ارادان گدیلر؟
به کجا می‌روید؟	ه‌ارایا گئدیرسین؟

صرف فعل رفتن در زمان گذشته گئتمک (رفتن)، گئت (برو)

رفتیم	گئتدیک	رفتم	گئتدیم
رفتید	گئتدیز	رفتی	گئتدین
رفتند	گئتدیلر	رفت	گئتدی
نرو	گئتمه	برو	گئت
نروید	گئتمه‌یین	بروید	گئدین
برو، زود برو، زود برو آنجا!		گئت، تئز گئت، تئز گئت اورا!	

* - از خصوصیات زبان ترکی آذری تغییراتی است که در مصوت‌ها و یا صامت‌های یک کلمه در هنگام صرف فعل حاصل می‌شود. با این خصوصیات بتدریج آشنا خواهید شد.

ضرب‌المثلها: آنچه که با ظلم بنیاد شود، با عدل ویران می‌شود!
آتالارسوزی: ظلم ایله آباد اولان عدل ایله ویران اولار!



بشپينجی درس - او نه ائله يير؟
 درس پنجم - او چه کار می کند؟

- | | |
|--------------------------|----------------------------|
| - آن کیست؟ | - او کیمدیر؟ |
| - آن آشپز است. | - او آشپاز دیر. |
| - او چه کار میکند؟ | - او نه ائله يير؟ |
| - او آشپزی میکند. | - او آشپازلیک ائله يير. |
| - این کیست؟ | - بو کیمدیر؟ |
| - این نجار است. | - بو نجار دیر. |
| - او چه کار میکند؟ | - او نه ائله يير؟ |
| - او نجاری میکند. | - او نجارلیک ائله يير. |
| - اینها کیستند؟ | - بونلار کیمدیلر؟ |
| - اینها ورزشکاران هستند. | - بونلار ورزشکارلار دیلار. |
| - آنها چکار میکنند؟ | - اونلار نه ائله يیرلر؟ |
| - آنها ورزش میکنند. | - اونلار ورزش ائله يیرلر. |

لغتهای تازه‌ی درس:

هستند	دیلر
نیست	دگیل، دیر
نیستند	دگیلر، دگیرلر
خیر، نه	یوخ
کردن	ائله مک، ائتمک
چه (کار) می‌کند	نه ائله ییر
چه (کار) می‌کنند	نه ائله ییرلر

تمرین:

این چیست؟	بو نه دیر؟
این گلدان است.	بو گلدان دیر.
آن چیست؟	او نه دیر؟
آن ساعت است.	او ساعت دیر.
اینها چیستند؟	بونلار نه دیلر؟
اینها پنجره‌ها هستند.	بونلار پنجره‌لر دیلر.
آنها چیستند؟	اونلار نه دیلر؟
آنها درخت‌ها هستند.	اونلار آغاجلار دیلار.
این تلفن است؟	بو تلفن دی؟
نه این تلفن نیست.	یوخ بو تلفن دگیل.
آنها کیستند؟	اونلار کیمدیلر؟
آنها ورزشکاران هستند.	اونلار ورزشکارلار دیلار؟
نه آنها ورزشکاران نیستند.	یوخ، اونلار ورزشکارلار دگیلر.

در جمله‌های زیر به کاربرد کلمه‌های (دی، دیر = است) و (دگیر یا دگیل = نیست) و (دیلار، دیلر = هستند) و (دگیرلر یا دگیلر = نیستند) توجه کنید:

این سرباز است؟	بو سرباز دیر؟
نه این سرباز نیست.	یوخ بو سرباز دگیر (دگیل).
این معلم است؟	بو معلم دیر؟
نه این معلم نیست.	یوخ بو معلم دگیر.
اینها سربازان هستند.	بونلار سربازلار دیلار.
اینها معلم‌ها هستند؟	اونلار معلملر دیلر.

بونلار سربازلار دگیئرلر.
اونلار معلملر دگیئلر.

اینها سربازان نیستند.
اینها معلم‌ها نیستند.

علامت جمع

علامت جمع در زبان ترکی آذری پسوند «لار» و «لر» است که کاربرد آنها بستگی به مصوف اصلی کلمه‌ای دارد که جمع بسته میشود. اسمهایی که مصوت آخری آنها ستبر باشند با «لار» و آنهاییکه مصوت آخرشان نازک باشد با «لر» جمع بسته می‌شوند.

علامت جمع لار

سربازلار	سرباز
باغلار	باغ
کتاپلار	کتاب
مدادلار	مداد
رادیلولار	رادیو
خیابانلار	خیابان
آغاجلار	آغاج

علامت جمع لر

معلملر	معلم
صندلیلر	صندلی
میزلر	میز
دفترلر	دفتر
فرشلر	فرش
عکسلر	عکس
کوچهلر	کوچه

تذکر

۱- اوکیمدیر شکل نگارشی و اوکیمدی شکل رایج تروگوشی (آن کیست؟) است و در این کتاب و نوار ضمیمه هر دو شکل بکار برده خواهد شد.

۲- در زبان ترکی آذری کلمه‌های مشترک فارسی و ترکی تلفظ خاص

خود را دارند که باید بتدریج با آنها آشنا شد و رفته رفته شما با این تغییرات صوتی خودبخود آشنا خواهید شد. گاهی هنگام نگارش این تغییرات مراعات میشود ولی گاهی با همان املاء فارسی نوشته میشود ولی به تلفظ ترکی خوانده میشود.

۳- مصوت‌های پیوندهای توصیفی و تصریفی متناسب با مصوت‌های ریشه تغییر میکنند. این تغییرات تابع قواعد صوتی هستند که بمرور گوش شما با آن آشنا خواهد شد. ما یادگرفته‌ایم شما چرا نتوانید که یاد بگیرید؟

ضرب‌المثلها: بزرگی به عقل است نه به سال.
آتاسوزلری: عقیل یا شدا دگیل یا شدا دیر.



آلتینجی درس - تانیش اولماق

درس ششم - آشنا شدن

- بو اصغراقا توتونچی دیر.
- اونون اللی یاشی وار.
- آقای توتونچی بازنشسته دیر.
- حبیبه خانم آقای توتونچی نین
- آروادی دیر.
- اونلارین بیر اوغلو و بیر قیزی
- وار.
- اونلارین اوغلونون آدی احمد
- دیر.
- احمدین بیرمی بئش یاشی وار.
- احمد بیر کارخانادا ایشله بیر.
- پرچهر اونلارین قیزی دیر.
- پرچهرین بیرمی یاشی وار.
- پرچهر پرستار دیر.
- این اصغراقا توتونچی است.
- او پنجاه سال دارد.
- آقای توتونچی بازنشسته است.
- حبیبه خانم زن آقای توتونچی
- است.
- آنها يك پسر و يك دختر دارند.
- اسم پسر آنها احمد است.
- احمد بیست و پنج سال دارد.
- احمد در يك کارخانه کار میکند.
- پرچهر دختر آنها است.
- پرچهر بیست سال دارد.
- پرچهر پرستار است.

لغتهای تازه‌ی درس:

سن	یاش
زن و همسر	آروات - آرواد
اسم	آد
پسر	اوغلان
دختر	قیز
چند	نئچه

ضمائری ملکی

در زبان ترکی آذری ضمیر و اسم با گرفتن پیوند ها صرف میشوند. در اینجا با صرف ضمیر و اسم در حالت ملکی آشنا میشوید.

مال من	منیم
مال تو	سنین
مال او	اونون
مال ما	بیزیم
مال شما	سیزین
مال ایشان	اونلارین

کتاب من	منیم کتابیم
کتاب تو	سنین کتابین
کتاب او	اونون کتابی
کتاب ما	بیزیم کتابیمیز
کتاب شما	سیزین کتابینیز
کتاب ایشان	اونلارین کتابی

تمرین الف

این جمله‌ها را به فارسی برگردانید و پس از ما تکرار کنید:
بو کیمین کتابی دیر؟ این کتاب کیست؟

این	بو منیم کتابیم دیر.
.....	بو کتاب منیم دیر.
آن	او کیمین کتابی دیر.
.....	او سنین کتابین دیر؟
.....	او کتاب سنین دیر.

.....

 بو اکبرین کتابی دیر؟
 یوخ، بو اکبرین کتابی دگیل.
 پس بو کیمین کتابی دیر؟
 بو علی نین کتابی دیر.

تمرین ب

به پرسشهای زیر به ترکی جواب منفی بدهید:

بو کیمین کی دیر؟ این مال کیست؟

.....

 بو معلمین کتابی دیر؟
 بو اتاقین چراغی دیر؟
 بو منیم دفتریم دیر؟
 بو سنین مدادین دیر؟
 بو اونون ماشین دیر؟
 بو طاهره نین شالی دیر؟
 بو بیزیم مدرسه دیر؟
 بو انلارین باغی دیر؟
 بو سیزین جورابیز دیر؟

تذکر

همانطور که در درس اول متذکر شدیم از پسوند (دی) و (دیر) میتوان بطور یکسان استفاده کرد.

صرف فعل داشتن در زمان حال

شکل اول

دارم	واریمدی
داری	واریندی
دارد	واریدی
داریم	واریمزدی
دارید	واریزدی (وارینیزدی)
دارند	وارلاریدی

شکل دوم

من دارم	منیم واریمدی
تو داری	سنین واریندی
او دارد	اونون واریدی
ما داریم	بیزیم واریمیزی
شما دارید	سیزین واریزیدی (وارینیزی)
ایشان دارند	اونلارین واریلیدی

شکل سوم

مرگاه در جمله مفعول بکار برده شود چون علامت ضمیر ملکی در خود اسم مستتر است لذا علائم ضمائر در فعل حذف میگردد.

من کتاب دارم	(منیم) کتابیم وار
تو کتاب داری	(سنین) کتابین وار
او کتاب دارد	(اونون) کتابی وار
ما کتاب داریم	(بیزیم) کتابیمیز وار
شما کتاب دارید	(سیزین) کتابیز وار
ایشان کتاب دارند	(اونلارین) کتابلاری وار

تذکر

در هنگام تأکید، ضمائر ملکی منیم و سنین و غیره را میتوان قبل از کلمه مضاف بکار برد.

من وقت ندارم.	منیم واقتیم یوخدور.
تو حوصله داری!	سنین حوصلن وار!

ضرب المثلها: پایان شب سیه سپید است!
آتاسوزلری: قاراگونین آغگوننی دهوار!



یثدینجی درس - گوروش

درس هفتم - دیدار

- محمد - سلام، کیشی هارداسان؟
چو خدان دیرسنی گور ممشم.
عقیل - گنتمیشدیم شیرازا.
م - ایندی نه ائله بیر سن؟
ع - کارخانادا ایشلیرم، سن نه
ائله بیر سن؟
م - والله من ده بازاردا چابالیرام.
ع - دئنن آدام اولانی چاپیرام!
م - یوخ بابام، آنجاق تومنه یدی
قران...
ع - بیلرم، بیلرم، پس ائله لاپ
حلال کسبین وار!
م - کیشی سن ده حوصله وارها!
- محمد - سلام، آقا کجائی؟ خیلی
وقت است تو را ندیده‌ام.
عقیل - رفته بودم شیراز.
م - حالا چه کار می‌کنی؟
ع - در کارخانه کار می‌کنم، تو
چه کار می‌کنی؟
م - والله من هم در بازار چسان
می‌کنم.
ع - بگو آدم‌ها را می‌چاپم!
م - نه بابا، همینکه تومنی هفت
ریال...
ع - می‌دانم، می‌دانم، پس یک کسب
حلال داری!
م - مرد تو هم حوصله داری‌ها!

پریچهر - سلام، اسم من پریچهر
 است، اسم تو چیست؟
 شوکت - اسم من شوکت است. تو
 چند سال داری؟
 پ - من بیست سال دارم، تو چند سال
 داری؟
 ش - من هم بیست ساله‌ام.
 پ - تو اهل کجا هستی؟
 ش - من اردبیلی هستم، تو اهل
 کجا هستی؟
 پ - من اهل خوی هستم.
 ش - تو چه کار می‌کنی؟
 پ - من پرستارم.
 ش - تو در کجا کار می‌کنی؟
 ش - من در درمانگاه کار می‌کنم،
 تو هم پرستار هستی؟
 ش - خیر من معلم هستم.
 پ - تو در کدام مدرسه کار می‌کنی؟
 ش - من در مدرسه‌ی فیوضات کار
 می‌کنم.
 پ - معلمی را دوست داری؟
 ش - البته خیلی دوست دارم و از
 کارم هم خیلی راضی هستم.

پریچهر - سلام، منیم آدیم پریچهر
 دیر، سنین آدین نه دیر؟
 شوکت - منیم آدیم شوکت دیر.
 سنین نچه یاشین وار؟
 پ - منیم بیرمی یاشیم وار، سن نچه
 یاشیندا سان؟
 ش - من ده بیرمی یاشیندا یام.
 پ - سن هارالیسان؟
 ش - من اردبیلی‌یم، سن هارالیسان؟
 پ - من خوی اهلی‌یم.
 ش - سنین ایشین نه دیر؟
 پ - من پرستارم.
 ش - سن هاردا ایشلیرسن؟
 پ - من درمانگاه‌دا ایشلرم، سن ده
 پرستارسان؟
 ش - خیر من معلم.
 پ - سن هانسی مدرسه ده ایشلیر
 سن؟
 ش - من فیوضات مدرسه سینده
 ایشلیرم.
 پ - معلم لیکی ستویرسن؟
 ش - البت چوخ ستویرم و ایشیم دن
 ده چوخ راضی‌یام.

لغت‌های تازه‌ی درس:

چند	نتجه
در کجا	هارادا، هاردا
کجائی	هارداسان
اهل کجا	هارالی
اهل کجا هستید	هارالیسین
کدام	هانسی
مرد	کیشی
شوهر	ار
همینکه	آنجا
می‌دانم	بیلیرم
تکیه کلام است و به معنای کاملاً و واقعاً بکار برده میشود	لاپ
مادر	آنا
پدر	آتا
برادر	قارداش
خواهر	باچی
در، پیش	ده

این پرسش‌ها را پس از ما تکرار کنید و به آن به ترکی جواب بدهید:

- سنین آدین نه دیر؟
- سنین نتجه یاشین وار؟
- سن هارالی سان؟
- سن هاردا ایشلیرسن؟
- سن بازاردا ایشلیرسن؟
- سنین آرواردین وار؟
- سنین ارین وار؟
- سنین اوشاغین وار؟
- سنین نتجه دانا اوشاغین وار؟
- سنین آنان وار؟
- اونون آدی نه دیر؟
- سنین آتان وار؟
- اونون آدی نه دیر؟

سنين قارداشين وار؟
سنين نچه قارداشين وار؟
سنين باجين وار؟
سنين نچه دانا باجين وار؟
سنين پولون وار؟
وار وار!
نه قدر؟
بیر آبار!

این جمله ها را به فارسی برگردانید:

- بو منیم کتابیم دگیل، منیم کتابیم هانی؟ منیم کتابیم هاردا دیر؟
- سنین کتابین کلاسدا دیر.
- او سنین کتابین دیر. سنین نچه کتابین وار؟
- منیم آلتی کتابیم وار.
- سنین کتابلارین کیف ده دیر.
- منیم کیفیم کیم ده دیر؟
- سنین کیفین من ده دیر.

ضرب المثلها: يك دست صدا ندارد.
آتاسوزلری: تك الدن سس چيخماز.



سگیزینجی درس - یادی خیر اولسون

درس هشتم - یادش بخیر

عمه قزی - چه عکس‌های قشنگی هستند، این کیست؟ پریچهر است؟ حبیبه خانم - بله این دخترم پریچهر است.

ع- این کیست؟

ح- نمی‌شناسی؟ این شوهرم اصغراقا است.

ع- بیچاره عجب پیر شده است، اینها کیستند؟

ح- اینها پسرهای هماخانم هستند.

ع- اینها کیستند؟

عمه قزی - نه قشنگ عکسلر دیلر، بوکیمدیر؟ پریچهر دیر؟ حبیبه خانم - بلی، بوقیزیم پریچهر دیر.

ع - بوکیمدیر؟

ح - تانیمیرسان؟ بواریم اصغراقا دیر.

ع - یازیخ عجب قوجا لیدیر، بونلار کیمدیلر؟

ح- بونلار همای خانیمین اوغلانلاری دیلار.

ع- بونلار کیمدیلر؟

ح- تانیمیرسان؟ خوب بو منم، او داسن سن دا.

ع- وا، بو نه عكس دیر؟ من هاواخ بو شكده یم، سن ماشاءاله چوخ یاخشی دوشموسن، دوغوردان ایندی اصغراقا نه ایش گؤرور؟

ح- قرار دیر بیر معامله ایچون اردیبله گنده.

ع- ها واخ گنده جك دیر؟

ح- گلن هفته گنده جك دیر.

ع- الله خئیر وئرسین.

ح- انشاءالله.

لغت‌های درس تازه:

بیچاره	یازیق
خوب	یاخشی
آینده	گلن
عروس	گلین
داماد	کورکن
باشد	السون
پیر	قوجا
زیاد	چوخ
حالا	ایندی
سیب	آلما
خدا خیر بدهد	الله خئیر وئرسین

افعال تازه‌ی درس:

نمی‌شناسی
پیر شده است
برود
خواهد رفت

تانیماق، تانیمیرسان
قوجالماق، قوجالپیدی
گتتمك، گنده
گنده جك دیر

افتاده‌ای
عوض شده است
چه کار میکند

دوشمك، دوشموسن
دیشیلیمك، دیشیلیمپ دی
نه ایش گؤرور

فعل معین (ایمك)

زمان حال فعل بودن «ایمك» شکل مستقل ندارد و فقط به صورت پیوند-
های فعلی به آخر بسیاری از کلمه‌های وصفی اضافه شده و حالت
فعلی زمان حال آنها را بوجود می‌آورد.
تذکر: چون در این کتاب شرح تمام اشکال و وجوه مختلف فعل معین بودن
مقدور نیست لذا برای آگاهی بیشتر به صفحه ۱۳۶ کتاب مبانی
دستور زبان آذربایجانی رجوع کنید.

صرف فعل بودن «ایمك» در زمان حال

من هستم	من و ارام
تو هستی	سن و ارسان
او هست	او واردی
ما هستیم	بیز واریک
شما هستید	سیز و ارسیز
ایشان هستند	اونلار و اریلار

منم	منم
توئی	سن سن
اوست	اودور - اودی - اودیر
مائیم	بیزیک
شمائید	سیزسیز
ایشانند	اونلار دیلار

صرف فعل جوان بودن در زمان حال

من جوان هستم	من جوانام
تو جوان هستی	سن جوانسان
او جوان است	او جوان دی (دور)
ما جوان هستیم	بیز جوانیک

شما جوان هستید
ایشان جوان هستند

سبز جوانسبز
اونلار جواندیلار

صرف فعل پیربودن در زمان حال

توجه داشته باشید که چون کلمه قوجا (پیر) به مصوت ختم شده است در اول شخص مفرد و جمع یای میانجی بکار برده میشود.

من پیرم	من قوجایام
تو پیری	سن قوجاسان
او پیر است	او قوجادیر
ما پیر هستیم	بیز قوجاییق
شما پیر هستید	سبز قوجاسیز
ایشان پیر هستند	اونلار قوجادیلار

به این پرسشها به ترکی جواب بدهید:

- سنین آتان وار؟
- سنین آنان وار؟
- سن هارالی سان؟
- کیمین اری وار؟
- کیمین آروادی وار؟
- کیمین اوشاغی وار؟

شمارش اعداد از يك تا ده:

- بیر (۱) - ایکی (۲) - اوچ (۳) - دؤرت (۴) - بئش (۵) - آلتی (۶) -
- یئددی (۷) - سگگیز (۸) - دوققوز (۹) - اون (۱۰).



دوقوزونجی درس - گاراژین دفترینده

درس نهم - در دفتر گاراژ

- آقای توتونچی - خانم، لطفاً بیردانا بلیط وئرین.
 بلیط فروش - آقا، بو عجله یینن هارا گئدیرسیز؟
 آ - اردبیله.
 پ - نه گون گئدیرسیز؟
 آ - ائله بوگون.
 ب - بوگونه کی ائله بوگون بلیط آمازلار، فقط دالی ردیفده بیر بلیطم وار.
 آ - عیبی یوخدر، وئرین، نئچه اولار؟
- آقای توتونچی - خانم لطفاً يك بلیط بدهید.
 خانم بلیط فروش - آقا با این عجله به کجا میروید؟
 آ - به اردبیل.
 ب - چه روزی میخواهید بروید؟
 آ - همین امروز.
 ب - آقا برای همین امروز که همین امروز بلیط نمیخرند من فقط يك بلیط برای ردیف عقب دارم.
 آ - عیبی ندارد، بدهید، چندمیشود؟

- ب - بیست و پنج تومان.
 آ - بفرمائید، پنج، ده، پانزده، بیست اینهم بیست و پنج تومان.
 ب - متشکرم.
 آ - اتوبوس ساعت چند حرکت می‌کند؟
 ب - ساعت دو از اینجا حرکت میکند.
 آ - ساعت چند به اردبیل میرسد؟
 ب - ساعت پنج بعد از ظهر.
 آ - متشکرم، خداحافظ.
 ب - خداحافظ و سفر بخیر.
- ب - ییرمی بئش تومن.
 آ - بویوروز، بئش، اون، اونبئش، ییرمی، بودا ییرمی بئش.
 ب - ساغ اولون.
 آ - اوتوبوس نه ساعاتده حرکت ائدیر؟
 ب - ساعات ایکیده بوردان حرکت ائدیر.
 آ - ساعات نئچده اردبيله یئتیشیر؟
 ب - بئش ساعات گونورتادان سورا.
 آ - ساغ اولون خداحافظ.
 ب - خداحافظ، سفریز خوش.

لغت‌ها و افعال تازمی درس

با این عجله	بو عجله یینن
برای امروز	بو گونه
عقب	دالی
از اینجا	بوردان
ظهر	گونورتا
بعد از ظهر	گونورتادان سورا
نمی‌خرند	آماق، آمازلار
حرکت می‌کند	حرکت ائتمک، حرکت ائلیر یا ائدیر

* صرف فعل وئرمک (دادن) در زمان گذشته

من دادم	من وئردیم
تو دادی	سن وئردین
او داد	او وئردی
ما دادیم	بیز وئردیک
شما دادید	سیز وئردیز
ایشان دادند	اونلار وئردیلر

وئر وئر

نده وئرمه

وثرین
وثرمهیین

بدهید
ندهید

من خریدم	من آلدیم
تو خریدی	سن آلدین
او خرید	او آلدی
ما خریدیم	بیز آلدیق
شما خرید	سیز آلدیز
ایشان خریدند	اونلار آلدیلار

بخر
نخر
بخرید
نخرید

آل
آلما
آلین
آلمیین

* قاعده‌ی صرف فعل در زمان حال

در زبان ترکی آذری برای ساختن زمان حال ابتداء با توجه به مصوت اصلی ریشه فعل پیوند «ایر» یا «اور» را به ریشه فعل اضافه کرده و سپس با افزودن پیوندهای شخصی (آم - ام) (سان، سن) (ایق، ایک) (سینیز)، (لار، لر) فعل را صرف میکنیم.

گروه اول - به افعال زیر پیوند ایر اضافه میشود
گلمئك، گئتمك، وئرمك، گئیرمك (آمدن - رفتن - دادن - گفتن - آوردن)
آلماق - تانیماق - آپارماق (خریدن - شناختن - بردن)

گروه دوم - به افعال زیر پیوند «اور» اضافه میشود.
سوپورمك - اولمك - دوشمك - قویماق - وورماق (جارو کردن - مردن - افتادن - گذاشتن - زدن).

تذکر

در بعضی موارد بنا بر ضرورت هماهنگی، حرف صامتی عوض میشود مثل گئتمك که ریشه آن گئت است ولی در هنگام صرف حرف «ت» به «د» تغییر مییابد.

من می‌روم	من گئدیرم
تو می‌روی	سن گئدیرسن
او می‌رود	او گئدیر
ما می‌رویم	بیز گئدیریك
شما می‌روید	سيز گئدیرسيز
ایشان می‌روند	اونلار گئدیرلر

صرف فعل وثرمك (دادن) از گروه اول در زمان حال

من می‌دهم	من وئریرم
تو می‌دهی	سن وئریرسن
او می‌دهد	او وئریر
ما می‌دهیم	بیز وئریریك
شما می‌دهید	سيز وئریرسيز
ایشان می‌دهند	اونلار وئریرلر

صرف فعل وورماق (زدن) از گروه دوم در زمان حال

من می‌زنم	من وورورام
تو می‌زنی	سن وورورسان
او می‌زند	او وورور
ما می‌زنیم	بیز وورورريك
شما می‌زنید	سيز وورورسيز
ایشان می‌زنند	اونلار وورورلار

* برای اطلاع بیشتر به صفحه ۱۳۰ کتاب مبانی دستور زبان آذری مراجعه شود.

این جمله‌ها را به فارسی برگردانید.

- ۱- احمدین نئچه یاشی وار!
- ۲- احمد هاردا ایشلر؟
- ۳- گلن هفته حسن گئده جك دیر قبریزه.
- ۴- ترن نه ساعاتدا تهرانا حرکت ائدیر؟
- ۵- ترن نه ساعاتدا تهرانا یئتیشیر؟
- ۶- سن بو کیشی نی تانیمیرسان؟

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- ۱- من سه کیلو سیب خریدم.
- ۲- او چه خرید؟
- ۳- او کی از بازار آمد؟
- ۴- من کتاب دارم، تو هم کتاب داری؟
- ۵- نه من کتاب ندارم.
- ۶- این پاکتها را زود بگیر، مال من نیست.

شمارش اعداد از ده تا بیست:

- اون (۱۰) - اون بیر (۱۱) - اون ایکی (۱۲) - اون اوچ (۱۳) - اون دؤرت
(۱۴) - اون بئش (۱۵) - اون آلتی (۱۶) - اون یئدی (۱۷) -
اون سککیز (۱۸) - اون دوققوز (۱۹) - بیرمی (۲۰).

ضرب المثلها: ای نور چشم من بجز از کشته ندروی!
آتاسوزلری: نه اکرسن، اونى بیچرسن!



اونونچی درس - اوز دگیر، آياقداشی دور

درس دهم - رو نیست، سنگک پا است

- | | |
|--|--|
| آقای توتونچی - داداش، باش
آپاریرسان؟ | آقای توتونچی - داداش، باش
آپاریرسان؟ |
| آقای محبوب - خودت سر می‌بری،
آقا حالا متلك هم می‌گويد. | آقای محبوب - اوزون باش
آپاریرسان، کیشی هله لوغازدا
اوخویور. |
| توتونچی - داداش تو از خیابان
فرعی، چه خیابان فرعی، از يك
کوچه به خیابان اصلی وارد
می‌شوی، ترمز نمی‌کنی؟ | توتونچی - داداش سن فرعی
خیابان‌دان، نه فرعی خیابان،
بیر کوچهدن اصلی خیابانا وارد
اولورسان، ترمز ائله‌میرسن؟ |
| محبوب - تو چرا ترمز نکردی؟ مگر
ندیدی من می‌آیم؟ | محبوب - سن نیه ترمز ائله‌مدین؟
مگر گؤرمدین من گلیرم؟ |
| توتونچی - دور سرت بگردم، من در | توتونچی - باشوا دونوم من اصلی |

خیاباندا سورورم.

محبوب - خیر ائله دگیل (دیور).

توتونچی - ائله دگیل پس نئجه دیر؟
هاچاننان مصدق خیابانی فرعی
اولوپ، کوچه غضنفری اصلی؟

خیابان اصلی می رانم.

محبوب - خیر، آنطور نیست.

توتونچی - آنطور نیست، پس چطور
است. از کی خیابان مصدق
فرعی شده، کوچه غضنفری
اصلی؟

محبوب - اینها همه حرف هوست،
مقصر سن آقا.

توتونچی - من مقصرم؟ این رو نشد
سنگ پا شد!

محبوب - چرا توهین می کنی؟

توتونچی - خدا پدرت را بیامرزد.
بیا برویم به اداره راهنمایی
تلفن کنیم.

محبوب - صبر کن آقا، چرا خلقتان
را تنگ می کنید، خوب تقصیر
من است، مخارجش را می دهم.
توتونچی - داداش باشد، چراغ
شکسته، رادیاتور له شده، گلگیر
هم که خودت می بینی چه شده.

محبوب - همه اینها را با صد تومان
درست می کنند بفرمائید اینهم
صد تومان.

توتونچی - با صد تومان درست
می کنند؟ داداش خوب گفتم،
رو نیست سنگ پا است.

محبوب - بونلار هوا سوز دور،
مقصر سن آقا.

توتونچی - من مقصرم؟ بو اوز
اولمادی آياق داشی اولدو!

محبوب - نییه توهین ائلیرسن؟

توتونچی - الله آتاوا رحمت ائله سین
- گل گئدک راهنمایی اداره سینه
تلفن ائله ییک.

محبوب - صبر ائله آقا، اوره گیوی
نییه سیغیرسان، یاخشی منیم
تقصیریم دی، مخارجین وئررم.
توتونچی - داداش اولسون دا، چراغ
سینیپ، رادیاتور ازیلیپ،
گلگیرده کی اوزون گؤرورسن
نه اولوپ.

محبوب - بونلارین هاموسی یوز
تومنن دوزه لر بویور، بودا
یوز تومن.

توتونچی - یوز تومنن دوزه لر،
داداش ائله یاخشی دئدیم کی،
اوز دگیر آياق داشی دور.

مامور - آقار، نه خبردی؟
توتونچی - سلام جناب سروان،
یاخشی گلدیز بو آقا منی مقصر
بیلیر.

مامور - خواهش ائلیرم تصدیقی زی
شخص ثالث بیمه سینی،
ماشینوزون کارتینی گؤرسدین.
توتونچی - بویورون جناب سروان،
بو تصدیق، بو شخص ثالث
بیمه سی، بودا ماشین کارتینی.
مامور - ماشینزی بیمه بدنه
ائیله ییپ سیز؟

توتونچی - بلی جناب سروان
بویوروز، بودا کارتینی.
مامور - آقا سیزده تصدیقی زی
گؤرسدین.

محبوب - جناب سروان یوخومدور
مامور - شخص ثالث بیمه سی
محبوب - یوخومدور
مامور - ماشینین کارتینی
توتونچی - یوخومدور!

لغت‌های تازه‌ی درس:

مامور - آقایان چه خبر است؟
توتونچی - سلام جناب سروان، خوب
آمدید این آقا من را مقصر
می‌داند.

مامور - خواهش می‌کنم تصدیقتان
بیمه شخص ثالث و کارت ماشین
را نشان بدهید.

توتونچی - بفرمائید جناب سروان،
این تصدیق، این بیمه شخص
ثالث، اینهم کارت ماشین.

مامور - ماشینتان را بیمه بدنه
کرده‌اید؟

توتونچی - بله جناب سروان بفرمائید
اینهم کارت.

مامور - آقا تصدیقتان را نشان
بدهید.

محبوب - جناب سروان ندارم.

مامور - بیمه شخص ثالث.

محبوب - ندارم.

مامور - کارت ماشین.

توتونچی - ندارم!

آنطور

آنطور است

آنطور نیست

چطور است

حرف

خودت

صورت

سنگ، پا

از کی

ائيله

ائيله دير

ائيله دگيل

نئجه دير

سوز

اؤزون

اوز

آياقداشی

هاچاننان

افعال درس تازه:

ندارم	یوخومدور
نشان بدهید	گۆرستمک، گۆرسدین
می‌داند	بیلمک، بیلیر
گفتم	دئتمک، دئدیم
درست میشود	دوزلمک، دوزه لیر
بیا برویم	گل گئدک
تلفن بکنیم	تلفن ائله‌یک
رحمت بکند	رحمت ائله‌سین
می‌کنی	ائلیر سن
کرده‌اید	ائله‌ییب‌سین
شده است	اولوپ (دیر)
شکسته است	سینیب (دیر)
له شده است	ازیلیب (دیر)
شد	اولدی
باشد	اولسون

در درس قبلی راه ساختن زمان حال را آموختیم. اکنون با مرور آن قاعده مصدر افعال زیر را بنویسید:

وارد می‌شوی	وارد اولورسان	وارد اولماق
می‌آیم	گلیرم
می‌رانم	سورورم
خواهش می‌کنم	خواهش ائلیرم
می‌بینی	گۆرورسن

افعال زیر در زمان ماضی بصورت مثبت و منفی آمده است. پس از مرور قاعده‌ی ساختن ماضی مصدر این افعال را بنویسید:

شد	اولدی	اولماق
گفتم	دئدیم
آمدید	گلدیز
ندیدی	گۆرمدین
نکردی	ائله‌مدین
نشد	اولمادی

صرف فعل بودن در زمان حال بصورت منفی

من دگیلم	من نیستم	بیز دگیلیک	ما نیستیم
سن دگیلسن	تو نیستی	سیز دگیلسیز	شما نیستید
او دگیل	او نیست	اونلار دگیلر	ایشان نیستند

توجه داشته باشید که در این مورد در هنگام گفتار حرف «ل» «ر» تلفظ می‌شود.

فعل داشتن در صورت منفی در زمان حال

شکل اول

یوخمودور	ندارم
یوخوندور	ندارد
یوخودور یا یوخودو	نداری
یوخوموزدی	نداریم
یوخونوزدی	ندارید
یوخلاریدی	ندارند

شکل دوم

منیم کتابیم یوخدور	من کتاب ندارم
سنین کتابین یوخدور	تو کتاب نداری
اونون کتابی یوخدور	او کتاب ندارد
بیزیم کتابیمیز یوخدور	ما کتاب نداریم
سیزین کتابیز یوخدور	شما کتاب ندارید
اونلارین کتابلاری یوخدور	ایشان کتاب ندارند

جمله‌های زیر را به فارسی برگردانید:

او کیمدیر؟

او حسن‌دیر؟

یوخ او حسن دگیل.

پس او کیمدیر؟

او صمددیر.

سن کیمسن؟

سن علی‌سن؟

یوخ من علی دگیلم.

پس سن کیمسن؟

من جلام

اونلار معلم لردیلر؟
یوخ اونلار معلم لردگیلر.
پس اونلار کیم لردیلر؟
اونلار شاگرد لردیلر؟
من شاگردام؟
یوخ سن شاگرد دگیلسن.
پس من کیم ام؟
سن معلم سن.
بیز ورزشکارایک؟
یوخ بیز ورزشکار دگیلیک.
پس بیز کیم ایک؟
هئج، بیز معلم و شاگردیک.

این جمله ها را به ترکی برگردانید:
آن اتوبوس به کجا می رود؟
آن اتوبوس به بازار می رود.
تو ظهیر بیا اینجا.
نه من وقت ندارم، خیلی کار دارم.
من بیکار نیستم.
پس کی می آیی.
هیچوقت.
بو دا اولدی سوز؟

به این پرسشها به ترکی جواب بدهید

تو ماشین داری؟
شما صد تومان پول دارید؟
آن آقا یک دو ریالی دارد؟
شما اهل کجا هستید؟
شما ترکی می دانید؟
ترکی آسان است؟
البتہ.

شمارش اعداد از بیست تا سی

ییرمی بیر (۲۱) ییرمی ایکی (۲۲) ییرمی اوچ (۲۳) ییرمی دؤرت (۲۴)
ییرمی بئش (۲۵) ییرمی آلتی (۲۶) ییرمی یئدی (۲۷) ییرمی سگگیز
(۲۸) ییرمی دوققوز (۲۹) اوتوز (۳۰).

ضرب المثلها: کرگت چوپان نمی شود.
آتاسوزلری: قورتدان چوبان اولماز.



اون بیرینجی درس - هر گون کته هر گون قیمه؟

درس یازدهم - هر روز کته هر روز قیمه؟

خانم - کیه؟
 آقا - زن منم در را باز کن.
 خانم - سلام کجا بودی؟
 آقا - نگو باچه مصیبتی يك بلیط پیدا کردم.
 خانم - برای چه روزی؟
 آقا - همین امروز بعد از ظهر.
 خانم - پس من زود ناهار بدهم و بعد چمدان تو را حاضر کنم.
 آقا - ناهار چی داریم؟
 خانم - کته و قیمه.

خانم - کیمدی؟
 آقا - آج قاپینی آرواد منم
 خانم - سلام هاردایدین؟
 آقا - دئمه چوخ مصیبتینن بیر بلیط تاپدیم.
 خانم - نه گونه؟
 آقا - ائله بوگون ناهاردان سورایا.
 خانم - پس من تئز ناهار وئریم و سوراسنین چمدانوی حاضر ائله ییم.
 آقا - ناهارانه وار؟
 خانم - کته و قیمه.

آقا - به به، هرگون کته، هرگون
 قیمة!
 خانم - باباجان بیز گنچن هفته کته
 میز واریدی.
 آقا - چوخ یاخشی تئز وئرگوراخ
 باشیمیزا نه گلیر.
 خانم - آقا اوتلفونا سیز جواب
 وئرین.
 آقا - اوداگوؤ زوم اوسته، الو، سلام
 عمه قزی، نئجه سیز، انشاءاله
 یاخشی اولار سیز، خیر خانم
 ائوده دگیر اولسون، خدا حافظ.
 خانم - کیمیدی؟
 آقا - هئچ بابا عمه قیزی ییدی!
 باشوندان آچدیم!
 خانم - چوخ ساغ اول! الله سنه عمر
 وئرسین!
 آقا - به به، هرروز کته، هرروز
 قیمة!
 خانم - باباجان ما هفته گذشته کته
 داشتیم.
 آقا - خیلی خوب بده بخوریم هرچه
 بادایاد.
 خانم - آقا به این تلفن جواب بدهید.
 آقا - آنهم به روی چشمم، الو عمه
 قزی سلام چطورید؟ انشاءالله
 خوب می شوید. خیر خانم منزل
 نیستند، باشد، خدا حافظ.
 خانم - کی بود؟
 آقا - هیچ عمه قزی بود، از سرت
 باز کردم.
 خانم - خیلی متشکرم! خدا عمرت
 بده!

لغتهای تازه درس:

روز	گون
چه روزی	نه گون
برای چه روزی	نه گونه
هرروز	هرگون
امروز	بوگون
بعد	سورا
برای بعد	سورایا
برای بعداز ناهار	ناهاردان سورایا
خانه	ائو
چه	نه
چه هست	نه وار
گذشته	گنچن
خیلی خوب	چوخ یاخشی
خیلی بد	چوخ پیس
کجا بودی	هاردا ایدون

برای ناهار
برای شام

ناهار
شام

افعال تازه‌ی درس:

بازکن
پیدا کردم

(آچماق) آچ
(تاچماق) تاچدیم

دستور منفی کردن افعال در زبان ترکی

علامت نفی در زمان گذشته دو پیوند (مه و ما) است که بین ریشه‌ی فعل و پسوندهای زمانها و وجوه مختلف فعل قرار می‌گیرد. فقط هنگام منفی کردن زمانهای بسیط پسوند نفی به صورت زیر درمی‌آید:

مرم، مزسن، مز، مریک، مزسیز، مزلر
مارام، مازسان، ماز، ماریک، مازسیز، مازلار

مثال

گلمک (آمدن) گل (بیا) گلمه (نیا) گلمدیم (نیامدم).
گئتمک (رفتن) گئت (برو) گئتمه (نرو) گئتمدیم (نرفتم).
وئرمک (دادن) وئر (بده) وئرمه (نده) وئرمدیم (ندادم).
آلماق (گرفتن) آل (بگیر) آلما (نگیر) آلمادیم (نگرفتم).
آچماق (باز کردن) آچ (بازکن) آچما (باز نکن) آچمادیم (باز نکردم).

صرف فعل گئتمت و آلماق در زمان گذشته به صورت منفی

من نرفتم	من گئتمدیم
تو نرفتی	سن گئتمدین
او نرفت	او گئتمدی
ما نرفتیم	بیز گئتمدیک
شما نرفتید	سیز گئتمدیز
ایشان نرفتند	اونلار گئتمدیلر

من نخریدم
تو نخریدی

من آلمادیم
سن آلمادین

او نخريد	او آلمادی
ما نخريدیم	بیز آلمادیک
شما نخريدید	سيز آلمادیز
ایشان نخريدند	اونلار آلمادیلار

علامت نفی در زمان حال دوپيوند (میرومور) است که به ریشه‌ی فعل اضافه می‌کنیم و پس از آن با افزودن پیوندهای شخصی (آم - ام)، (سان - سن)، (ایق - ایک)، (سینیز)، (لار - لر) فعل را صرف می‌کنیم.

صرف فعل (گتتمک) رفتن و (وورماق) زدن در زمان حال به صورت منفی

من نمی‌روم	من گتتمیرم
تو نمی‌روی	سن گتتمیرسن
او نمی‌رود	او گتتمیر
ما نمی‌رویم	بیز گتتمیریک
شما نمی‌روید	سيز گتتمیرسيز
ایشان نمی‌روند	اونلار گتتمیرلر

من نمی‌زنم	من وورمورام
تو نمی‌زنی	سن وورمورسان
او نمی‌زند	او وورمور
ما نمی‌زنیم	بیز وورموریک
شما نمی‌زنید	سيز وورمورسيز
ایشان نمی‌زنند	اونلار وورمورلار

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- ۱- من امروز به بازار نمی‌روم.
- ۲- آنها شب به سینما نمی‌روند.
- ۳- من روز شنبه به مدرسه نرفتم.
- ۴- صمد برای امروز بلیط نگرفت.
- ۵- شما کتابها را به من ندادید.

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- ۱- من بلیطی اوخانیمنان آلمادیم، اوآقادران آلدیم.

- ۲- تترگل قاپینی آچ!
 ۳- اوقاپینی آچما، بوپنجره نی آچ!
 ۴- سن بلیطی هارادان آلدین؟
 ۵- سن کیمینن مدرسه یه گتدین؟

هاردان، هارا؟ از کجا به کجا؟

بوردان، اورا
 اوردان، بورا
 بازاردان، خیابانا،
 خیاباندان، سینمایا،
 سینمادان، مدرسه یه،
 مدرسه دن، کیلاسا،
 کیلاسدان، باغا
 باغدان، داغا (به کوه)
 داغدان، داغا

حالا به يك شعر ساده و زیبای ترکی گوش کنید:

سحر سحر

داغ دالیندان گونش گولر
 یا ماجالاردا قوزو ملر
 جیران قاجیب سویا گلهر
 بیزیم یترده سحر سحر
 خورشید از پشت کوه می خندد
 در دامنه کوه گله بع بع می کند
 آهو به سوی برکه می دود
 در دیار ما هر صبحگاه

چایلار آخار داشدان، داشا
 آل گییر چول باشدان، باشا
 قوشلار قونار داشدان، داشا
 بیزیم یترده سحر سحر
 رودها می ریزد از سنگی به سنگی
 صحرا سرخ می پوشد از سرتاسر
 مرغها می پرند از سنگی به سنگی
 در دیار ما هر صبحگاه
 (احمد جمیل)

شمارش اعداد بطور ده ده تا صد
 اون - بیرمی - اوتوز - قیرخ - اللی - آتمیش - یتمیش - هشتاد -
 دوخسان - یوز.



اون ايکينجی درس - سفره حاضر لاشماق

درس دو ازدهم - آماده شدن برای سفر

خانم - خوب، چه ميخواهی ببری؟
 آقا - دو جفت جوراب بگذار، دو تا
 پیراهن بگذار يك جفت دستکش
 بگذار، کراوات نمیخواهم.

خانم - دستمال و حوله بگذارم؟
 آقا - بله دستمال و حوله هم بگذار،
 راستی شال کردن یادت نرود.

خانم - اینهم شال کردن، پالتو
 میبیری؟

آقا - بله پالتو هم میبرم - هوا سرد
 است خب چمدان را بده من

خانم - خب نه ایستیرسن آپاراسان؟
 آقا - ایکی جوت جوراب، ایکی دانا
 کوئنک، بیر جوت الجک قویون،
 کراوات ایسته میرم.

خانم - دستمالنان حوله ده قویوم؟
 آقا - دستمال و حوله ده قویون،
 دوغرودان بویون شالی یاددان
 چیخماسین.

خانم - بودا بویون شالی. پالتو
 آپاریرسان؟

آقا - بلی پالتودا آپاریرام، هاوا
 سویوقدی. یاخشی چمدانی

وثرمن گشدیم.

خانم - خوش گلدین، سفرین خیر
اولسون.

مهمان - خوش آمدید! آقای توتونچی
باسلوق یادتان نرود!

آقا - فریده خانم یوز دفعه دئمیشم
منن ترکی دانیشین!

مهمان - یاخشی آقای توتونچی،
خوش گلدیز، باسلوق یا دیزدان
چیخماسین.

آقا - یوخ حتما سیزه مراغا
باسلوقی گتیریرم!

بروم.

خانم - خوش آمدی، سفر بخیر.

مهمان - خوش آمدید آقای توتونچی
باسلوق یادتان نرود!

آقا - فریده خانم صد دفعه گفتم با
من ترکی حرف بزید!

مهمان - خوب آقای توتونچی خوش
آمدید باسلوق یادتان نرود.

آقا - نه حتماً برایتان باسلوق مراغه
میاورم!

لغتهای تازهی درس:

نمنه

دوغوردان

دانا

ال

بویون

سویوق

جوت

کؤینک

الچک

بویون شالی

چه چیز

راستی

دانه

دست

گردن

سرد

جفت

پیراهن

دستکش

شال کردن

افعال تازهی درس:

ایسته مک، ایستیرسن

آپارماق، آپاراسان

قویماق، قویوم

قویون

یاددان چیخماق

یادیزدان چیخماسین

دانیشماق، دانیشین

دئمک، دئمیشم

می خواهی

ببری

بگذارم

بگذارید

فراموش شدن

فراموشتان نشود

حرف بزید

گفتم

صرف فعل معین ایسته مک (خواستن) در زمان حال و گذشته
الف:

من می‌خواهم	من ایستیرم
تو می‌خواهی	سن ایستیرسن
او می‌خواهد	او ایستیر
ما می‌خواهیم	بیز ایستیریک
شما می‌خواهید	سبز ایستیرسبز
ایشان می‌خواهند	اونلار ایستیرلر

ب:

من می‌خواستم	من ایستیردیم
تو می‌خواستی	سن ایستیردین
او می‌خواست	او ایستیردی
ما می‌خواستیم	بیز ایستیردیک
شما می‌خواستید	سبز ایستیردیز
ایشان می‌خواستند	اونلار ایستیردیلر

اکنون برای تمرین فعل ایسته مک را در حالت منفی صرف می‌کنیم (تذکره -
پیوند نفی می، مه پس از ریشه ایسته قرار میگیرد).

من نمی‌خواهم	من ایسته‌میرم
تو نمی‌خواهی	سن ایسته‌میرسن
او نمی‌خواهد	او ایسته‌میر
ما نمی‌خواهیم	بیز ایسته‌میریک
شما نمی‌خواهید	سبز ایسته‌میرسبز
ایشان نمی‌خواهند	اونلار ایسته‌میرلر

فعل خواستن در حال متعدی

من این دفتر را نمی‌خواهم	من بو دفتری ایسته‌میرم
من آن دفتر را می‌خواهم	من او دفتری ایستیرم

فعل خواستن در حالت فعل معین

من می‌خواهم به تبریز بروم	من ایستیرم تبریزه گندم
حسن می‌خواهد شما را ببیند	حسن ایستیر سیزی گؤرسون
ما نمی‌خواهیم به بازار برویم	بیز ایسته‌میریک بازارا گندک

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- ۱- من این سیب را نمی‌خواهم، آن سیب را می‌خواهم.
- ۲- حسن می‌خواهد روز جمعه به تبریز برود.
- ۳- ما می‌خواهیم يك ماشین بخریم.
- ۴- این بچه سیب نمی‌خواهد بستنی می‌خواهد.
- ۵- شما این پارچه را می‌خواهید یا آن را؟
- ۶- آنها می‌خواهند مدیر مدرسه را ببینند.

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- ۱- سن ایستیرسن کیمینن بازارا گئدسن؟
- ۲- سن بو گوشوارانی ایستیرسن یا اوساعاتی؟
- ۳- بو نه منه دی، من بو نودا ایستمیرم.
- ۴- ایسته میرسن ایسته مه.
- ۵- من ایستیرم بوگون گئدم بازارا بیرجوت‌الجک‌آلام.
- ۶- من ایستیرم ائله بو ساعات گئدم اوشاغیمی گورم.

شمارش اعداد از صد یوز تا هزار مین

- یوز - یکی‌یوز - اوچ‌یوز - دورتیوز - بئشیوز - آلتی‌یوز - یددی‌یوز -
سکگیزیوز - دوققوزیوز - مین.
بیرمین - یکی‌مین - اوچ‌مین...

مین اوچ یوز اللی دوققوز،	۱۳۵۹-
اون یکی مین بس یوز قیرخ اوچ	۱۲۵۴۳
اوتوز بئش مین یکی	۳۵۰۰۲

تمرین

این اعداد را به رقم بنویسید:

- ۲۵۳
۴۲۰۰
۱۳۶۰
۷۲۳۴۵

اوتوز آلتی مین ایکی یوز اون بشش
قیرخ بشش مین
بیرمین دو ققوز یوز هشتادبیر
اون ایکی مین یدی یوز اللی

.....
.....
.....
.....

خسته نباشید!

ضرب المثل‌ها: هیچ بقالی نمی‌گوید که ماست من ترش است!
آتاسوزلری: هیچ کس اؤز ایرانینا ترش دئمز!



اون او چونجی درس - آلیش و ئریش

درس سیزدهم - خرید و فروش

مشتري - حسن آقا پنیر خوبداری؟
فروشنده - بله خانم، چقدر می-
خواستید؟

م - نیم کیلو پنیر بدهید، یک بسته
هم شیر می‌خواهم، نیم کیلو
هم تخم‌مرغ.

ف - خانم شیر ندارم.

م - نخود لوبیا دارید؟

ف - بله خانم دارم.

م - از هر کدام یک کیلو بدهید،
حسن آقا برنج خوبداری؟

ف - خانم برنج خوبی دارم.

مشتري - حسن آقا یاخشی پنیر یزوار؟
فروشنده - بلی خانم واریمدی
نه قدر ایستیرسین؟

م - بیر یاریم کیلو پنیر وئیرین،
بیر بسته ده سوت ایستیرم،
یاریم کیلودا یومورتا.

ف - خانیم سوتوم یوخدور.

م - نخود لوبیا واریزدی؟

ف - بلی خانیم واریمدی.

م - هر سینن بیر کیلو وئیرین،
حسن آقا یاخشی دوگون وار؟

ف - خانم یاخشی بیر دوگون وار.

م - کیلوئی چند است؟
 ف - کیلوئی بیست و پنج تومان.
 م - چه خبر است؟ نمی‌خواهم، خیلی گران است.
 ف - يك برنج دیگر هم دارم کیلوئی بیست تومن، می‌خواهید از آن بدهم؟
 م - پنج کیلوئی بدهید ببینم. خوب چند شد؟
 ف - نیم کیلو پنیر، ده تومان، تخم‌مرغ پانزده تومان می‌شود بیست و پنج تومان، نخود لوبیا هم شد بیست و سه تومان، برنج هم شد صد تومان، رویهم می‌شود صد و چهل و هشت تومان.
 م - بفرمائید، همه چیز خیلی گران شده است.
 ف - خانم صبر کنید یواش یواش انشاءاله درست می‌شود.
 م - انشاءاله، خداحافظ.
 ف - خوش آمدید.

م - کیلوسی نچه دیر؟
 ف - کیلوسو ییرمی بشش تومن دیر.
 م - نه خبر دیر؟ ایسته میرم چوخ باها دیر.
 ف - بیر آیری دوگوم وار کیلو سی ییرمی تومن. ایستیرسین اونان وئیریم؟
 م - بیر بشش کیلو وئر گؤرک. خوب نچه اولدی؟
 ف - یاریم کیلو پنیر، اون تومن، یومورتادا اون بشش تومن، ائلر ییرمی بشش تومان، نخود لوبیه ده اولدو ییرمی اوچ تومن، دوگوده که اولدو یوز تومن، اوستواوسته ائلر یوز قیرق سکگیز تومن.
 م - بویوروز، والله هرشیئی بتر باهالاشیپ دیر.
 ف - خانیم صبر ائله بین یواش یواش انشاءاله یاخشی اولار.
 م - انشاءاله، خداحافظ،
 ف - خوش گلدیز.

لغت‌های درس تازه:

شیر	سود، سوت
برنج	دوگو، دویو
چند	نچه
دیروز	دونن
می‌شود	اولار
تخم‌مرغ	یومورتا
دیگر	آیری
رویهم رفته	اوستواوسته
شد	اولدی، اولدو
گران شده است	باهالاشیپ دیر

افعال معین یا امدادی

در زبان ترکی فعل ائتمک یا ائله مک (کردن) و فعل اولماق (شدن) به صورت مستقل بکار برده نمی شود بلکه با کمک آنها افعال مرکب را صرف می کنیم.

مثال یک - خواهش ائتمک یا خواهش ائله مک (خواهش کردن) در زمان حال (من خواهش می کنم...)

من خواهش ائدیرم (ائله ییرم)	بیز خواهش ائدیریک (ائله ییریک)
سن خواهش ائدیرسن (ائله ییرسن)	سیز خواهش ائدیرسیز (ائله ییریز)
او خواهش ائدیر (ائله ییر)	اونلار خواهش ائدیرلر (ائله ییرلر)

در زمان گذشته من خواهش (کردم....)

من خواهش ائتدیم (ائله دیم)	بیز خواهش ائتدیک (ائله دیک)
سن خواهش ائتدین (ائله دین)	سیز خواهش ائتدیز (ائله دیز)
او خواهش ائتدی (ائله دی)	اونلار خواهش ائتدیلر (ائله دیلر)

امر

خواهش ائله، خواهش ائله مه
خواهش ائله یین، خواهش ائله می یین

مثال دو - اولماق (شدن) ناخوش شدن

در زمان گذشته (من ناخوش شدم....)

من ناخوش اولدوم	بیز ناخوش اولدوق
سن ناخوش اولدون	سیز ناخوش اولدوز
او ناخوش اولدی (اولدو)	اونلار ناخوش اولدولار

در زمان حال (من ناخوش می شوم....)

من ناخوش اولورام	بیز ناخوش اولوروک
سن ناخوش اولورسان	سیز ناخوش اولورسوز
او ناخوش اولور	اونلار ناخوش اولورلار

امر
اول، اولما
اولون، اولمایین

به این گفتگو گوش کنید و این جمله‌ها را به فارسی برگردانید:

- من دونن بیرجوت الجک آلدیم اما پشمان اولدوم.
- نیه پشمان اولدون؟
- چونکی چوخ باها اولدی.
- نتیجه اولدی؟
- اللی دورت تومن اولدی.
- ناراحت اولما، مبارکین اولسون، عیبی یوخدور.

این جمله‌ها را به ترکی بنویسید:

- من دیروز رفتم بازار، یک بستنی خریدم و خوردم، ناخوش شدم.
- به آن بچه بستنی نده ناخوش می‌شود.
- نه ناخوش نمی‌شود، بچه را اذیت نکن.
- پدرم خیلی عصبانی شد، من هم پشیمان شدم.
- شما قلم دارید؟ خواهش می‌کنم آن را به من بدهید.
- دیروز با مادرم رفتم بازار و یک جفت کفش خریدم، خیلی گران تمام شد، پشیمان شدم.
- به من انار نده، ترش است، نمی‌خواهم، خواهش می‌کنم به من نیات‌داغ بده.

ضرب‌المثلها: دیک به دیک می‌گوید رویت سیاه!
آتاسوزلری: قازان قازانا دئییر اوزون قارا!

اون دؤردونجی درس - گرامر

درس چهاردهم - دستور زبان

میدانید که برای فراگرفتن هرزبانی مقداری دستور زبان باید آموخت. به اصطلاح بی‌مایه فطیر است. پس با آرزوی موفقیت شما و با اجازه شما در اینجا چند تمرین دستوری می‌دهیم و سپس يك نکته دستوری را متذکر می‌شویم.

تمرین يك

برای تمرین آنچه که تاکنون آموخته‌اید ریشه و مصدر اول شخص مفرد و وجه امر منفی را نوشته‌ایم. شما با توجه به این نمونه‌ها این افعال را با افزودن پیوندهای مناسب ابتداء در زمان گذشته و سپس در زمان حال بصورت مثبت و منفی صرف کنید. می‌گوئید سخت است؟ نه ائله ده چتین دگیل، کوشش کنید.

حرف بزَن	دانش
حرف زدن	دانشماق
حرف زدم	دانشدیم
حرف میزنم	دانشیرام
حرف نزن	دانشما

بیر	آپار
بردن	آپارماق
بردم	آپاردیم
میبرم	آپاریرام
نبر	آپارما

بگو	ده
گفتن	دئمک
گفتم	دئدیم
میگویم	دئیرم
نگو	دئمه

بیاور	گتیر
آوردن	گتیرمك
آوردم	گتیردیم
می آورم	گتیریرم
نیاور	گتیرمه

ضمائر مفعول بی واسطه

با ضمائر فاعلی من، سن، او، بیز، سیز، اونلار که در جواب «کیم» بکار برده می شود در درسهای قبل آشنا شده ایم. اکنون ضمائر مفعول بی واسطه را که از آنها در جواب که را (کیمی) استفاده می شود بیاموزید.

من را	منی
تو را	سنی
او را	اونو
ما را	پیزی
شما را	سیزی
ایشان را	اونلاری

از ضمائر اشاره مفعول بی واسطه در جواب چه را (نثیی) استفاده می شود.

این را	بونو
اینها را	بونلاری
آن را	اونو
آنها را	اونلاری

اکنون برای تمرین بیشتر فعل دیدن را با ضمائر مفعول بی واسطه در زمان گذشته صرف کنید.

حسن کیمی گوردو؟

حسن منی گوردو	حسن من را دید
حسن سنی.	حسن تو را دید
حسن.	حسن او را دید
حسن.	حسن ما را دید

حسن شما را دید
حسن ایشان را دید
حسن.....
حسن.....

پری این را دید
پری آن را دید
پری اینها را دید
پری آنها را دید
پری نئی گوردو؟
پری بو نوگوردو
پری.....
پری.....
پری.....

صرف فعل (دوست داشتن) سئومك در زمان حال بصورت مثبت و سپس منفی.

من سئویرم
سن سئویرسن
او سئویر
بیز سئویریک
سیز سئویرسیز
اونلار سئویرلر
من دوست دارم
تو دوست داری
او دوست دارد
ما دوست داریم
شما دوست دارید
ایشان دوست دارند

من سئومیرم
سن سئومیرسن
او سئومیر
بیز سئومیریک
سیز سئومیرسیز
اونلار سئومیرلر
من دوست ندارم
تو دوست نداری
او دوست ندارد
ما دوست نداریم
شما دوست ندارید
ایشان دوست ندارند

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- ۱- مادر بچه‌هایش را خیلی دوست دارد.
- ۲- این شاگرد مدرسه را دوست ندارد.
- ۳- عجب، چرا دوست ندارد؟
- ۴- بلکه معلمش بد اخلاق و عصبانی است.
- ۵- برعکس دوستش مدرسه را خیلی دوست دارد.
- ۶- آقای توتونچی قیمه و کته را دوست ندارد.
- ۷- تو قیمه و کته را دوست داری؟

۸- البته که دوست دارم.

این جمله‌ها را به فارسی برگردانید:

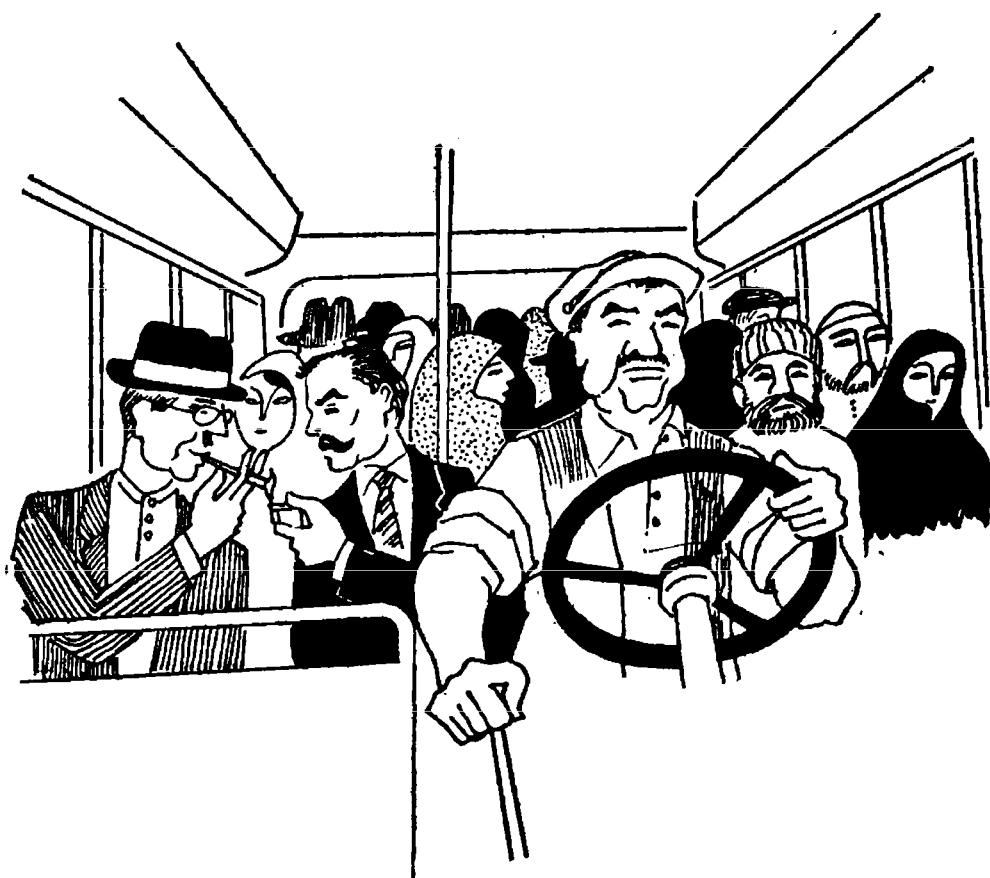
- ۱- ناھارا نہوار؟ ریشتہ آشی؟ من اصلا ریشتہ آشی نی ستومیرم.
- ۲- اولسون، ستومیرسین کی ستومیرسن، و ثرمنہ من چوخ ستویرم.
ربابہ خانم الین آفریماسین.
- ۳- نوش جان، لطیفہ نین اداسی چوخ دور.
- ۴- بوگوشوارانی آل، چوخ قشنگت دیر.
- ۵- یوخ من بوگوشوارانی ستومیرم، ایستیرم بیر ساعات آلام.
ساعات منہ چوخ لازم دیر.
- ۶- مبارک اولسون، آل.

ضرب‌المثلها:

تا در باغ زردآلو بود سلام عليك هم بود
تا زردآلو تمام شد سلام عليك هم تمام شد

آتاسوزلری:

باغدا اریک واریدی، سلام عليك واریدی
باغدا اریک قوتاردی، سلام عليك قوتاردی



اون بئشینجی درس - بلی نئجه مگر؟

درس پانزدهم - بله چطور مگر؟

- | | |
|---|--|
| - آقا این سیگار مال شماست؟ | - آقا بوسیگار سیزیکی دیر؟ |
| - بله آقا، مال من است، متشکرم،
بفرمائید. | - بلی آقا منیمکیدیر، ساغ اولون،
بویوروز. |
| - نه سلامت باشید یک سال و نیم
است که ترک کرده‌ام. | - یوخ ساغ اولون بیرایل یاریمدی
که ترک ائله میشم. |
| - اما آقا سیگار ترک کردن خیلی
سخت است. | - اما آقاسیگاری ترک ائله مکداچوخ
چتین دیر. |
| من تا به حال ده پانزده بار ترک
کرده‌ام اما نشده. | من ایندیه قدر اون اونبش دفعه
ترک ائله میشم اما اولمی یوپردیر. |
| - آقا آنطورها هم سخت نیست. | - آقا ائله ده چتین دگیل. |
| حالا هم که سیگار خیلی گران شده
(بهدار شده) هیچ صرفی ندارد. | ایندیده که سیگار چوخ باهالاشیب
هیچ صرفی یوخدور! |

من يك دوست دارم كه هيچوقت پول
 براي سيگار نمي‌دهد.
 ميگويد در زمان قديم از هر كس
 ميپرسيدى آقا سيگار خدمتتان
 هست. ميگفت بله آقا خواهش
 ميكنم بفرمائيد.
 اما حالا از هر كس مي‌پرسى آقا
 سيگار خدمتتان هست مي‌گويد
 بله، چطور مگر؟

منيم بير دوستوم وار كه هيچوقت
 سيگارا پول و ثرمز.
 اودثيردى كي قديم زمانداهر كيملدن
 سورو شارددين آقا خدمتيز ده
 سيگار وار دثيردى بلى آقا
 خواهش اثليرم بويوروز.
 اما ايندى هر كيملدن سورو شورسان
 آقا سيگار خدمتيزده وار دثير،
 بلى نئجه مگر؟

لغتهای تازهی درس:

ایل	سال
چتین	سخت
یاریم	نیم
ساغ اولون	سلامت باشید
ايندى	حالا
اينديه قدر	تاحالا
اينديده	حالا هم
ائله ده	آنطور هم

فعل‌های تازهی درس:

ترك ائله مك يا ائتمك	ترك کردن
ترك ائله ميشم يا ائتميشم	ترك کرده‌ام
اولماق، اولمى يوپدى	نشده است
باهالاشماق، باهالاشيپدى	گران شده است
وئرمك، وئرمز	نمی‌دهد
سوروشماق، سوروشارددين	می‌پرسیدی

تمرین ضمائر ملکی

همانطور که در درسهای قبل دیدیم از ضمائر ملکی در جواب کیمینکی دیر
 «مال کیست» و نهیینکی دیر «مال چیست» استفاده میشود.

مینمکیدیر	بیزیمکیدیر
اونونکیدیر	سیزینکیدیر
اونونکیدیر	اونلارینکیدیر
بو سیگار کیمینکی دیر؟
بو سیگار مینمکیدیر.
بو کیمین سیگاری دیر؟
بو مینیم سیگاریم دیر.
بو سنین سیگارین دیر؟
بو سیگار سنین کی دیر؟

ضمائر استفهامی

ضمائر استفهامی در زبان ترکی آذری بر سه گونه است. کیم و کیملر؟ (چه کسی، چه کسانی) برای انسان و نه، و نهلر (چه چیز و چه چیزها) برای تمام موجودات بغیر از انسان هانسی و هانسیلار؟ (کدام و کدامها؟) که بطور اعم از آن استفاده می‌شود. ضمائر استفهامی نیز مانند اسم با قبول پیوندها صرف میشوند.

الف - صرف ضمائر استفهامی

حالت	که؟	چه کسانی؟	چه؟	چه‌ها؟	کدام	کدام‌ها
حالت آزاد یا فاعلی (که؟)	کیم	کیملر	نه	نهلر	هانسی	هانسیلار
حالت اضافه «ین» (مال که؟)	کیمین	کیملرین	نهیین	نهلرین	هانسینین	هانسیلارین
حالت تأثیر «ه» (به که؟)	کیمه	کیملره	نه‌یه	نه‌لره	هانسینا	هانسیلارا
حالت گرایش «ی» (که را؟)	کیمی	کیملری	نه‌یی	نه‌لری	هانسینی	هانسیلاری
حالت تخصیص «ده» (پیش که؟)	کیمده	کیملرده	نه‌ده	نه‌لرده	هانسیندا	هانسیلاردا
حالت تفکیک «دن» (از که؟)	کیمدن	کیملردن	نه‌دن	نه‌لردن	هانسیندان	هانسیلاردان

ب - صرف اسم در شش حالت

در اینجا توجه شما را به نقش صامت میانجی (ی) و (ن) که بین دو مصوت پیوند واسم قرار میگیرد جلب می‌کنیم.

اسم به صورت سبقر ختم میشود	اسم به صورت نازک ختم میشود	اسم به صورت پیشوند	پیوند	حالت
آتا	محبوبه	صمد		حالت آزاد یا فاعلی
آتائین	محبوبه‌نین	صمدین	ین، نین	حالت اضافه (مال که)
آتایه	محبوبه‌یه	صمده	ه، یه	حالت تأثیر (به که)
آتانی	محبوبه‌نی	صمدی	ی، نی	حالت گرایش (که را)
آتادا	محبوبه‌ده	صمدده	ده، دا	حالت تخصیص (پیش که)
آتادان	محبوبه‌دن	صمددن	دن، دان	حالت تفکیک (از که)

تمرین: برای تمرین تلفظ این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و با استفاده از ضمایر استفهامی پرسشهای مناسب برای این جواب‌ها بنویسید:

- ۱- حسن کیمه دئدی؟
۱- حسن منه دئدی. (گفت)
- ۲-
۲- بونلار حسنین کتابلاریدی (است)
- ۳-
۳- حسن علی نن فاطمه نی گوردو
(دید)
- ۴-
۴- چائی بقالدان آلدیم (خریدم)
- ۵-
۵- حسن اکبرینن گئتدی (رفت)
- ۶-
۶- حسن اوتوبوسونان گلدی (آمد)
- ۷-
۷- حسن کتابی آپاردی (برد)
- ۸-
۸- حسن اونلاری وئردی (داد)

تمرین

با بکاربردن این اسم‌ها به پرسشهای زیر جواب بدهید (پرویز، ربابه، هما)

- | | |
|--------------|-------------|
| کیم گلدی؟ | که آمد؟ |
| کیمینن گلدی؟ | با که آمد؟ |
| کیمه دئدی؟ | به که گفت؟ |
| کیمی گوردو؟ | که را دید؟ |
| کیمده دیر؟ | پیش کیست؟ |
| کیمدن آلدی؟ | از که گرفت؟ |

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید

- ۱- چه کسانی آمدند؟
.....
- ۲- تو به چه کسانی گفتی؟
.....
- ۳- معلم چه کسانی را تنبیه کرد؟
.....
- ۴- بلیط در کدام کیف است؟
.....
- ۵- این کتاب را از که خریدی؟
.....
- ۶- چه کسانی دیشب منزل شما
آمدند؟
.....
- ۷- تو کدام‌ها را می‌خواهی؟
.....
- ۸- او کدام را دوست دارد؟
.....

هنگام منفی کردن فعل (وثرمك) در زمان گذشته پیوند «م» پس از ریشه یعنی «وثر» و در زمان حال پیوند «می» پس از ریشه قرار می‌گیرد.
اکنون شما فعل (وثرمك) را در زمان گذشته و حال بصورت منفی صرف کنید.

من وثرمیرم	من وثرمدیم
سن	سن
او	او
بیز	بیز
سیز	سیز
اونلار	اونلار



اون آلتینچی درس - بیر شیئی دگیل دیفرانسیال سینپدی! درس شانزدهم - چیزی نیست دیفرانسیال شکسته!

مسافر - آقا بیخشید، ساعت چند است؟	مسافر - آقا باغیشلییز، ساعات نچهدیر؟
آقای توتونچی - یک ربع مانده به یازده.	آقای توتونچی - اون بیره قالیر بیر رب.
مسافر - متشکرم پرسه ساعت دیگر می‌رسیم به اردبیل	مسافر - ساغ اولون پس اوچ ساعاتدان سورا اردبیله یئتیشریک.
آقای توتونچی - حالا برای این آقا تعریف می‌کردم در زمان گذشته یعنی در هزار و سیصد و هیجده نوزده هر وقت از تبریز به تهران یا از تهران به تبریز می‌رفتیم سی، سی و هشت ساعت،	آقای توتونچی - ایندی بو آقایه تعریف ائله ییردیم گنچمیشلرده یعنی مین اوچ یوز اون سکگیزده اون دو ققوزدا هر وقت تبریزدن تهرانا یا تهراندان تبریزه گئدردیك اوتوز، اوتوز سکگیز

ساعات چکردی.

مسافر - اوتوز سگگیز ساعات؟

آقای توتونچی - بلی، باشیز ایچون،
اوتوز، اوتوز سگگیز ساعات
اودا بیر صورتده کی ماشین
سینماییدی.

بیردفعه یادیمدا دیر تبریزدن تهرانا
گئدیردیک قرهچمنین یاخین-
لیغیندا شوفر ماشین ساخلادی،
بالام نه اولوپ؟

شاگرد شوفر دئدی ناراحت اولمایین
بیرزاد دگیل دیفرانسیال
سینییدی!

طول می کشید.

مسافر - سی و هشت ساعت؟

آقای توتونچی - بله به سرتان قسم
سی، سی و هشت ساعت آنهم
در صورتی که ماشین عیب
نمی کرد.

یکدفعه یادم است از تبریز به تهران
می رفتیم نزدیکهای قرهچمن
شوفر ماشین را نگاه داشت بابا
چی شده؟

شاگرد شوفر گفت ناراحت نشوید
چیزی نیست دیفرانسیال
شکسته!

لغت‌های تازه‌ی درس:

قالیر

رب

اودا

یاخین

یاخین لیغیندا

باشیز ایچون

بیر صورتده کی

گنچپ

گنچمیشلرده

گالیب

مانده است

ربع

آنهم

نزدیک

در نزدیکهای

به سرتان قسم

در صورتی که

گذشته

در زمان‌های گذشته

مانده

فعل‌های تازه‌ی درس:

باغیشلاماق، باغیشلییز

(سینماق) سینماییدی

سینییدی

یاددا اولماق، یادیمدا دیر

یتیشمک، یتیشریک

ببخشید

نمی شکست

شکسته است

یادم است

می‌رسیم

تعریف ائله مک، تعریف ائله بیردیم
 ساخلاماق، ساخلاماق
 ناراحت اولماق، ناراحت اولماین
 تعریف می کردم
 نگاه داشت
 ناراحت نشوید

عبارت های مربوط به زمان

بهار	بهار
یای	یای
پاییز	پاییز
قیش	قیش
گنجه یاریسی اولوپ	گنجه یاریسی اولوپ
گونورتا اولدی	گونورتا اولدی
آغشام اولدی	آغشام اولدی
ایندی گونور تادان سورا دیر	ایندی گونور تادان سورا دیر
ایندی گونور تادان قاباق دیر	ایندی گونور تادان قاباق دیر
بیررب قالیر اوچه	بیررب قالیر اوچه
اوچه قالیر بیررب	اوچه قالیر بیررب
آلتی دان گنچپ اون دقیقه	آلتی دان گنچپ اون دقیقه
ساعات اون ایکی دیر	ساعات اون ایکی دیر
ناهار وقتی دیر، درسی گوتارین	ناهار وقتی دیر، درسی گوتارین
وقت ناهار است درس را تمام کنید	

گون (روز)
 ایسراگون (پریروز) - دونن (دیروز) - بوگون (امروز) - صباح (فردا) - صاباحدان سونرا (پس فردا)
 گنجه (شب)
 ایسراگانجه (پریشب) - دونن گنجه (دیشب) - بوگنجه (امشب) - صباح گنجه (فرداشب)
 ایل (سال)
 گنچن ایل (پارسال) - بوایل (امسال) - گلن ایل (سال آینده)
 آی (ماه)
 گنچن آی (ماه گذشته) - بو آی (این ماه) - گلن آی (ماه آینده)
 هفته (هفته)
 گنچن هفته (هفته گذشته) - بو هفته (این هفته) - گلن هفته (هفته آینده)

تمرین: قابق، سونرا، قالمیش، گنچمیش

سه ماه قبل از این	اوچ آی بوندان قابق
چهار سال بعد از این	دورت ایل بوندان سونرا
پنج روز قبل از این	بشش گون بوندان قابق
سه هفته مانده به بهار	اوچ هفته باهارا قالمیش
یک ماه از زمستان گذشته	ایکی آی قیشدان گنچمیش
یک روز به آخر عمرم مانده	بیرگون عمرمون آخرینه قالمیش

اسم روزهای هفته و اسامی ماهها در زبان ترکی و فارسی یکیست

عبارت‌های مربوط به زمان را بخوانید و به پرسشها جواب بدهید.

بو ایل نه ایلدیر؟
ایندی گنجه دیر؟
ایندی گونوز دور؟
بو آی نه آی دیر؟
گلن آی نه آیدیر؟
گنچن آی نه آیی دیر؟
ایندی ساعات نئچه دیر؟
بوگون نه گون دیر؟
بوگون شنبه دیر؟
نئچه گون قالیپ جمعه‌یه؟
نئچه گون جمعه دن گنچیب؟

این ساعت‌ها را به ترکی بنویسید:

.....	ساعت چهار و ربع است
.....	یک ربع مانده به شش
.....	هشت و بیست دقیقه است
.....	ده دقیقه مانده به هفت
.....	ساعت پنج و نیم است
.....	حالا ظهر است

حالا نصف شب است
از پنج ده دقیقه گذشته است
به هفت مانده پنج دقیقه
این جمله‌ها را به ترکی بنویسید

امروز شنبه دوازدهم ماه است.	فردا یکشنبه سیزدهم ماه است.
دیروز جمعه یازدهم ماه بود.	ماه آینده خردادماه است.
سال آینده سال ۱۳۶۱ است.	دو ماه دیگر مدرسه‌ها تعطیل می‌شود.
ماه گذشته فروردین ماه بود.	در تابستان مدرسه‌ها تعطیل است.
در زمستان هوا سرد است.	در بهار هوا ملایم است.

تمرین دستوری:

خاطرتان هست که برای منفی کردن فعل در زمان گذشته، متناسب با مصوت ریشه‌ی فعل پیوند «ما» یا «مه» و در زمان حال پیوند «می» یا «مو» اضافه می‌کردیم. اکنون اول افعال زیر را به صورت منفی بنویسید و سپس برای هر يك، يك جمله بسازید:

آل - گتدی - آلدیم - دئدیک - گلدیلر - دیر - ایستیرم - ناخوش
اولدوم - واریمدی - اولدو - وئردیلر

مثال:

آل: منه بیر جوت جوراب آل!
آلما - من شال ایسته‌میرم، منه شال آلمان.

ضرب‌المثلها: شیره خریدهام، مربا درآمده!
آتالارسوزی: دوشاب آلمیشیق، مربا چیخیب!



اون یئدینجی درس - قهوه خانادا

درس هفدهم - در قهوه خانه

شاگرد راننده - زودتر پیاده شوید
یک ربع برای چای خوردن
فرصت دارید.

خانم مسافر - آقا چه خبره سر
میبرید؟ کم مانده بود بیفتم.

مسافر - داداش یک چای تازه دم به
ما بده.

قهوهچی - بفرمائید آقا.
خانم مسافر - واه واه این هم شد
چای صد رحمت به آب حوض،
به من یک لیوان شیر داغ
بدهید.

شاگرد راننده - آی بالام تئز یئون
چای ایچمک ایچون بیر رب
وقتیز وار.

خانم مسافر - آقا نه خبر دور باش
آپاریرسان؟ آز قالمیشدی
بیخیلام.

مسافر - داداش بیزه بیر تازه دم چای
وئر.

قهوهچی - بیوروز آقا!
خانم مسافر - واه واه بودا اولدی
چای؟ یوز رحمت حوض سوونا،
منه بیر لیوان ایستی سوت وئر.

قهوه‌چی - سیزه نه‌وریم؟
 خانم مسافر - دئدیم بیر لیوان
 ایستی سوت!
 مسافر دیگر - باغیشلییون آقا اجازه
 وار سیزین یانیزدا اوتورام؟
 مسافر - بیوروز آقا.
 مسافر دیگر - سیزده آستارایا
 تشریف آپاریرسیز؟
 مسافر - خیر آقا من اردبیلله
 گئدیرم. داداش بیزیم حساب
 نئچه اولدی؟
 قهوه‌چی - آقا قوناق اولون، چایین
 پولو اولدو بیر تومن، سوتون
 پولودا اولدی اون بئش قران
 مسافر - خانمین حسابی آیری دیر
 شاگرد راننده - آی بالام تئز اولون
 گئج اولدی!
 خانم مسافر - نه‌خبر دور، قویمورلار
 آدام بیر ایستکان سوت راحت
 ایچه!

قهوه‌چی - به‌شما چه بدهم؟
 خانم مسافر - گفتم يك لیوان شیر
 داغ.
 مسافر دیگر - ببخشید آقا اجازه
 هست پیش شما بنشینم؟
 مسافر - بفرمائید آقا.
 مسافر دیگر - شما هم به آستارا
 تشریف میبرید؟
 مسافر - خیر آقا من به اردبیل
 میروم. داداش حساب ما چند
 شد؟
 قهوه‌چی - مهمان ما باشید پول چای
 شد يك تومان پول شیر هم
 شد پانزده ریال.
 مسافر - حساب خانم جدا است.
 شاگرد راننده - بچه‌ها زود سوار
 شوید دیر شد.
 خانم مسافر - چه خبره نمی‌گذارند
 آدم با دل راحت يك استکان
 شیر بخورد!

لغت‌های تازه‌ی درس:

بچه	بالا
جدا	آیری
آب	سو
داغ، گرم	ایستی
زود	تئز
زود باشید	تئز اولون
کمی	آز، آزجا
پیش شما	یانیزدا

افعال درس تازه:

پياده شويد	يئتمك، يئنون
بييقتم، زمين بخورم	يئيخيلمان، يئيخيلام
نوشيدن	ايچمك

صرف اسم با پیشوند يان (نزد یا پیش)

نزد من	يانيمدا
نزد تو	يانيندا
نزد او	يانيندا
نزد ما	يانيميزدا
نزد شما	يانيبيزدا – يانيزدا
نزد ايشان	يانلاريندا

ضمائر شخصی با گرفتن پیوندها حالت تأثیر می‌گیرند، به که؟

به من	منه
به تو	سنه
به او	اونا
به ما	بیزه
به شما	سیزه
به آنها	اونلارا

ايچون – برای

در زبان ترکی آذری کلمه‌ی «ايچون» معادل کلمه‌ی «برای» در زبان فارسی است و پس از ضمائر ملکی بکار برده میشود.

برای من	منيم ايچون
برای تو	سنين ايچون
برای او	اونون ايچون
برای ما	بيزيم ايچون
برای شما	سيزين ايچون
برای ايشان	اونلار ايچون

تمرین:

– درس را بخوانید و زیر ضمائر شخصی در حالت تأثیر يك خط بکشید.
– جمله‌های زیر را بخوانید و با گذاشتن ضمائر شخصی مناسب آن را کامل کنید.

تو او را دیدی؟ او نوگنوردون؟
که به تو گفت بیائی اینجا؟ کیم دئدی بورا مجلسن؟
هیچکس تو را مجبور نکرد. هئچ کیم مجبور ائله مدی.
او را که زد؟ کیم ووردو؟
پدرم این را برای ما خریده. بابام بونو آلییدی.
من این را برای تو خریدم. من بونو آلدیم.

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- آن کتاب را به من بده.
- این کتاب کیست؟
- اصغر آقا چه زود آمد.
- من دفتر دارم اما مداد ندارم.
- صد دفعه بتو گفتم آنجا نرو.
- امروز بعد از ظهر به سلمانی برو.
- جوینده یا بنده است.
- من این میز را نمی‌خواهم.
- تو این بلوزها را می‌خواهی؟
- نه من آنها را نمی‌خواهم.
- این سیگار مال شماست؟
- برای من يك سیگار بخر.
- حسن برای تو يك استکان چای آورد.
- مادرم برای شما ناراحت شد.

به این گفتگو گوش کنید و آن را به فارسی برگردانید:

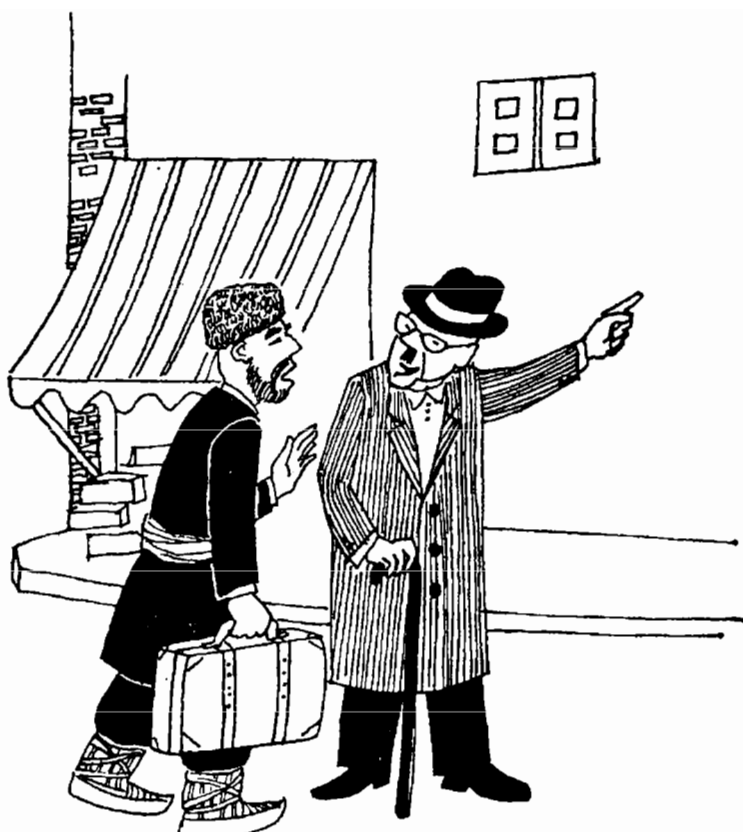
- سن بو دویونو هاردان آلدین؟
- اکبر آقادران آلدیم.
- کیلوسینی نئچی یه آلدین؟
- چوخ باها، کیلوسی پیر می‌بئش تومنه آلدیم.

- اودویونی کیم ایچون آلدین؟
- اونو باجیم ایچون آلدیم.
- ایستیرسن سنه ده آلیم؟
- یوخ، ساغ اول، من ایسته میرم، بیزیم دوگوموزوار.
- خوش حالیزا!

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- تو چمدانت را به که دادی؟
- حسن چمدانش کجاست؟
- که از مدرسه به‌خانه رفت؟
- زود باشید، دیر شد ساعت نه شد.
- تو به‌من چه گفتی؟
- من به تو گفتم برای من از بازار سه کیلو سیب بخر.
- من نمی‌خواهم به مدرسه بروم.
- خیلی کار دارم باید زود بروم.

شعری از حکیم لعلی:
 غربال چون ائدر حرکت هرچ و مرج اولار
 باخما او هرچ و مرجه، آریتماق خیالی وار!



اون سگیزینجی درس - نئجه گنده بیلرم؟ درس هجد هم - چطور می توانم بروم؟

- | | |
|--|---|
| مسافر - آقا بیخشید، چطور می توانم
به هتل آستارا بروم. | مسافر - آقا باغیشلییز آستارا
هتلی نه نئجه گنده بیلرم؟ |
| رهگذر - با اتوبوس یا با تاکسی
می توانید بروید. | رهگذر - اتوبوس ایله ویا تاکسی ایله
گنده بیلرسیز. |
| - تاکسی چند می برد؟ | - تاکسی نئچه یه آپارار؟ |
| - یک تومن می برد. | - بیر تومنه آپارار. |
| - اتوبوس چند می برد؟ | - اتوبوس نئچه یه آپارار. |
| - دو ریال، اما دور است شما با
تاکسی بروید. | - ایکی قرانا آپارار، اما اوزاقدیر،
سیز تاکسی ایله گئدین. |
| - تاکسی، راهتان به هتل آستارا
می خورد؟ | - تاکسی، یولوز آستارا هتلی نه
یییر؟ |
| راننده - بله بفرمائید. | راننده - بلی بویوروز. |

– بی زحمت این بار را هم بگذارید
در تاکسی، سلامت باشید،
دستتان درد نکند.
راننده – آقا از کجا می آئید.
– از سراب.
راننده – به اردبیل خوش آمدید.

– زحمت اولماسا بسو یوکوده
گویون تاکسی یه، ساغ اولون،
الیز آغری ماسین.
راننده – آقا هاردان گلیرسیز؟
– سراپدان.
راننده – اردبیله خوش گلپسیز.

مسافر – خانم ببخشید به مقبره
شیخ صفی از کجا می روند؟
رهگذر – والله خانم من هم در این
شهر غریبم از آن آقا بپرسید.
مسافر – آقا ببخشید به شیخ صفی
از کجا می روند؟
آقا – خانم مستقیم بروید در
خیابان سوم بیچید به راست،
بعد مستقیم بروید میرسید به
شیخ صفی.
مسافر – سلامت باشید، خدا حافظ

مسافر – خانیم باغیشلییز، شیخ
صفی یه هاردان گنדר؟
رهگذر – والله خانم منده بوشهرده
غریبم او آقادران سوروشون.
مسافر – آقا باغیشلییز، شیخ
صفی یه هاردان گنדר؟
آقا – خانیم دوزگنت، او چونجوخیا –
باندان چون ساغا، سورا دوز
گنت چاتارسان شیخ صفی یه.
مسافر – ساغ اولون، خدا حافظ

لغت‌های تازه‌ی درس

دوز	مستقیم، راست، حقیقت
ساغ	به سمت راست
سورا	بعد
ایله	با
اوزاق	دور
یوک	بار

افعال درس تازه:

سوروشماق، سوروشون	بپرسید
چونمک، چون	بیچید
چاتماق، چاتارسان	می رسید
آپارماق، آپارار	می برد

می خورد
می آید
آمده آید

یئمك، یییر
گلمك، گلیرسین
گلپسین

فعل بیلمك (دانستن و توانستن)

فعل بیلمك به دو صورت بکار برده میشود.

۱- به معنای دانستن و بلد بودن، من می دانم...

من بیلیرم	بیز بیلیریک
سن بیلیرسن	سینز بیلیرسینز
او بیلیر	اونلار بیلیرلر

۲- بصورت فعل معین یا امدادی توانستن

در این صورت فعل اصلی در حالت صفت مفعولی می آید و فعل معین بیلمك صرف می شود.

الف - در زمان گذشته، من توانستم بروم...

من گئده بیلیدیم	بیز گئده بیلیدیک
سن گئده بیلیدین	سینز گئده بیلیدینز
او گئده بیلیدی	اونلار گئده بیلیدیلر

ب - در زمان حال، من می توانم بروم...

من گئده بیلیرم	بیز گئده بیلیریک
سن گئده بیلیرسن	سینز گئده بیلیرسینز
او گئده بیلیر	اونلار گئده بیلیرلر

پ - برای منفی کردن فعل علامت نفی به فعل معین اضافه می شود.

من گئده بیلمدیم	من نتوانستم بروم
او گئده بیلمیر	او نمی تواند برود

اکنون این افعال را صرف کنید

۱- من گنده بیلمدیم
 سن
 او
 بیز
 سیز
 اونلار

۲- من گنده بیلمیرم..
 سن
 او
 بیز
 سیز
 اونلار

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- من سنه کتاب آلا بیلمرم.
- حسن سنه کتاب آلا بیلمر.
- سن شنبه گونو مدرسه یه گنده بیلمرسن؟
- بیز یای دامازندرانا گنده بیلمیرک؟
- هرکیم، پول و ترسه بوماشینی آلابیلر.
- حسن بوآتوی آلابیلمز، چوخ باها دیر.
- اوبیلمیر کی بوکتابهار دادیر.
- سن بیلمیرسن حسن‌ها را گتدی؟

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- من نتوانستم دیروز به مدرسه بروم.
- شاید فردا بتوانم به بازار بروم.
- تو فردا نمی‌توانی به بازار بروی چونکه بازار تعطیل است.
- بازار چرا تعطیل است؟
- من نمی‌توانم با توبه مهمانی بروم.
- تو می‌دانی اسم این پسر چیست؟
- تو می‌دانی پریچهر در کدام بیمارستان کار می‌کند؟
- نه من نمی‌دانم، شوکت می‌داند.

ضرب‌المثلها: با حلوا حلواگفتن دهان شیرین نمی‌شود!
 آتالارسوزی: حالوا حالوا دتمک ایله آغیز شیرین اولماز!



اون دو ققوزونچی درس - هتل ده

درس نوزدهم - در هتل

آقای توتونچی - آقا يك اتاق يکنفره
میخواهم.

مدیر هتل - چند شب میمانید؟
آقای توتونچی - چهار پنج شب.
مدیر هتل - اوتاق حمامدار
میخواهید یا بی حمام.

آقای توتونچی - اتاق حمامدار
میخواهم شبی چند است؟
مدیر هتل - شبی شصت تومان.
آقای توتونچی - سالن غذاخوری
دارید؟

مدیر هتل - بله سالن غذاخوری

آقای توتونچی - آقا بیرتك نفره
اتاق ایستیرم.

مدیر هتل - نچه گنجه قالا جاقسیز؟
آقای توتونچی - دورت بشش گنجه.
مدیر هتل - حماملی اوتاق ایستیر
سیز یا حاما مسیز؟

آقای توتونچی - حماملی اوتاق
ایستیرم، گنجه سی نچه دیر؟
مدیر هتل - گنجه سی آتمیش تومن.
آقای توتونچی - ناهار خوروزوار؟

مدیر هتل - بلی ناهار خوروموز وار،

شام‌دا حاضیردی، بویوروز.

داریم حالا هم شام حاضر است
بفرمائید.

آقای توتونچی - داداش شامانه وار؟

آقای توتونچی - داداش برای شام
چه دارید؟

گارسن - چلوکباب، جوجه کباب،
بالیق دولما، قارابادمجان،
قیمه پلو، کوفته....

گارسن - چلوکباب، جوجه کباب،
ماهی، دلمه، بادمجان، قیمه پلو،
کوفته....

آقای توتونچی - یاخشی، یاخشی،
منه بیرال چلوکباب گتیر،
قیرمیزی بادیمجان و ایران و
یومورتا داگتیر، داداش کره
سیده بوللو اولسون.

آقای توتونچی - خوب خوب برای
من يك دست چلوکباب بیاور
گوجه فرنگی و دوغ و تخم مرغ
هم بیاور، داداش کره اش
فراوان باشد.

گارسن - گوژوم اوسته آقا.

گارسن - روی چشم آقا.

آقای توتونچی - داداش ساغ اول
غریبه کبابیدی.

آقای توتونچی - داداش سلامت باشی
کباب خوبی بود.

گارسن - بلی آقا بیزیم چلوکباب
اردیبلده تکدی.

گارسن - بله آقا چلوکباب ما در
اردیبل تک است.

آقای توتونچی - حسابیم نئچه اولدو؟
گارسن - حسابیز اوتوزبئش تومن
اولدی.

آقای توتونچی - حسابیم چند شد؟
گارسن - حسابتان شد سی و پنج
تومان.

آقای توتونچی - بالام ائله قیمتیزده
تک دیر!

آقای توتونچی - بابا قیمتتان هم
تک است.

گارسن - اختیاریزوار!

گارسن - اختیار دارید!

لغت‌های تازه‌ی درس:

چند	نئچه
ماهی	بالیق
يك دست	بیرال
بادمجان سیاه	قارابادمجان
گوجه فرنگی	قیرمیزی بادیمجان
دوغ	ایران
فراوان	بوللو
حمام	حامام

اوزاق
آغیر
یونگول

دور
سنگین
سبک

افعال تازه‌ی درس:

قالماق، قالاجاقسین
اولماق، اولدی، اولدو
توتماق، توتون
خواهید ماند
شد
بگیرید

به این گفتگو گوش کنید و پس از ما تکرار کنید:

سیزی صاباح ساعات نئچده اویادیم؟
منی صاباح ساعات یددی ده اویادین.
شما را فردا صبح ساعت چند بیدار
کنم؟
آقا بیر یاخشی هتل سراغیزوار؟
من را صبح ساعت هفت بیدار کنید.
هتل یاخیندی یا اوزاق دیر؟
آقا یک هتل خوب سراغ دارید؟
هتل اوزاق دیر تاکسی توتون.
هتل نزدیک است یا دور است؟
هتل دور است تاکسی بگیرید.
لطفاً منی هتل شرقه آپارین.
لطفاً من را به هتل شرق ببرید.

صفت

همانطور که تا بحال دیده‌اید در زبان ترکی آذری صفت قبل از موصوف
می‌آید و همیشه مفرد است و پیوند تصریفی ندارد.
مثال

شیرین انار
گوزل قیز
شیرین انارلار
گوزل قیزلار

علاوه برصفت‌های ساده از قبیل گوزل (زیبا) ایستی (گرم) باها (گران)
اوجوز (ارزان) و غیره با افزودن پیوندهائی به اسم صفت مرکب ساخته
میشود. در این جا شما با پیوند مثبت (لی) و پیوند منفی (سین) آشنا می‌شوید.
می‌دانیم که یکی از خصوصیات زبان ترکی آذری هماهنگی و تطابق
گروهی اصوات است. لذا در هنگام تلفظ، مصوت‌های پیوندهای مختلف با
توجه به خصوصیات صوتی کلمه اصلی تغییر می‌کند که متأسفانه بعلت
محدودیت الفبای فارسی نمیتوان آنها را نوشت. لذا توصیه میکنیم که به

تلفظ کلمه‌ها و عبارات و جمله‌ها همیشه خیلی دقت کرده و حتماً با صدای بلند آن را تکرار کنید. بخاطر داشته باشید که هنگام تقلید تلفظ به طبیعت آن بهتر پی میبرید تا شنیدن آن.

ساختن صفت با افزودن پیوند مثبت لی و لو (معادل پیشوند با در زبان فارسی)

حاماملی	(حمام) حمام
آتالی	(پدر) آتا
اوشاقلی	(بچه) اوشاق
یاغلی	(روغن) یاغ
خیرلی	(خیر) خیر
پوللو	(پول) پول
گوللو	(گل) گول
دوزلو	(نمک) دوز
دوستلو	(دوست) دوست
سولو	(آب) سو

ساختن صفت با افزودن پیوند منفی سی و سو (معادل پیشوند بی در زبان فارسی)

حامامسین	حامام
آتاسین	آتا
اوشاقسین	اوشاق
السین	ال
یاغسین	یاغ
خیرسین	خیر
پولسوز	پول
گولسوز	گول
دوزسوز	دوز
دوستسوز	دوست
سوسوز	سو

این کلمه‌ها را پس از ما تکرار کنید و این صفت‌ها را در جمله‌های زیر بکار ببرید

گوزل - اوجوز - باها - قیرمیز (قرمز) - ساری (زرد) - پیس (بد)

یاخشی - یاشیل (سبز) - پولسوز - یاغلی - چتین (سخت) - هاساد
(آسان)

بوپلو چوخ دیر.
بوشال دیر اوشال دگیل.
بوقیزچوخ دیر.
بوگول دیر.
بوپارچا دیر.
بوواشاقچوخ دیر.
بوآدام دیر.
بوآغاجلار دیلار.
بوماشینلار چوخ دیلار.

صرف فعل بودن در زمان گذشته (من بودم....)

بیزایدیک	من ایدیم
سیزایدیز	سن ایدین
اونلرایدیلم	او ایدی

صرف فعل بودن در زمان گذشته در حالت منفی (من نبودم....)

بیز دگیلیدیک	من دگیلیدیم
سیز دگیلیدیز	سن دگیلیدین
اونلار دگیلیدیلر	او دگیلیدی

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- این تو بودی تنها به بازار رفتی؟
- نه من نبودم، من تنها به بازار نرفتم، من با برادرم به بازار رفتم.
- کدام معلم‌ها بودند که دیروز به مدرسه نیامدند؟ آنها بودند؟
- نه آنها نبودند.
- پس کدام‌ها بودند؟
- من نمی‌دانم.
- تو می‌توانی تنها به‌خانه بروی؟
- تو آدرس من را می‌دانی؟
- نه نمی‌دانم، آدرس را به من بده

به این گفتگو گوش کنید و این جمله‌ها را به فارسی برگردانید:

- سن دونن هاردا ایدین؟
- من دونن مدرسه ده ایدیم.
- رشیده اوردا ایدی؟
- بلی رشیدنن احمدده اوردا ایدیلر.
- سیزده اوردا ایدیز؟
- بلی بیزده اوردا ایدیک.

هانسی و هانسیلار - کدام و کدامها
ضمیر استفهامی هانسی و هانسیلار مانند کیم و کیملر و نه و نه لر با پذیرفتن پیوندها به حالات مختلف صرف می‌شود شما برای هر یک از آنها دو جمله ترکی بنویسید.

کدام	هانسی
مال کدام	هانسینین
به کدام	هانسینا
کدام را	هانسینی
کدام‌ها	هانسیلار
مال کدام‌ها	هانسیلارین
به کدام‌ها	هانسیلارا
کدام‌ها را	هانسیلاری
در کدام	هانسیندا
از کدام	هانسیندان
با کدام	هانسینان
در کدام‌ها	هانسیلاردا
از کدام‌ها	هانسیلاردان
با کدام‌ها	هانسیلارینان

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- ۱- تو با کدام ماشین آمدی؟
- ۲- آقا کدامها را خریدند؟
- ۳- کتاب را به کدام شاگرد دادی؟

۴- گل را در کدام گلدان گذاشتی؟

۵- از کدام می‌خواهید؟

۶- با کدام به تبریز می‌روید؟

۷- کدام را خریدی؟

به این پرسشها به ترکی جواب بدهید و پس از ما تکرار کنید:

- سن بیلیرسن یا پراق نه رنگ‌دیر؟

- سن بیلیرسن هانسی گوشوارا چوخ باهالی دیر؟

- سن تورکی بیلیرسن؟

- سنین دوستون تورکی بیلیر؟

- تورکی چتین دیر یا هاساد دیر؟

- هانسی ماشین لاپ باهالی دیر؟

- هانسی ماشین اوجوز دور؟

- سن ایستیرسن گلن ایل مسافرته گئدسن؟

ضرب المثلها: صد دوست کم است و يك دشمن بسیار!
آتاسوزلری: دوستین مین ایسه آز، دشمنین بیرایسه چو خودور!



بیرمینجی درس - بولاپ قشنگدی درس بیستم - این از همه قشنگتر است

- | | |
|--|---|
| مارال - وای به این گوشواره‌ها نگاه کن چقدر قشنگ هستند! | مارال - وای بوگوشوارا یاباخ، نه قشنگ دیر! |
| جیران - ان یکی قشنگتر است! کدام؟ | جیران - اوبیرسی دها قشنگ دیر! هانسی؟ |
| - آن گوشواره طلا. | - اوقیزیل گوشوارا. |
| - به آنها نگاه کن آنها از همه قشنگتر هستند. | - اونلارا باخ اونلار لاپ قشنگ دیر! |
| - کدامها؟ | - هانسیلار؟ |
| - آنها. | - اونلار. |
| - بابا ولکن بیا برویم خیلی دیر شد. | - باباگل گئدک چوخ گئج اولدو. |
| - مگر ساعت چند است؟ | - مگر ساعات نئچه دیر؟ |

- ساعت چند است، هیچ از هفت ده دقیقه گذشته، هیچ میدانی از اینجا تا منزل چقدر راه است؟
 - نه نمیدانم چقدر راه است؟
 - دست کم نیم ساعت راه است.
 - هوا هم که خیلی سرد شده، یادیدی میوزد، باران هم میبارد.
 - کاملاً دیر شده حالا ما چطور به منزل برویم، تاکسی هم که نیاید.
 - نگاه کن، يك تاکسی می‌آید، تاکسی، تاکسی
 - تو پول خرد داری؟
 - دارم.
 - پس کرایه را تو بده.
 - باشد دیگر! همیشه کارت همین است!

- ساعات نچه دیر، هئچ یئددی دن گئچپ اون دقیقه، هئچ بیلیرسن بوردان اتوه نقدر یول وار؟
 - یوخ بیلیرم، نقدر یول وار؟
 - آزی یاریم ساعات یول وار.
 - هاواداکی چوخ سویویوپدی، نه بتریئل اسیر، یاغیش دایاغیر.
 - لاپ گئچ اولدو ایندی بیز نجه اتوه گئداخ تاکسی داگلمیر.
 - بوراباخ، بیر تاکسی گلیر، تاکسی، تاکسی
 - سنین خیردا پولون وار؟
 - واریمدیر.
 - پس کرایه نی سن ور.
 - اولسون دا! همیشه کی ایشین دیر!

لغت‌های تازه‌ی درس:

آن دیگری	اوبیرسی
ول کن	ولله
طلا	قیزیل
دیر	گئچ
راه	یول
بدجوری، خیلی	بتر
باران می‌بارد	یاغیش یاغیر
باد می‌وزد	یئل اسیر
پول خرد	خیردا پول
ببینم آیا	گورسن

افعال تازه‌ی درس:

سرد شده است	سویویوپدی
می‌آید	گلمک، گلیر
نمی‌آید	گلمیر

اشکال نسبی صفت

در زبان ترکی آذری اشکال نسبی صفت بعضاً با همراه شدن صفت با یکی از ادات زیر ساخته میشود:

آز (کم) آزاراخ (کمتر) داهای (بیشتر) لاپ (از همه بیشتر)

بو گوشوارا قشنگ‌دیر.	این گوشواره قشنگ است.
بو گوشوارا چوخ قشنگ‌دیر.	این گوشواره خیلی قشنگ است.
بو گوشوارا داهای قشنگ‌دیر.	این گوشواره قشنگ‌تر است.
بو گوشوارا لاپ قشنگ‌دیر.	این گوشواره واقعاً قشنگ است.
بو گوشوارا هامیدان قشنگ‌دیر.	(قشنگ‌ترین است) این گوشواره از همه قشنگ‌تر است.
بو گول اوگولدن گوزل دیر.	این گل از آن گل زیباتر است.
بو ماشین او ماشیندان باهالی‌دیر.	این ماشین از آن ماشین گرانتر است.
بو ماشین او ماشیندان داهای باهالی‌دیر.	این ماشین از آن ماشین هم گرانتر است.

هوا چطور است؟

هوا سرد است.
هوا خیلی سرد است.
هوا یک کمی سرد است.
هوا گرم است.
هوا کمی گرم است.
هوا خیلی گرم است.
هوا خوب است.
هوا بد است.

حالت چطور است؟ چطوری؟
مگر چطور است؟ چطور مگر.
رنگ و رویت چرا اینطور است؟
رنگت خیلی زرد شده است.

هوا نجه‌دیر؟

هوا سووخ‌دور.
هوا چوخ سووخ‌دور.
هوا بیر آز سووخ‌دور.
هوا ایستیدیر.
هوا بیر آز ایستیدیر.
هوا لاپ ایستیدیر.
هوا یاخشی‌دیر.
هوا پیس‌دیر.

حالین نجه‌دیر؟ نجه‌سن؟
مگر نجه‌دیر؟ نجه مگر؟
رنگت وروفون نثیه بئله‌دی؟
رنگین چوخ سارالی‌پدی.

نگرانم، گورسن نئجه اولاجاق. نگرانم نمی‌دانم بالاخره چه خواهد شد.

نگران اولما ایشلر دوزه‌لر، الله نگران نباش کارها درست میشود
کریم‌دیر. خدا کریم است.

ماضی نقلی

برای صرف فعل در زمان ماضی نقلی با توجه به ساخت صوتی فعل به ریشه آن پیوندهائی متناسب با اصول هماهنگی اصوات می‌افزائیم.

الف - میسم، میشن، میثن، میثیک، میثیز، میشلر

ب - میشام، میشان، میث، میثیق، میثیز، میشلار

مثال الف - صرف فعل رفتن (گئتمک) در زمان ماضی مطلق (رفته‌ام...)

گئتمیشم	گئتمیشیک
گئتمیشن	گئتمیشیز
گئدیپ	گئدیپلر

مثال ب - صرف فعل خریدن یا گرفتن (آماق) در زمان ماضی مطلق (خریده‌ام...)

آمیشام	آمیشیق
آمیشان	آمیشیز
آمیش (دیر)	آمیشلار

برای منفی کردن فعل در زمان ماضی مطلق پیوند نفی «م» یا «ما» به ریشه اضافه میشود.

مثال الف = صرف فعل رفتن (گئتمک) در زمان ماضی مطلق به صورت منفی (من نرفته‌ام...)

من گئتمه‌میشم	بیز گئتمه‌میشیک
سن گئتمه‌میشسن	سیز گئتمه‌میشسیز
او گئتمه‌میش (دیر)	اونلار گئتمه‌میشلر

مثال ب - صرف فعل خریدن یا گرفتن (آماق) در زمان ماضی نقلی به

صورت منفی (من نخریده‌ام...)

من آلامیشام	بیز آلامیشیق
سن آلامیشسان	سیز آلامیشسین
او آلامیش (دیر)	اونلار آلامیشلار

به این گفتگو گوش کنید و آن را به فارسی برگردانید:

- من ایندی مدرسه دن گلمیشم، حله (هنوز) آنامی گؤرمه‌میشم.
- سیز هاچان تبریز دن گلمیشسین (یا گلیپسین)؟
- بیز دونن تبریز دن گلمیشیک.
- سیز ناهار یئیپسین یا حله یئمہ ییپسین؟
- یوخ بیز حله ناهار یئمہ‌میشیک.
- اونلار چای ایچیپلر یا حله ایچمه‌یپلر؟
- خیر اونلار دا حله چای ایچمه‌یپلر.
- سیز بو فیلمی گؤروپسوز یا حله گؤرمویوپسوز؟
- من بو فیلمی گئچن ایل گؤرموشم.
- سن حسنن کاغذ آلیپسان؟
- بلی من حسنین کاغذینی آلمیشام، اما حله جواب وئرمه‌میشم.
- سن بو گلی کیم ایچون آلمیشسان؟ (یا آلیپسان).
- من بو گلی سنین ایچون آلمیشام، بویور.
- سن بو شالی کیم ایچون توخویوپسان؟
- من بو شالی قارداشیم ایچون توخوموشام.

جمله‌های زیر را به ترکی برگردانید:

- تو این لباس را کی خریدی؟
- من این لباس را تازه خریدم.
- تو به مادرت گفته‌ای که من آمده‌ام؟
- بچه‌ها به مدرسه رفته‌اند؟
- شهلا امروز غائب است او به مدرسه نیامده است.
- چرا شهلا امروز به مدرسه نیامده است؟
- چونکه ناخوش است.
- این کتاب‌ها را برای تو نخریده‌ام، برای خودم خریدم، دست نزن.

برای آگاهی بیشتر و دقیق‌تر از قوانین صرف افعال باید به کتاب‌های مرجع
که نام آنها در پایان کتاب ذکر شده است رجوع کنید.

ضرب‌المثلها: هرچین تازه‌اش، دوست کهنه‌اش!
آتاسوزلری: هرشئین تزه‌سی، دوستون کهنه‌سی!



بیرمی بیرینجی درس - حالیز نئجه دیر؟
درس بیست و یکم - حالتان چطور است؟

- کبری خانم - کیمدی؟ گلدیم، کبری خانم - کیه؟ آمدم، آمدم. گلدیم.
- حبیبه خانم - منم، حبیبه سلام حالیز نئجه دیر؟
ک - سلام بویوروز خوش گلدیز، به به نه قشنگ گولردی!
- ح - قابل دگیل، عمه قزی سلام، الله یامان وئرمسین، کسالتیزوار؟
- عمه قزی - کسالتیم وار؟ اولورم، فشار خونم وار، گارنیم آغریر، باشیم آغریر، بتلیم آغریر،
- ک - سلام بفرمائید خوش آمدید به به چه گلهای قشنگی!
- ح - قابلی ندارد، دختر عمه سلام بلا به دور، کسالت دارید؟
- دختر عمه - کسالت دارم؟ دارم میمیرم فشار خون دارم دلم درد میکند، سرم درد میکند

ایاضیم آغزیر، دانه دئییم؟!

کمرم دردمیکند، پایم درد میکند،
چه بگویم؟!

ح - اما ماشاءاله رنگ و روفوز
یاخشی دیر!

ع - الله بورنگت وروفومنین آلسین
بیرزده سلامتدیک وئرسین،
حبیبه خانم حالیم چوخ خرابدی،
یورگانی اوستومه چکیرم
قیزیشیرام دالیا وورورام
اوشویورم، قیزیم ایندی منه ۲۶
ضعفدی ۲۶ر۵ گیزدیر مادیر!.

ح - دکرره گئدیپسین؟
ک - بله دکرره ده گدیپلر.
ع - نه دکرتری؟ بونلار که دکر
دگیل لر عزرائیل دیلر!
ک - حبیبه خانم آخیر ماشاءاله
دکرین سؤزونه قولاق
آسمیرکی. دکر دئییر ادویه
یثمه کی یثیر، یاغلی یمه کی
یثیر داوالاری داکسی یثیر،
فشاری داکسی چوخدی گرک
دوزیثمیه کی یثیر.
ح ای وای عمه قزی هیچ دوز گرک
یثمی یسین،
ع - حبیبه خانم آخیر اگر کبری نین
خورکلرینه دوزدا وورماسان
آغیزا گویماق اولماز.
ح - آخیر سیز ناخوش سیز، گرگ
اوزوزدن مواظبت ائله یسین.
عمه قزی جان گرگ رژیم ساخلیاسین.
ع - ای قیزیم اجل اللهین الیندهدی،
الله یامان وئرمه سین. آی کبری

ح - دکر هم رفته اید؟

ک - بله دکر هم رفته اند.

ع - چه دکرتری اینها که دکر
نیستند عزرائیل هستند!

ک - حبیبه خانم آخر ماشاءاله به
حرف دکر گوش نمی کند.

دکر میگوید ادویه نخور که
میخورد، چربی نخور که میخورد،

دواها را هم که نمیخورد،
فشارشان هم که بالاست نمک

نباید بخورد که میخورد.
ح - ای وای دختر عمه نباید هیچ
نمک بخورید.

ع - حبیبه خانم آخر اگر به غذاهای
کبری نمک هم نریزم که نمیشود
به دهان گذاشت.

ح - آخر شما ناخوش هستید باید
از خودتان مواظبت کنید.

دختر عمه جان باید رژیم نگاه
دارید.

ع - ای دخترم اجل دست خداست
خدا بد ندهد. آی کبری یک

بیر ذره منه گویماخ وئر،
اورگیم گنجیر!

خورده به من کاچی بده دلم غش
می رود!

نغتهای تازهی درس:

گل، گلر	گول، گولر
رنگ ورو	رنگ وروف
سلامتی	سلامتدیک
لحاف	یورقان
رو، بالا	اوست
رویم	اوستومه
حرف	سوز
باید	گرگ
کاچی	گویماخ

افعال درس تازه:

می زنم	وورماق، وورورام
نزنم، نریزم	وورماسام
میمیرم	اولمک، آلورم
کشت	اولدورمک، اولدوردو
بدهد	وئرماک، وئرین
می کشم	چکمک، چکیرم
رفته اید	گتتمک، گتدیپسین
رفته اند	گتدیپلر
گوش نمی کند	گولاق آسماق، گولاق آسمیر
نخورد	یشمک، یشمییه
نخورد	یشمک، یشمی یسین
نمی شود	اولماز

تمرین:

مروری بر صرف فعل در زمان حال. (خواستن) ایستمک، ایسته (بخواه)،
ایستیر (می خواهد)
من می خواهم...

ایستیریک
ایستیرسین

ایستیرم
ایستیرسن

ایستیرلر

ایستیر

این فعلها را در زمان حال صرف کنید:

دیمک، ده، دئییر	خوردن،
یتمک، یئه، یئییر	گفتن،
وورماق، وور، وورور	زدن،
گولمک، گول، گولور	خندیدن،
گورمک، گور، گورور	دیدن،

اسامی اعضاء بدن

سر	باش
چشم	گؤز
گوش	قولاق
زبان	دیل
دندان	دیش
دهان	آغیز
گردن	بویون
صورت	اوز
دست	ال
پا	ایاق
انگشت	بارماق
شکم	گارین
دل	اورک
کمر	بئل
پشت	دال

اصطلاحات پزشکی:

بیماری	ناخوشلوق
تب	گیزدیرما
سرفه	اوسگورمه
درد	آغری

سردرد
دندان درد
دل درد
درد می‌کند
رژیم نگاه داشتن
لاغر شدن
چاق شدن

باش آغریسی
دیش آغریسی
گارین آغریسی
آغرییر
رژیم ساخلاماق
آریخلاماق
کوکلماق

کجایت درد می‌کند؟
سرت درد می‌کند؟
نه سرم درد نمی‌کند. گیج می‌رود.
دندان درد می‌کند؟
نه دندانم درد نمی‌کند گوشم درد
می‌کند.

هاران آغرییر؟
باشین آغرییر؟
یوخ باشیم آغرییر. باشیم گئجئلنیر.
دیشین آغرییر؟
یوخ دیشیم آغرییر، قولاقیم آغرییر

تب داری؟
بله تب کرده‌ام، تب دارم.
دلیم ضعف می‌رود.
گرم می‌شود، گرمی گیرم.
سردم می‌شود.
می‌لرزم.
عرق می‌کنم.
از درد می‌میرم
خدا نکند
انشاءاله زود خوب می‌شوی

قیزدیر مان‌وار؟
بلی گیزدیر می‌شام، قیزدیرمام وار.
اورگیم گنچیر.
(قیزیشماق) قیز یشیرام.
(اوشوماق) اوشویورم.
(تیرماق) تیرییرم.
(تررماق) ترییرم.
آغریدان اولورم.
الله انله‌مسین.
انشاءاله تئز یاخشی اولارسان.

کیمده‌دیر، پیش کیست؟

ضمائر شخصی زیر در حالت تخصیص در جواب کیمده (پیش که) بکار برده
می‌شود.

پیش من	منده
پیش تو	سنده
پیش او	اوندا
پیش ما	بیزده

این جمله‌ها را به فارسی برگردانید:

- منیم کتابیم کیمده‌دیر؟
- حسنین چمدانی کیمده‌دیر؟
- سیزین کوپونلار کیمده‌دیر؟
- سن بیلیرسن منیم کیفیم کیمده‌دیر؟
- اوبیلیرسنین کتابین کیمده‌دیر؟
- دفترلر کیمده‌دیر؟

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید:

- سیزین بلیط بیزده‌دیر، بویوروز.
- اونلارین بلیطلری منده‌دیر.
- سیزین کوپونلاری وئردیم اوخانیما.
- من بیلیمرم سنین عکسین اونلاردادیر یایوخ.
- سن بیلیرسن اونون پولوکیمده‌دیر؟
- بیز بیلیمیریک سیزین چمدانلارین کیمده‌دیلر.



بیرمی ایکینجی درس - عباس دان نه خبر؟ درس بیست و دوم - از عباس چه خبر؟

<p>سارا خانم - سلام چه خبره؟</p> <p>صفیه خانم - سارا خانم سلام خوش آمدید بفرمائید، انشاءالله سفر خوش گذشت؟</p> <p>س - بله خواهرم را دیدم خوش گذشت جایتان خالی، چطور شده همه اینجا جمع شده اید چه خبر است؟ چه کار می کنید؟</p> <p>ص - قندمی شکنیم، لحاف می دوزیم، مربا درست می کنیم، بافتنی می بافیم.</p>	<p>سارا خانم - سلام، سلام نه خبر دیر؟</p> <p>صفیه خانم - سارا خانم سلام خوش گلدیز بویورون، انشاءالله سفر خوش گنچدی؟</p> <p>س - بلی باجیم گیلی گوردوم، خوش گنچدی، یثریز بوش، هامی بوردا بیغی شیب سیز، نه خبر دیر، نه ائيله بیر سیز؟</p> <p>ص - قند سیندریریریق، یورگان تیکیریک، مربا دوزلدیریک، توخوما توخویوروق.</p>
--	--

س - کیم اوچون؟

ص - اوشاخلاریمیز ایچون، اونلار ایچون کی جبهه ده ووروشورلار، اونلار ایچون کی جبهه نین دالی سیندا خدمت ائيله بیرلر.

هما - بیزده بوجور، جنگه ده شرکت ائيله بیریک.

س - ساغ اولون، ربابه خانم سیز نجه سیز؟

اوغلوزدان نه خیر؟

ربابه خانم - الحمدالله خبر سیز دگیلم، هامی جبهه ده ال اله وئریپ ووروشورلار. الله هامی اوشاقلاری ساخالاسین و موفق ائله سین.

س - هامی نین دعاسی بودو، انشاء اله بیرگون عباسین تویو ایچون بورداییغی شاریک وایشلیه ریک، خوب ایندی من نه ائله ییم؟

ص - سارا خانم سن قندلری بسته بسته ائله.

ربابه خانم - کیمیدی زنگ وورور؟ پستیچی - آج گاپینی خانیم، پستیچی دیر.

ص - پستیچی دیر عباسدان کاغذ گتیریپ!

ربابه خانم گوژون آیدین، سارا خانم همیشه خوش قدم دیر. س - همیشه خیر خبر اولسون.

س - برای که؟

ص - برای بچه هایمان، برای آنها که در جبهه می جنگند و برای آنها که در پشت جبهه خدمت می کنند.

هما - ما هم اینطور در جنگ شرکت می کنیم

س - سلامت باشید ربابه خانم شما چطورید؟

از پسران چه خبر؟

ربابه خانم - الحمدالله بی خبر نیستم، همه در جبهه دست به دست هم داده می جنگند. خدا همه بچه ها را حفظ و موفق کند.

س - ربابه خانم دعای همه همین است. انشاء اله روزی برای عروسی عباس اینجا دور هم جمع میشویم و کار می کنیم، خوب حالا من چه کار کنم؟

ص - سارا خانم تو قندها را بسته بندی کن.

ربابه خانم - که زنگ میزند؟ پستیچی - در را باز کن خانم، پستیچی است.

ص - پستیچی است از عباس کاغذ آورده است!

ربابه خانم چشمت روشن، سارا خانم همیشه خوش قدم است. س - همیشه خبرها خوش باشد.

لغت‌ها و افعال تازه‌ی درس:

عروسی

توی

توخوما	بافتنی
یثریز بوش	جایتان خالی
ییفیشماق، ییفی شیب‌سین	جمع شده‌اید
ییفی شاریق	جمع می‌شویم
ووروشماق، ووروشورلار	جنگ می‌کنند
سیندیرماق، سیندیریریق	می‌شکنیم
تیکمک، تیکیریق	می‌دوزیم
دوزتمک، دوزلدیریق	درست می‌کنیم
توخوماق، توخویوروک	می‌باقیم
ایشله‌مک، ایشله ییریق	کار می‌کنیم
ال‌اله وئرمک، ال‌اله وئریپ	دست به دست داده

پیوند گیل

پیوند گیل به معنای گروه خانوادگی یا جمع دوستان است. در اینجا به بعضی از موارد استعمال پیوند گیل اشاره می‌کنیم:

گیل	اینها، آنها
گیله	به‌خانه‌ی اینها یا به خانه آنها
بیز	ما
بیزه	به خانه ما
سیزه	به خانه شما

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- حسن گیل گلدیلر.
- بیز حسن گیله گئتدیک.
- دائیم گیل ماشین آلدیلار.
- پریچهر گیل بی‌بیم گیله گئتدیلر.
- سیز صاباح گلین بیزه.
- سیز نییه هئچ بیزه گلمیر سیز؟
- مرجان گیل دونن بیزه گلمیشدیلر.
- من صاباح گئجه گله‌جاغام سیزه. (خواهم آمد)

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- ما روز جمعه رفته بودیم منزل هماینها، منزل نبودند، خیلی بد شد.
- شما کجا هستید؟ چرا هیچ منزل ما نمی‌آئید؟
- بیائید هفته آینده برویم (گن‌داخ) منزل علی‌اینها.
- علی‌اینها در تبریز نیستند، آنها هفته‌ی گذشته رفتند تهران منزل صمدانها.
- دیشب آمدم منزل شما نبودید، کجا بودید؟

به این پرسشها به ترکی جواب بدهید:

- کیمن کاغذ گلدی؟
- کیم اوچون کاغذ گلدی؟
- خانیملار کیملر اوچون ایشله بیرلر؟
- سن هاردا ایشله بیرسن؟
- سن کیم اوچون ایشله بیرسن؟
- ربابه خانیم کیم اوچون شال توخویور؟

صرف فعل داشتن در زمان گذشته به صورت مثبت (من داشتم....)

شکل اول

منیم واریم ایدی	بیزیم واریم ایزیدی
سنین وارین ایدی	سیزین وارین ایزیدی
اونون واری ایدی	اونلارین وارلاری ایدی

شکل دوم (من کتاب داشتم....)

منیم کتابیم واریدی	بیزیم کتابیمیز واریدی
سنین کتابین واریدی	سیزین کتابیز واریدی
اونون کتابی واریدی	اونلارین کتابلاری واریدی

صرف فعل داشتن در زمان گذشته بصورت منفی (من نداشتم....)

منیم یوخوم ایدی	بیزیم یوخوم ایزیدی
سنین یوخون ایدی	سیزین یوخوز ایدی
اونون یوخی ایدی	اونلارین یوخلار ایدی

شکل دوم (من کتاب نداشتم....)

منیم کتابیم یوخ ایدی بیزیم کتابیمیز یوخ ایدی
سنین کتابین یوخ ایدی سیزین کتابیز یوخ ایدی
اونون کتابی یوخ ایدی اونلارین کتابلاری یوخ ایدی

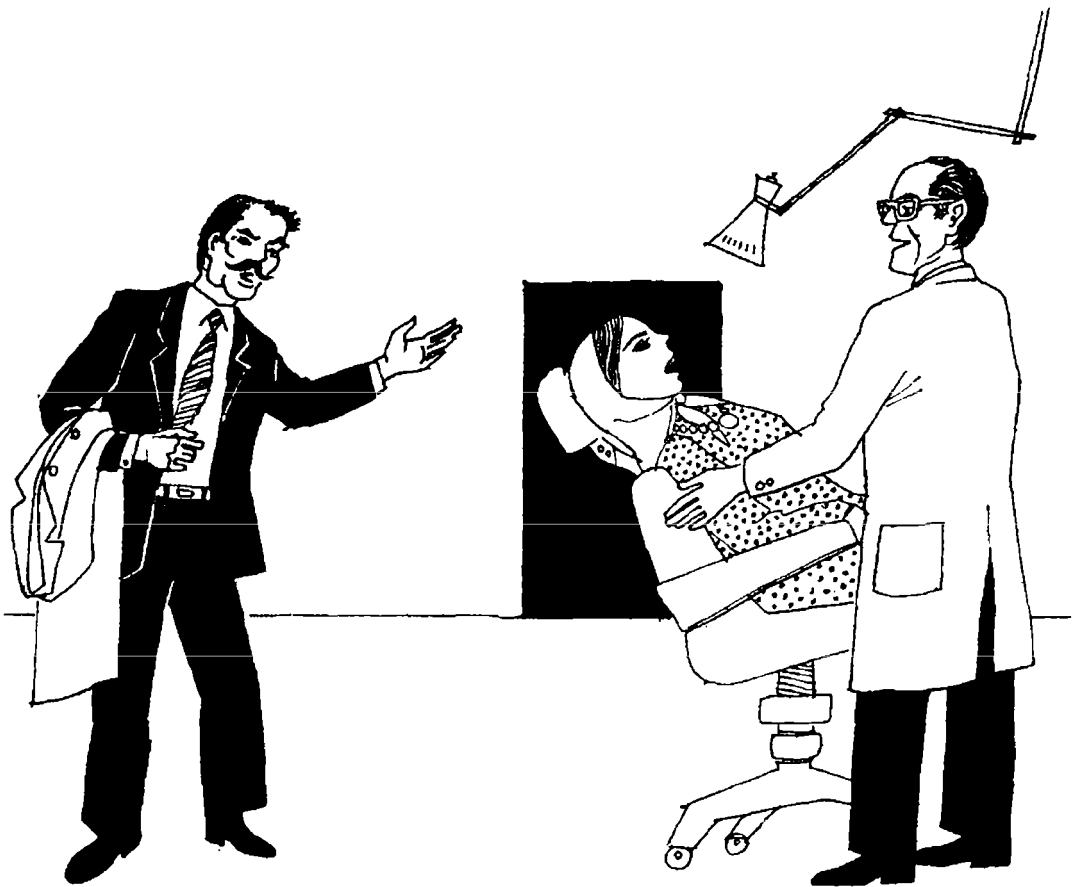
به این پرسش‌ها به ترکی جواب بدهید:

- منیم پولوم یوخدور، کیمین پولو وار، سنین پولون وار؟
- معلمین دوچرخه‌سی یوخدور، اونون ماشینی وار؟
- کیملرین ماشینی وار؟
- هئچ کیمین ماشینی یوخدور؟
- حسنین مدادی یوخدور، کیمین ایکی مدادی وار؟

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- منیم جورابیم یوخدو، گئتدیم بازارا، پول وئردیم، ایکی جوت‌تزه جوراب آلدیم.
- دونن گنجه بیزه قوناق (مهمان) گلدی، ائوده چورک (نان) یوخ ایدی، من حسنه پول وئردیم، او گئتدی تئز چورک آلدی گلدی.
- جمعه گونو طلعت گیل گلدیلر بیزه، چوخ خوش گنچدی، یثریز بوش.
- شمسی نین قلمی یوخدور، سن بو قلمی وئر اونا.
- سنین تزه بیر جوت باشماقین (کفش) واریدی، اونو وئر منه، بو گنجه قوناقام.
- اوز دگیل آیاق داشی دیر ماشالله.

ضرب‌المثلها: ترحم بر پلنگ تیز دندان، ستمکاری بود بر گوسپندان!
آتالارسوزی: ظالمة رحم ائتمک مظلوما خیانت ائتمک دیر!



بیرمی او چونچی درس - دکتربین مطبینه

درس بیستوسوم - در مطب دکترب

منشی - بله خانم؟
 عسگر آقا - خانم میخواستیم دکترب
 را ببینیم.

منشی - قبلا وقت گرفتهاید؟
 ع - نخیر خانم، دندان خانم من
 یکدفعه درد گرفت.

منشی - بسیار خوب، اتفاقاً یک
 مریض نیامده و دکترب وقت
 آزاد دارند، بفرمائید روی این
 صندلی بنشینید، اینهم آقای
 دکترب.

دکترب - سلام خانم چطورید؟ کدام

منشی - بلی خانم؟
 عسگر آقا - خانم ایستیردیک
 دکتربو گؤرک.

منشی - قاباخجاندان وقت آلمیسیز؟
 ع - خیر خانم، بیزیم خانیمیندیشی
 بیردن بتر آغریدی.

منشی - چوخ یاخشی، اتفاقاً بیر
 مریض گل مییبپ دکتربون آزاد
 وقتی وار، بو یورون بو صندلین
 اوستونده اتورون، بودا آقای
 دکترب.

دکترب - سلام خانم نجه سیز؟

هانسی دیشیز آغریبیر؟

ع - آقای دکتر بئله کی دئیر....

دکتر - آقا اجازه وئرین خانیم
اؤزو دئیسین.

حبیبه - بو دالی دیشیم دیر.

دکتر - نه وراخدان آغریبیر؟

ح - بیر ایکی اوچ آی وار اما
آغریسی گئچدی بودفعه آغریسی
منی لاپ ایاقدان سالدی!

دکتر - آغریزی یاخشی آچین، گرك
بو دیش اول، من یاواش دیشین
اوستونه وورورام دئگین گؤروم
بو دیش دیر؟

ح - سن الله یاواش، بلی بلی،
اوتوزودو آقای دکتر نه منه
ائیلیه جاخ سیز، من چوخ
گؤرخورام.

دکتر - خانیم گؤرخ مییون، من
ایندی بیر ایینه وورارام
آغریسی گئچر. بیر آز اوزوزو
ساخلییون. دیشیزی پیس جوره
گورت یی بیپدیر.

من گرك دیشیزی چرخ ائلیم و
چوروموش قسمتینی تمیزلیم
و سورا دولدورام، اگر
بیر آز گئج گلسیدیز مجبور
اولاردیک دیشی ریشه دن چکک.

ع - آروات نئچه دفعه سنه دئمی شم
دیشلرینن مواظبت ائله،
یوخسا بیر ایکی ایلدن سورا
آغزیندا بیر دیش ده...

دکتر - آقا خواهش ائلیرم سیز
بویورون اتاق انتظارا، هر

دندانن درد می کند؟

ع - آقای دکتر از قراری که
میگوید.....

دکتر - آقا اجازه بدهید خانم
خودشان بگویند.

حبیبه - این دندان عقبی ام است.
دکتر - از کی درد می کند؟

ح - یکی دو سه ماهی است ولی
دردش ساکت شد ایندفعه دردش
مرا از پا انداخت.

دکتر - دهانتان را خوب باز کنید،
باید این دندان باشد، من
آهسته روی دندان میزنم بگوئید
ببینم این دندان است؟

ح - ترا بخدا یواش، بله بله،
خودش است آقای دکتر چه کار
خواهید کرد، من خیلی می ترسم.

دکتر - خانم نترسید من حالا يك
آمپول میزنم همه دردها تمام
می شود. کمی خودتان را نگاه
دارید. دندانتان را بدجوری
کرم خورده است.

باید من دندانتان را چرخ کنم و
قسمت پوسیده اش را تمیز کنم
بعد پر کنم، اگر کمی دیر
می آمدید مجبور می شدم که
دندان را از ریشه بکشم.

ع - زن چند دفعه به تو گفتم از
دندان مواظبت کن، اگر نه
تا یکی دو سال دیگر يك دانه
دندان در.....

دکتر - آقا خواهش می کنم بفرمائید
به اتاق انتظار هر نصیحتی که

نصیحت کی دیشہ لازم اولسا
من خانیم وثررم.
ع - آقای دکتر سیز منیم خانیمی
تانمیرسیز....

دکتر - آقاخواهش ائلیرم بویوروز.
خانم آغزیزی آچین من دیشیزی
چرخ ائله ییم و دولدوروم
چوخ چکمز اما نچهدانا دیشیز
وار کی گورت یی پیپدی و
لازیمدی کی اونلاری داگلن
دفعه لرده دولدوراق، خوب
بویورون گوتاردی، ایکی
ساعاتا تکین بیر شیئی
یئمی یین.

ح - آقای دکتر ساغ اولون، الیزقولوز
وار اولسون. چوخ ممنون.

درباره دندان لازم باشد من
به خانم می‌کنم.
ع - آقای دکتر شما خانم من را
نمی‌شناسید....

دکتر - آقاخواهش می‌کنم بفرمائید.
خانم دهانتان را باز کنید من
دندانتان را چرخ کنم و پر
کنم. اما چند دندان گرم‌خورده
دارید که آنها را دفعه‌های
آینده پرمی‌کنم، خوب بفرمائید
تمام شد تا دو ساعت چیزی
نخورید.

ح - آقای دکتر متشکرم، دست و
پنجه‌تان درد نکند، خیلی
ممنونم.

لغتهای تازهی درس:

بیردن	یکدفعه
بئله کی	آنطور که
گرك	باید
چوروموش	پوسیده
گورت	گرم
گلن دفعه لرده	در دفعه‌های آینده
تکین	تا
ایینه	سوزن، آمپول
قاباخجا، قاباخ	قبل
قاباخجادان	قبلا

افعال درس تازه:

اوتوماق، اوتورون

بنشینید

باز کنید	آچماق، آچین
بگوئید	دئمك، دئین
گفته ام	دئمی شم
نخورید	یثمك، یثمه ییین
نترسید	گورخماق، گورخ مییون
می ترسم	گورخورام
ببینم	گؤرمك، گؤرك
ببینم	گؤروم
بکشیم	چكمك، چكك
پر کنیم	دولدورماق، دولدوراك
گرفته اید	آلماق، آلمیسین
می گذرد	گئچمك، گئچر
می دهم	وئررم، وئرر
نمی شناسید	تانیماق، تانیمیرسین
مجبور می شدیم	مجبور اولماق، مجبور اولاردیک
می خواستیم	ایسته مك، ایستردیک
چرخ کنم	چرخ ائله مك، چرخ ائلی ییم
تمیز کنم	تمیز ائله مك، تمیزلی ییم
پر کنم	دولدورماق، دولدورام
درد گرفت	آغریماق، آغریدی
نیامده است	گلمك، گل می ییپدی
میامدید	گلسیدین
خورده است	یثمك، یی ییپدیر
می دانی	بیلمك، بیلیرسن
بپرس	سوروشماق، سوروش

ضمیر رجعی

در زبان آذربایجانی ریشه عمومی ضمیر رجعی «اؤز» (خود) است که هنگام تصریف پیوندهای تصریفی اسم را میپذیرند. در این جا حالت فاعلی ضمیر رجعی را می آموزید.

خودم	اؤزوم
خودت	اؤزون
خودش	اؤزو
خودمان	اؤزوموز

اۆزونوز (اۆزون) اۆزلىرى

خودتان
خودشان

این پرسش و جوابها را به ترکی بنویسید:

این حسن است؟	بله خودش است.
تو خودت رفتی؟	بله من خودم رفتم.
بچه‌ها خودشان آمدند؟	نه بچه‌ها خودشان نیامدند معلم آنها را آورد.
شما خودتان این کتاب را خریدید؟	بله ما خودمان این کتاب را خریدیم.
تو خودت دیروز به منزل اصغراقا اینها رفتی؟	نه من نرفتم من در منزل بودم.
پس که رفت؟	برادرم رفت.
روز جمعه شما خودتان در دانشگاه سخنرانی کردید؟	نه من سخنرانی نکردم.
پس چه کسانی سخنرانی کردند؟	نمی‌دانم.
نمی‌دانم راحت جانم!	

نییه (چرا)؟

اونون اوچون کی، اوننان اوتری کی، اوناگوره کی (برای اینکه، زیرا، چونکه) در جواب نییه می‌آید.

به این گفتگو گوش کنید و پس از ما تکرار کنید:

– سن نییه دونن گنجه بیزه گلمدین؟	– اونون اوچون کی ماشینیم یوخودو.
– او آقا نییه عینک ووروپ دور؟	– اونون اوچون کی گۆزو ضعیفدیر.
– بی بی قیزی نییه دکتره گتدی؟	– اوننان اوتری کی بتر ناخوشی دیر.
– سن نییه بوکلاسا گلیرسن؟	– اونا گۆره کی ترکی اوگرشم.
– سن قاباخجادیان تورکی بیلیردین؟	– یوخ، من قاباخجادیان ترکی بیلیمیردیم.
– نییه بیلیمیردین؟	– چونکی من تهراندا آنادان اولمو شام.

– جمعه گونی گل بیزه.
– نییه گله بیلمزسن؟
گله بیلرم.
اونا گۆره کی ایشیم وار، ایشیم
چوخ دور.

– ایش گوتولان دگیل، ایشی وئله
گل.
– سن بیلرسن بوستوالین جوابی
نه دیر؟
– حسنن ده سوروشدوم، اودا بیلمیر.
– حسننن سوروش.
– حسن نییه بیلمیر؟
– چونکی اودا بیزیم تکیین درس
اوخومویو پیدی!
– پس ایشمیز چوخ خراب دیر!

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

دندان شما درد می‌کند؟
دندان شما از کی درد می‌کند؟
پیش دکتر رفته‌اید؟
شما چند تا دندان پر کرده‌اید؟
دندانهای این بچه را کرم خورده و پوسیده است.
من از آمپول می‌ترسم به من آمپول نزنید!
نترسید درد ندارد، باید تحمل کنید.
یک اسپیرین بخورید دردش آرام می‌شود. (توخداماق، توخدویار)

تمرین

ابتداء مصدر افعال زیر را بنویسید و سپس طبق نمونه آن‌ها را با توجه
به زمان فعل صرف کنید.

مثال

می‌دوزیم
مصدر

تیکیریک
تیکمک

بیز تیکیریک
سیز تیکیرسیز
اونلار تیکیرلر

من تیکیرم
سن تیکیرسن
اوتیکیر

مى دانيم
مى نويسيم
دوست داريم
مى آئيم
رفتم
پرسيدم

بيليريك
يا زيريك
ستويريك
گليريك
گئتديم
سوروشلوم

ضربالمثلها: چه مکن که خود افتی!
آتالارسوزی: باشقاسنیا قویوقازان اؤزودوشر!



بیرمی دور دونجی درس - کارخانادا

درس بیست و چهارم - در کارخانه

- | | |
|---------------------------------|-------------------------------|
| - آقا بوردا کارگر ایستیردیلر؟ | - آقا اینجا کارگر میخواستند؟ |
| - بلی بویورون دفتره. | - بلی بفرمائید دفتر. |
| - سلام آقاییز ایستیریك بوردا | - سلام آقا ما میخواستیم اینجا |
| ایشلیهك، دئدیلبوددفتره گلک. | مشغول کار شویم. گفتند به |
| | این دفتر بیایم. |
| - گل ایچری اوغلوم. آدین نه دیر؟ | - بیاتو پسر، اسمت چیست؟ |
| - رمضانعلی قوربانی. | - رمضانعلی قوربانی. |
| - نئچه یاشینوار؟ | - چند سال داری؟ |
| - بیرمی بش یاشیموار. | - بیست و پنج سال دارم. |
| - سرباز لیخ ائله میسن؟ پایان | - خدمت کرده ای؟ پایان خدمت |
| خدمتینوار؟ | داری؟ |
| - بلی آقا بویورون. | - بلی آقا بفرمائید. |

- چوخ ياخشى بوندان قاباخ هاردا
ايشلى ييردين؟
- قزوینده. ماشين کارخانه سينده.
سازى.
- نيه ايشى وى وئلدين؟
- ائولن ميشم، عياليم تبريزلى دى
مجبورم تبريزده ايشلى يم.
- خوب گرگ هامى مدارك وسابقه
لرى وى اوکارخانادان آلاسان و
گتيرسن.
- گتير ميشم بويورون.
- اوردا نه ائله ييردين؟
- مونتاژ قسمتينه ايديم.
- خوب پس ساييقن وار. بيزده سنى
بوردا مونتاژ قسمتينه گوياريك
صاباح رونوشت شناسنامه،
ايكى قطعه عكس و آيرى
مداركين رونوشتيني گتير
دفتره منيم يانيم.
- ساغ اولون معلمن اولون كه
منيم استخدا ميمنن پشمان
اولميا جاحسوز.
- انشاءاله اوغلوم گئت الله قوت.
- انشاءاله پسر م برو خدا قوت.

لغت‌های تازه‌ی درس:

داخل، تو
قبل از این
کار
بزرگ
کوچک

ایچری
بوندان قاباخ
ایش
بویوک
کیچیک

افعال درس تازه:

میکردی	ائله مک - ائيله بیردین
ازدواج کرده ام	ائولن مک - ائولن میشم
خدمت کرده ای	خدمت ائله مک - خدمت ائله میسن
آورده ام	گتیرماق - گتیر میشم
بیاور	گتیر
بیاوری	گتیرسن
کار میکردی	ایشله مک - ایشله بیردین
کار بکنم	ایشله یم
کار بکنیم	ایشله یک
میخواستند	ایسته مک - ایستیردیلر
می خواهیم	ایستیریک
می گذاریم	گویماق - گویاریق
پشیمان نمی شوید	پشیمان اولماق -
	پشیمان اولمیا جاسوز
گفتند	دئمک - دئدیلر
بگیری	آلماق - آلاسان
بیاییم	گلمک - گلک

وجه آرزو

در این درس دو فعل مشغول اولماق (مشغول شدن) و گلمک (آمدن) در وجه آرزوست.

علامت وجه آرزو پیوند دو شکلی آ و ا است که به ریشه فعل اضافه و سپس با افزودن پیوندهای شخصی صرف میشود.

مثال

گویماق - گوی - گویا

گویام بگذارم

گویاسان بگذاری

گویا بگذارد

گویاخ بگذاریم

گویاسینیز بگذارید

گویالار بگذارند

گوئندرمک - گوئندر - گوئندره

گوئندرم بفرستم

گوئندرک بفرستیم

گوئندرسن بفرستی
گوئندره بفرستد

گوئندره سیز بفرستید
گوئندره لر بفرستند

در صورتیکه ریشه فعل به مصوت ختم شده باشد یای میانجی بکار برده می‌شود.

مثال:

ایسته مک - ایسته - ایستتیک
دئمک - ده - دئیک

وجه آرزو اغلب با فعل خواستن صرف می‌شود (من می‌خواهم کاغذ بنویسم...)
من ایسته ییرم کاغاذ یازام
سن ایسته ییرسن کاغاذ یازاسان
او ایسته ییر کاغاذ یازا
بیز ایسته ییریک کاغاذ یازاق
سیز ایسته ییرسین کاغاذ یازاسین
اونلار ایسته ییرلر کاغاذ یازالار

جمله‌های زیر را به ترکی بنویسید:

من می‌خواهم تو را ببینم.
تو می‌خواهی که را ببینی؟
او می‌خواهد به مدرسه برود.
ما می‌خواهیم ترکی یاد بگیریم.
شما هم می‌خواهید ترکی یاد بگیرید؟
ایشان می‌خواهند فارسی یاد بگیرند.

ضمائر شخصی در حال تفکیک

این ضمائر در جواب گیملدن (از که) کیملردن (از چه کسانی) و نه‌دن (از چه) ونه‌لردن (از چه چیزهائی) بکار برده می‌شود.
مندن از من
سندن از تو
اوندان از او
بیزدن از ما
سیزدن از شما
اونلاردان از ایشان

این جمله‌ها را به ترکی بنویسید:

من نوشتن را از تو یاد گرفتم.
تو حساب را از که یادگرفتی؟
ما حساب را از ایشان یادگرفتیم.
کبری کتاب را از من گرفت به تو داد.
کبری کتاب را به من نداد به او داد.
معلم ورقه‌ها را از ما زود گرفت.
از شما؟
بله از ما.

آتالار سوزی:
گنجه نامرد کوپروسیندن گر آپارسا
سئل سنی.
یاتما تولکی کؤلگه سینده گر یشه
اسلان سنی.

ضرب‌المثل‌ها:
از پل نامرد گذر مکن ولو اینکه سیل
تو را ببرد.
در سایه‌ی روباه پناه مگیر ولو اینکه
شیر تو را بدرد.



ییرمی بئشینجی درس - آخیر چرشنبه عمه قیزی گیلده
درس بیست و پنجم - چهارشنبه سوری در منزل عمه قیزی

علی - بچه‌ها زود باشید، آتش روشن کنید، عجب الوی شد، ماشاءالله، دختر مواظب باش می‌افتی در آتش.

طاهره - برو آن طرف، حالا نوبت من است.

کبری - طاهره واقعاً تو از همه واجب‌تر هستی، پسر ببینیم بلکه بخت باز شود!

پریچهر - پسر پسر چهارشنبه، مثل آینه بختم باز شو چهار.

علی - بپا، کم مانده بود بیفتم در

علی - اوشاقلار تزا اولسون، اودیاندیرین، عجب الو اولدی، ماشاءاله آی قیز گزرتده دو- شرسن اودا.

طاهره - گنج او طرفه ایندی منیم نوبتیم دیر.

کبری - طاهره ائله سن هامیدان واجیب سن، آتیل گؤراخ بلکه بختین آچیل!

پریچهر - آتیل ماتیل چرشنبه، آینه تکین بختیم آچیل چرشنبه!

علی - گؤز تده، آز قالمیشدی دوشم

اودا، نه خبرین دی؟

مهمانها - ساریلیغیم سندن، قیر-
میزلیغین مندن!

جمال - آی اوشاقلارتز اولون،
اصغراقا چرشنبه یتمیشینی
گوتاردی!

کتری - نوش جانی اولسون، اصغر
آقا بویورون بودا شیرین چای!
توتونچی - کبری خانم ساغ اول
گینه خالاقیزیم.

طاهره - عمه قیزی، دئیین گؤرک
سیز جوانلیقدا آخیر چرشنبه
نشینردیز؟

عمه قیزی - بالام ائله بیزده اودان
آتیلاردیخ قیزیم او وقت آیندی
کیمی آیاغیم آغیریمازدی، سورا
چرشنبه یتمیشی بیهردیک، اودا
نه یتمیش!

طاهره - عمه قیزی سورمه ده چکر دیز؟
رسم رسومی نه ایدی؟

عمه قیزی - هیچدا قیزیم، سحر
تئزدن اوشاقلار گئدر دیلر
یاخین بیر بولاقا یاچایا اول
ال اوزلرینی اوتمیز سرین سودا
یویاردیلار.

توتونچی - دئن کی اوغلانلار
بولاقین اوستوندن نئجه آتیلار-
دیلا، جوانلیخ هاردا قالدین!
عمه قیزی - جوان گلین لرده بولاق
کینارینده آلاگوزلرینه سورما
چکر دیلر.

توتونچی - بلسی اوشاقلار کوزه
لرینی اوسرین باهار سویوندان

آتش، چه خبرت است؟!

مهمانها - زردی من از تو، سرخی
تو از من.

جمال - آی بچه ها زودباشید، اصغر
آقا آجیل چهارشنبه را تمام
کرد!

کبری - نوش جانن باشد، اصغراقا
بفرمائید این هم چای شیرین!
توتونچی - کبری خانم زنده باشی،
باز هم دختر خاله ام.

طاهره - عمه قزی بگوید ببینیم
شما در جوانی در چهارشنبه-
سوری چه کار می کردید؟

عمه قزی - خوب ما هم از روی آتش
می پریدیم، دخترم آنوقتها پایم
درد نمی کرد، بعد آجیل چهارشنبه
می خوردیم، آنهم چه آجیلی!

طاهره - عمه قزی سورمه هم می-
کشیدید؟ رسم و رسوم آن چه
بود؟

عمه قزی - دخترم هیچی، صبح زود
بچه ها می رفتند به کنار نهر
یا چشمه نزدیک، اول دست و
رویشان را با آن آب خنک
می شستند.

توتونچی - بگو که پسرها چطور
از روی نهر می پرند، جوانی
کجا ماندی!

عمه قزی - عروسهای جوان هم در
کنار چشمه به چشمهای شهلای
خود سرمه می کشیدند.

توتونچی - بله، بچه ها هم کوزه-
هایشان را از آن آب خنک

دولولاردیلار، توتک چالاچالا
دانیشا دانیشا، گوله گوله ائوه
گئدردیلمر.

عمه قیزی - - بلی اوزمانلار آخیر
چرشنبه نین بیرآیری صفاسی
واریدی.

کبری - خانیم جان ایندی ده پیس-
دگیل، جوانلارا خوش گئچیر،
بیز قوجالمیشیق!

عمه قیزی - قیزیوز دفعه دئمیشم
آغزیواگوره دانیش. بویورون
اوشاقلار جیب لریزی
دولدورون!

بهاری پر می کردند، در حالیکه
توتک می زدند، حرف زنان،
خندان به خانه می رفتند.

عمه قزی - بله آن زمانها چهارشنبه
سوری صفای دیگری داشت.

کبری - خانم جان حالا هم بد
نیست، به جوانان خوش می-
گذرد، ما پیر شده ایم!

عمه قزی - دختر صد دفعه گفته ام
باب دهانت حرف بز. بچه ها
بفرمائید جیبهایتان را پر کنید!

لغتهای تازهی درس:

آتش	اود
کم مانده بود	آزقالمیشدی
بازهم	گینه
بگوئید ببینیم	دئیین گوراخ
آجیل چهارشنبه سوری	چرشنبه یتمیشی
نزدیک	یاخین
چشمه	بولاق
نهر	چای
چشم ششلا	آلاگوز
خنک	سرین
چه کار می کردید	نئینیردیز

فعلهای درس تازه:

روشن کنید	یاندیرماق، یاندیرین
مواظب باش	گوژتمک، گوژتده
ردشو	گنچمک، گنچ
پیر	آتیلماق، آتیل

بگویند	دشمك، دشين
بگو	دڼن
پرکنید	دولدورماق، دولدورون
می‌افتی	دوشمك، دوشرسن
می‌خوردیم	یشمك، یشردیک
می‌زدیم	وورماق، ووراردیق
می‌پریدیم	آتیلماق، آتیلاردیق
می‌پریدند	آتیلاردیلار
پر می‌کردند	دولدورماق، دولدولاردیلار
می‌رفتند	گئتمك، گئردیلر
تمام کرد	گوتارماق، گوتاردی
پیر شده‌ایم	قوجالمیشیق

قید حرکت:

در زبان ترکی آذری قید حرکت بر سه نوع است:
ساده، مثل یاواش، پیوندی مثل یاواشجا و مرکب مثل یاواش یاواش.
در این درس شما با چند قید مرکب آشنا شدید.

در حالیکه می‌نواختند	چالاجالا
در حالیکه حرف می‌زدند	دانیشا دانیشا
در حالیکه می‌خندیدند (خندان)	گوله گوله

برای ساختن اینگونه قیدها به‌آخر ریشه فعل پیوند آ یا ا اضافه میشود و البته در صورتیکه ریشه‌ی فعل به‌مصوت ختم شده باشد یای میانجی بکار برده می‌شود مثل آغلییا آغلییا.

اکنون با استفاده از این قاعده با افعال زیر قید حرکتی بسازید:
البته بخاطر دارید که برای بدست آوردن ریشه‌ی فعل علامت مصدری را برمی‌داریم.

تمرین:

زدن	وورماق
دیدن	گؤرمك
رفتن	گئتمك
افتادن	دوشمك
خریدن یا گرفتن	آلماق

بستن	باغلاماق
باز کردن	آچماق
دانستن	بیلمک
کشیدن	چکمک

حالا برای هر يك از این قیده‌های حرکتی يك جمله به زبان ترکی بنویسید:

در حالیکه می‌زدند	وورا وورا
در حالیکه کار می‌کرد	ایشلیه ایشلیه
در حالیکه می‌ترسید	گورخا گورخا
در حالیکه فرغر می‌کرد	دئیینه دئیینه
در حالیکه می‌دوید	گاچا گاچا
در حالیکه می‌آورد	گتیره گتیره

صرف فعل معین باشارماق (توانستن)
در زمان حال (من می‌توانم... من بldم...)

بیز باشاریک	من باشایرام
سیز باشایرسیز	سن باشایرسان
اونلار باشایرلار	او باشایریر

در زمان حال به صورت منفی (من نمی‌توانم... من بلد نیستم...)

بیز باشارمیریک	من باشارمیرام
سیز باشارمیرسیز	سن باشارمیرسان
اونلار باشارمیرلار	او باشارمیریر

در زمان گذشته (من می‌توانستم... من بلد بودم...)

بیز باشایریردیک	من باشایریردیم
سیز باشایریردیز	سن باشایریردین
اونلار باشایریردیلار	او باشایریردی

در زمان گذشته به صورت منفی (من نمی‌توانستم... من بلد نبودم...)

بیز باشارمیردیک
سیز باشارمیردیز
اونلار باشارمیردیلا

من باشارمیردیم
سن باشارمیردین
او باشارمیردی

وجه الزامی

برای ساختن وجه الزامی با توجه به مصوت ریشه‌ی فعل به ترتیب به آن پیوندهای (آم، سان، آ، آق، سوز، لار) و یا (ام، سن، ه، اک، سیز، لر) را اضافه می‌کنیم.

مثال اول

یازماق، یاز (نوشتن، بنویس) من بنویسم...

بیز یازاق
سیز یازاسیز
اونلار یازالار

من یازام
سن یازاسان
او یازا

مثال دوم – گوژمک، گوژ (دیدن، ببین) من ببینم...

بیز گوژک
سیز گوژه‌سیز
اونلار گوژه‌لر

من گوژم
سن گوژسن
او گوژه

با استفاده از قاعده ساختن وجه الزامی فعل راندن و رفتن را در وجه الزامی در زمان حال و گذشته صرف کنید.

سورمک، سور (راندن، بران) و گتتمک، گتت (رفتن، برو)

به این پرسشها به ترکی جواب بدهید:

من باشارمیرام بو ماشینی سورم.
سن باشاریرسان بو ماشینی سوره‌سن؟
کیم باشاریر بو ماشینی سوره؟
بیز باشارمیریک بازارا گتدک.
سیز باشاریرسیز بازارا گتده‌سیز؟

کیملر باشاریرلار بازارا گئدسینلر؟

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

من نمی‌توانم فردا به منزل شما بیایم کارم زیاد است.
شما می‌توانید این چمدان را تا ایستگاه ببرید؟ (آپارماق، بردن).
من نمی‌توانم این چمدانها را تا ایستگاه ببرم چونکه چمدانها خیلی سنگین هستند.

تو می‌توانی فردا شب منزل ما بیائی و مواظب مادر بزرگ باشی؟
(مواظب اولماق)

نه من نمی‌توانم فردا شب بیایم منزل شما چونکه باید بروم منزل دخترخاله‌ام
به او کمک کنم. (کمک ائله‌مک).
چطور می‌توانی به دخترخاله‌ات کمک کنی اما نمی‌توانی به مادر بزرگت
کمک کنی، بگو می‌خواهم بروم تفریح.
من نمی‌توانم این در را باز کنم (آچماق، بازکردن) که می‌تواند این در
را باز کند؟

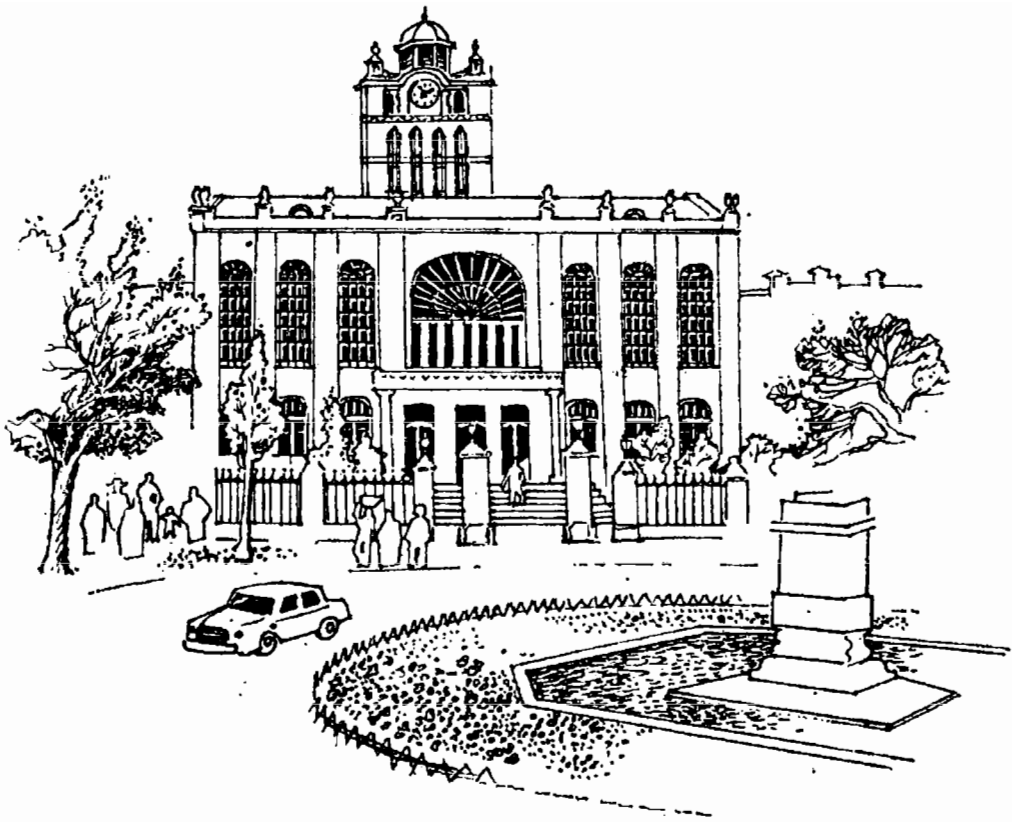
بابا هیچکس نمیتواند این در را باز کند، خیلی سخت است.
می‌توانی آن کیف را به من بدهی؟ متشکرم، دستتان درد نکند.

ضرب المثل‌ها:

با آب حمام دوست پیدا می‌کند!

آتالار سوزی:

حمام سویو ایله دوست دوتور!



ییرمی آلتینجی درس - تبریز

درس بیست و ششم - تبریز

علی زاده - آه سالها بود که دلم
میخواست به تبریز بیایم، به
تبریزی که همیشه مرکز
آذربایجان عزیز بوده است.

محبوبه خانم - منم از طرف این
شهر با عظمت و تاریخی و
همشهریها به شما خوش آمد
می گویم.

توتونچی - بله شاردن سیاح فرانسوی
که پانصد سال قبل، از این خطه
دیدن کرده است در کتاب خود
نوشته که در آن زمان تبریز

علی زاده - آه، ایلردی کی اؤرگیم
ایستیردی تبریزه گلم. همیشه
عزیز آذربایجانین مرکزی اولان
تبریزه.

محبوبه خانم - منده بو عظمتلی و
تاریخی شهرین و همشهریلرین
طرفیندن سیزه خوش گلدین
دیگیرم.

توتونچی - بلی بشیوز ایل بوندان
قابق بو اولکهری گزن
فرانسهلی سیاح شاردن اؤز
کتابیندا او زماندا تبریزین

یاریم میلیون جمعیتی اولدوغونو
یازیبدیر.

جمال آقا - هئچ بیلیردیزکی خواجه
رشیدالدین قازان خانین وزیر
حدوداً سگیز یوز ایل بوندان
قابق تبریزده رشیدیه دارا-
العلمینی تیک میشدی؟

محبوبه خانم - بلی، ایندی ده اونون
خرابه لری گالیر، بیز اونا
رشیدیه قلعه سی دییریک.

توتونچی - بلی تاریخی سندلره گوره
بو دارالعلم ده، هر ایل چوخلو
طلبه اسلام اولکه لریندن تحصیل
ایچون گلیردی لر.

علی زاده - حقی ده ائله بویوموش.
اؤز محبتلی قوجاغیندا خطیب
تبریزی، شمس تبریزی،
قطران، نسیمی همام کیمی عالم
و شاعر لر بئجتمیش تبریز
گرگده بئله بیر مرکزیتی
اولایدی.

جمال آقا - من مشروطیت تاریخینی
او خودوغوم زمان آذربایجانلی-
لارین قهرمانیخلارینا اورکدن
مینلرجه آفرین دئگیم.

- بلی بئله بیر خلق، ستارخان و
باقرخان کیمی سرداری اولان
تبریز، حقله آزادلیق سنگری
اولماق آدینی آلیبدیر.

لغت های تازه درس:

نیم میلیون جمعیت داشته است.

جمال آقا - هیچ می دانستی که
خواجه رشیدالدین وزیر قازان
خان در حدود هشتصدسال پیش
در تبریز دارالعلم رشیدیه را
ساخته است؟

محبوبه خانم - هنوز هم خرابه های
آن باقی است و ما به آن
قلعه ی رشیدیه می گوئیم.

توتونچی - بله طبق اسنادتاریخی در
این دارالعلم هر سال طلبه های
بسیاری از کشورهای اسلامی
برای تحصیل می آمده اند.

علی زاده - حقی هم این بوده است.
تبریزی که در آغوش پرمهر
خود علما و شعرائی چون خطیب
تبریزی، شمس تبریزی،
قطران، نسیمی، همام را
پرورش داده است باید هم که
چنین مرکزیتی می داشت.

جمال آقا - من وقتی که تاریخ
مشروطیت را میخوانم به
قهرمانی های آذربایجانلی ها از
صمیم دل هزاران آفرین می-
گویم.

بله تبریز با داشتن مردمی این چنین
و با داشتن سردارانی چون
ستارخان و باقرخان به حق
لقب سنگر آزادی گرفته است.

دل

اورگ

آغوش	قوجاق
دیار، سرزمین	اولکه
باید	گرک
مربوط، درباره‌ی	دایر
اینطور	بئله
طبق	گوره

فعل‌های تازه‌ی درس:

نوشته است	یازماق، یازپدیر
نشان می‌دهد	گورستمک، گورسدیر
می‌دانستی	بیلدین
ساخته بود (دوخته بود)	تیکمک، تیکمیشدی
می‌گوییم	دئمک، دیبیریک
می‌گویم	دئیرم
می‌آمدند	گلمک، گلیردیلر
دیدم	گورمک، گوردوم
گرفته است، خریده است	آلماق، آلیپدیر
پرورش داده	بئجتمک، بئجتمیش
وقتی که می‌خواندم	اخوماق، اخودوغوم زمان
وقتی که مطالعه می‌کردم	مطالعه ائتمک، مطالعه ائتدیگیم زمان
وقتی که گردش می‌کرد	گزمک، گزن زمان

صرف فعل در زمان آینده

برای صرف فعل در زمان آینده با توجه به ساخت صوتی فعل به‌ریشه‌ی آن پیوندهای زیر افزوده می‌شود:

الف - اجیم، اجکسی، اجک، اجییک، اجکسین (یا اجکسیینیز) اجکلر.

ب - آجاغام، آجاقسام، آجاق، آجاغیق، آجاقسین (یا آجاقسینیز) آجاقلار.

مثال الف

صرف فعل یادگرفتن در زمان آینده (اوگرمشک، اوگرمش، اوگرمشه)
من یاد خواهم گرفت...

بیز اوگرشهجییک
سیز اوگرشهجکسین
اونلار اوگرشهجکلر

من اوگرشهجیم
سن اوگرشهجکسن
او اوگرشهجک

مثال ب

صرف فعل خریدن در زمان آینده (الماق، آل، آلا) من خواهم خرید یا من خواهم گرفت...

بیز آلاجاغیق
سیز آلاجاقسین
اونلار آلاجاقلار

من آلاجاغام
سن آلاجاقسان
او آلاجاق

توجه

هرگاه حرف «ق» بین دو مصوت قرار بگیرد به صدای «غ» تلفظ و نوشته می‌شود.

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- من صباح سحر تهرانا گئدجیم.
- سن هاچان تبریزه گلهجکسن؟
- آتام بیزه تزه پالتار (لباس) آلاجاق.
- بیز درسی یاخچی اورگهشهجییک.
- معلم بیزه یاخچی نمره وئرهجک.
- اونلار سراپدا تزه بیراؤو آلاجاقلار.
- آنام منه بیر جاکت توخویاجاق.

برای منفی کردن فعل در زمان آینده ابتداء پیوند نفی «می» را به ریشه فعل اضافه و سپس با افزودن پیوندهای زمان آینده فعل را صرف می‌کنیم.

مثال الف: من یاد نخواهم گرفت...

بیز اوگرشمیهجییک
سیز اوگرشمیهجکسین
اونلار اوگرشمیهجکلر

من اوگرشمیهجیم
سن اوگرشمیهجکسن
او اوگرشمیهجک

مثال ب: من نخواهم گرفت یا نخواهم خرید...

من آلمیاجاغام	بیز آلمیاجاغیق
سن آلمیاجاقسان	سیز آلمیاجاقسیز
او آلمیاجاق	اونلار آلمیاجاقلار

تذکر:

هرگاه ریشه فعل به مصوت ختم شده باشد بین پیوندهای زمان آینده و ریشه فعل یای میانجی بکار می‌رود (مثال - ایسته مک (خواستن) که به این شکل صرف می‌شود:

من ایسته‌یه‌جیم	من خواهم خواست
سن ایسته‌یه‌جکسن	تو خواهی خواست
او ایسته‌یه‌جک	او خواهد خواست
بیز ایسته‌یه‌جاغیق	ما خواهیم خواست
سیز ایسته‌یه‌جاقسیز	شما خواهید خواست
اونلار ایسته‌یه‌جاقلار	ایشان خواهند خواست

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

من آن کفش قهوه‌ای را نخواهم خرید آن کفش سیاه را خواهم خرید.
من به حسن این کتاب را نخواهم داد آن کتاب را خواهم داد.
تو به منزل خالات نخواهی رفت به منزل ما خواهی آمد.
تو از این حرفها نخواهی زد خوب نیست.
پدرم به تبریز نخواهد رفت به مراغه خواهد رفت.
ما سال آینده به کارخانه خواهیم رفت به مزرعه خواهیم رفت.
شما کی به منزل خواهید آمد؟

این گفتگو را به فارسی برگردانید:

- من دهاا پریچهرینن دانیش‌میاجاغام، چونکه کوسموشم. (کوسماق -
قه‌رکردن)
- نیه کوسموسن؟
- اونه گوره‌کی چهارشنبه گونو منه دئدی جمعه گونو سیزه گله‌جاغام اما

گلمدی.

- اتفاقاً بوگئجه من پریچهرگیله گئده جاغام و اونو گؤره جاغام. اگر ایستیرسن اونا دئییم سیزه گل سین.
- ایسته مز، او گلین جک اللهین خیر وبرکتی گل سین.
- واه واه عجب کینه لی آدام سان.
- به نه مه نه؟!
- الله گؤرستم سین!

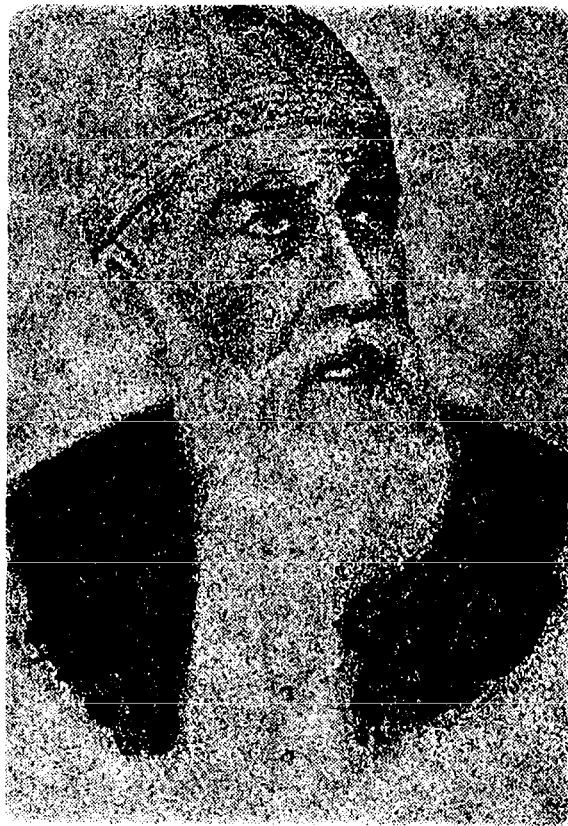
این گفتگو را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- سن صاباح کارخانایا گئده جکسن؟
- یوخ، گتتمی بجگم.
- نییه گتتمی بجکسن؟
- چونکی کارخانا تعطیل دیر.
- نییه گوره تعطیل دیر؟
- اونا گوره کی صاباح فیطر بایرامی دیر.
- سن اوروج (روزه) توتا بیلدین؟
- البته.
- عبادتین قبول اولسون!

ضرب المثلها:

آتالار سوزی: یثربرک اولاندا اوکوز اوکوزدن گؤرر.

وقتی که زمین سخت باشد گاو شخم زن از چشم گاو دیگر می بیند.



بیرمی یئدینجی درس - بویوک تورک شاعری ملا محمد فضولی

درس بیست و هفتم - شاعر بزرگ ترک ملا محمد فضولی

عمه قزی - حبیبه خانم شما صفحه
ترکی دارید؟

حبیبه خانم - بله، یک صفحه زیبا
هست، شعرش هم از فضولی
است. گوش کنید.

یار مرا از جانم سیر کرد، آیا
هرگز از جفا سیر نمی شود؟

فلکها از آه من سوختند، آیا هرگز
شمع مرادم روشن نخواهد شد؟

جانم در شب هجران می سوزد،
چشمهایم خون می بارد فغانم

مردم را بیدار می کند، آیا

عمه قزی - حبیبه سیزده هنج ترکی
صفحه وار؟

حبیبه خانم - بلی بیرگوئل صفحه
وار، شعری ده فضولی دن دیر.
قولاق آسین.

منی جانان اوسان دیردی، جفا دان
یار اوسانمازمی؟

فلکلری اندی آهیمدن، مرا دین شمعی
یا نمازمی؟

شب هجران یانار جانیم، توکر قان
چشم گریانیم،

اویادار خلقی افغانیم، قارا بختیم

اویانمازمی؟

هرگز بخت سیاهم بیدار نخواهد
شد؟

توتونچی - اشعار فضولی از نظر
قالب و مضمون با مقامات
موسیقی ترکی همراه است.

هما خانم - راستی که نمی‌توان
مقامات را بدون اشعار فضولی
و اشعار فضولی را بدون
مقامات تصور کرد.

جمال آقا - نگاهی به شعر فضولی
روشن می‌کند که زبان ادبی
فضولی با زبان امروزه
آذربایجان تفاوت بسیار دارد.
توتونچی - درست است، مثلاً به
این شعر گوش کنید:

دوست بی‌پروا، فلک بی‌رحم، دوران
بی‌سکون.

درد بسیارست و همدردی نیست،
دشمن قوی است و بخت زبون.

علی‌زاده - بله با وجود این مردم
دل‌بسته اشعار فضولی هستند،
سر این در چیست؟

جمال آقا - سرش در این است که
اگر هم مردم معنای کلمه به
کلمه گفتارش را نفهمند روح
و احساس فضولی را خوب
درک می‌کنند.

توتونچی - عشق و محبت مایه و
جان شعر فضولی است، فضولی
با این عشق می‌اندیشد، حس
می‌کند، متأثر می‌شود و زندگی
می‌کند.

محبوبه خانم - برای فضولی عشق
همه چیز است. او با نیروی

توتونچی - فضولی شعری هم قالب
هم مضمون باخیمیندان مقامات
انگیزدیر.

هما خانم - دوغروداندا فضولی
شعرینی مقاماتسین و مقاماتی
فضولی سیز تصور ائتمک
اولماز.

جمال آقا - فضولی شعرینه پیرباخیش
چوخ آیدین گوستریرکی
فضولی نین دیلی بوگونکی
آذربایجان دیلیندن فرقله نیر.
توتونچی - دوز دور، مثلاً بوشعره
قولاق آسین:

دوست بی‌پروا، فلک بی‌رحم، دوران
بی‌سکون.

درد چوخ، همدرد یوخ، دشمن قوی،
طالع زبون

علی‌زاده - بلی بونونلا بئله خلق
فضولی شعرینین وورغونودور،
بونون سری هاردادیر؟

جمال آقا - بونون سری اوردادیر
کی، خلق آیری آیری سؤزلری
باشا دوشمه‌سده، فضولی
روحونو، فضولی احساسینی
یاخشی باشا دوشور.

توتونچی - عشق و محبت فضولی
شعرینین مایاسی و جانی دیر
فضولی بو عشق ائله دوشو
نور، حس ائدیر کله لنییر
و یاشاییر.

محبوبه خانم - فضولی ایچون عشق
هر شیندیر او عشقین گوجو-

ایله، حیاتین معناسینی،
 کائناتین سرینی اویره نیر.
 توتونچی - فضولی عشقسیز حیاتی،
 حیات سایمیر و دیگیر:

عشق معنای حیات و سر
 کائنات را درمی یابد.
 توتونچی - فضولی زندگی بدون
 عشق را به حساب زندگی
 نمی گذارد و می گوید:

«ترك عشق ائيله دئدين، ترك دل
 و جان ائتدیم!»
 «گفتی که ترك عشق کنم، ترك دل
 و جان کردم!»

توضیح

ملا محمد فضولی از شعرای بزرگ آذربایجان است که در زمان شاه اسمعیل صفوی به عراق تبعید شد. فضولی اشعارش را به سه زبان ترکی و فارسی و عربی سروده است. اشعار فضولی فریاد روح حساس و دردمند این شاعر و حاصل ناکامیهای اوست. اشعار فضولی چشمه لایزال نغمه هائی است که ترك زبانها يك عمر از آن می نوشند و هرگز سیراب نمی شوند. بعلمت وجود لغت های فارسی و عربی در اشعار فضولی و همچنین در دیگر آثار کلاسیک شعرای قدیم آذربایجان، درك اینگونه اشعار برای فارسی زبانها آسان است. باشد که شما با خواندن اشعار فضولی در آستانه ادبیات آذربایجانی و زبان ترکی قدم بگذارید. مقدمتان مبارک.

لغت های تازه ی درس:

نگاه	باخیش
از دیدگاه	باخیمیندا
مقامات موسیقی	مغامات
دوقلو - همزاد	انکیز
راست، حقیقت	دوغرو
به راستی که	دوغروداندا
روشن	آیدین
امروزه	بوگونکی
حرف، گفتار	سؤز
با وجود این	بونونلابئله
یکی یکی، جدا از هم	آیری، آیری
نیرو	گوج

افعال تازه‌ی درس:

از جان سیر کرد	اوسانماق، اوساندیردی
آیا از جان سیر نمی‌شود؟	اوسانمازمی
سوخت	یانماق، یاندی
می‌سوزد	یانار
آیا نمی‌سوزد	یانمازمی
آیا بیدار نمی‌شود	اویانماق، اویانمازمی
بیدار می‌کند	اویادار
نشان می‌دهد	گوْسترمك، گوْستریرکی
بکار برده می‌شود	ایشلنمك، ایشله‌نیر
گوش کنید	قولاق آسماق، قولاق آسین
می‌ریزد	توْكمك، توْكر
دل‌بسته‌اش هستند	وورغون اولماق، وورغونودور
اگر متوجه نشود	باشا دوشمك، باشا دوشمه‌سه
متوجه می‌شود	باشادوشور
می‌فهمد، درك می‌کند	دوشونمك، دوشونور
مکدر می‌شود	کدرلنمك، کدرلنیر
زندگی می‌کند	یاشاماق، یاشاییر
یاد می‌گیرد	اویرنمك، اویره‌نیر
به‌شمار نمی‌آورد	سایماق، سایمیر

وجه شرطی

برای ساختن وجه شرطی با توجه به ساخت صوتی فعل به ترتیب پسوندهای زیر افزوده میشود:

الف - سم، سن، سه، سک، ستینز، سلر
ب - سام، سام، ساء، ساق، سانیز، سالار.

مثال الف

صرف فعل رفتن (گتتمك) در وجه شرطی (اگر بروم...)

گتتمك	گتتم
گتسنیز	گتسن
گتسلر	گتسه

مثال ب

صرف فعل حرف زدن (دانشماق) در وجه شرطی (اگر حرف بزئم....)
دانشسام
دانشسان
دانشسا
دانشساق
دانشسانیز
دانشسالار

برای منفی کردن فعل در وجه شرطی پس از ریشه‌ی فعل به گروه افعال دسته اول پیوند نفی «م» و به گروه افعال دسته دوم پیوند نفی «ما» اضافه میکنیم.

مثال الف (اگر نروم....)

گئتمه سم
گئتمه سن
گئتمه سه
گئتمه سگ
گئتمه سنیز
گئتمه سلر

مثال ب (اگر حرف نزنم....)

دانشما سام
دانشما سان
دانشما سا
دانشما ساق
دانشما سانیز
دانشما سالار

ابتداء درس هیجدهم و بیست و پنجم را مرور کنید و سپس دو تمرین زیر را انجام دهید:

تمرین اول - این جمله‌ها را به فارسی برگردانید:

- ۱- اگر سن جمعه گونو بیزه گلسن منده شنبه گونو سننن بازارا گلهرم.
- ۲- اگر من حسنی گوورسم اونا بو خبری وئررم.
- ۳- اگر اوبوسوزودثسه من اوننان کوسرم.
- ۴- اگر بیز پول وئرسک بلیط آلا بیلریک.
- ۵- کبریت وورما، اگر کبریت وورسان بورا اود توتار.
- ۶- اگر بوکتابی اوخوساق یاخچی امتعان وئره بیلریک.



بیرمی سگگیزینچی درس - صابر

درس بیست و هشتم - صابر

جمال آقا - این کتاب کیست؟
توتونچی - این کتاب علی اکبر صابر
است.

جمال آقا - وقتی آدم اشعار انتقادی
و اجتماعی صابر را می‌خواند
مهارت او را تحسین می‌کند.

توتونچی - راستش من چندین دفعه
این شعر صابر را به شوخی
برای خانم خوانده‌ام که البته
خانم هم سخت عصبانی شده
است.

جمال آقا: بو کیمین کتابی دیر؟
توتونچی - بو علی اکبر صابرین
کتابی دیر.

جمال آقا - صابرین اجتماعی و
تنقیدی شعرلرینی اوخویان
اونون مهارتینی اورکدن
تحسین ائدر.

توتونچی - دوغروسو من نئچه دفعه
صابرین بو شعرینی خانیمیم -
ایچون اوخوموشام که البته
خانیم دا چوخ عصبانی
اولوبدور!

آی باشی داشلی کیشی دینمه
 اوشاقدیر اوشاغیم
 نه ادب وقتیدی، قوی سوگسون
 اوفاقدور اوشاغیم
 بیر سوگوشدن ئوته ری ائتمه اذیت
 بالاما کوکره ییپ جوشما، اوتان
 قونشالاری ییغما داما
 سنه سوگلدوکلری گئتسین باشی
 باتمیش آناما
 قیشقرباغرینی یارما که
 اوشاقدیر اوشاغیم
 نه ادب وقتیدی قوی سوگسون
 اوفاقدیر اوشاغیم!

خفه شو، هیچی نگو، مردک، بچه
 است بچه!م!
 نیست وقت ادبش، طفلک، بچه است
 بچه!م!
 می دهد فحش اگر، جوش نزن، باش
 آرام!
 آخه بچه است، بروح پدرم، روح
 بابام!
 تازه چخ پانزدهش می شود امسال
 تمام.
 عقل او والا کمه، بچه ی بچه است
 بچم،
 نیست وقت ادبش، طفلکی بچه ست
 بچه ام! *

جمال آقا - دوغرودان دا بوندان
 یاخچی بیر ساده آنا ایله
 دانیشماق و اونو خطاسینه
 متوجه ائلمک اولماز.
 هماخانم - بلی صابر ئوز شعرلرینی
 ساده خلق دیلینده و خلق
 روحیندا یازاردی و اونا گۆره
 هامی اونو اوخویوب باشا
 دوشردیلر.
 توتونچی - صابیرین شعرلری بیر
 چوخ تورک شاعرلرینه الهام
 وئرن اثرلردیر، مثلامعجزکیمی
 بویوک بیر شاعره اکثرأ
 صابردن الهام آلاردی ئوز
 خلقینی کسکین شعرلری ایله
 آیلدیردی.

جمال آقا - راستی که بهتر از این
 نمیشود با يك مادر ساده حرف
 زد و او را متوجه خطایش کرد.
 هما خانم - بله صابر اشعار خودش
 را به زبان ساده مردم و با توجه
 به روحیه مردم مینوشت و به
 این سبب همه آنرا می خواندند
 و می فهمیدند.
 توتونچی - اشعار صابر الهام بخش
 بسیاری از شعرای ترك دیگر
 نیز هست مثلا معجز که او هم
 از شعرای بزرگت ماست اغلب
 از صابر الهام می گرفت و با
 اشعار برنده خود مردم را بیدار
 می کرد.

علی اکبر صابر طاهرزاده ۱۹۱۱ - ۱۸۶۲

صابر یکی از شعرای بزرگ ترک‌زبان است که با زبانی ساده و طنزی کوبنده برای بیداری خلقهای تحت‌متم کوشش بسیار کرده است و به اینجهت همواره مورد آزار و اذیت دولتمردان بوده است. صابر در زادگاهش شهر شماخی مدفون است و آرامگاهش زیارتگاه دوستداران این شاعر مبارز است.

لغتهای تازهی درس:

قوی	بگذار
اوافق	کوچولو
سوغوش	فحش
بالا	بچه
قونشو	همسایه
باشی باتمیش	سربه نیست شده
آراسیندا	بین
پارا	بعضی، پاره‌ای
باغیر	چگر
کسکین	برنده
باغیرین یارما	زهره ترکش نکن

فعل‌های تازهی درس:

دئمک، دینمه	ساکت باش
اٹمک، اٹمه	نکن
جوشماق، جوشما	جوش نیاور
ییغماق، ییغما	جمع نکن
اوتانمان، اوتان	خجالت بکش
یازماق، یازاردی	می نوشت
باشا دوشمک، باشا دوشردیلر	متوجه می شدند
آییلدیردی	بیدار می کرد
اوخوماق، اوخوموشام	خوانده ام
اوخویوب	خوانده است
اوخویاندا	وقتی که می خواند،

عصبانی شده است	عصبانی اولماق، اولوپدور
غضب کرده	کوکره مک، کوکریپ
فحش بدهد	سوکمک، سوکسون
برود	گتتمک، گتتسین
فریاد زده	قیشقیرماق، قیشقیریب
دیده بود	گووزمک، گوزموشدوسه

* ترجمه‌ی اشعار صابر از کتاب «هوپ‌هوپ‌نامه» ترجمه‌ی احمد شفائی برداشته شده است.

ضرب‌المثل‌ها:
 کار امروز را به فردا می‌فکن!
 آتالار سوزی:
 بوگونون ایشینی صاباها گویما!



بیرمی دو ققوز و نجی درس

درس بیست و نهم

اوستاد محمد شهریار - استاد محمد شهریار

جمال آقا - صمد، شهریارین حیدر - باباسینی اوخویوپسان؟ صمد - البت کی اوخوموشام، دوغرودان دا گوژل بیر ائردیر. توتونچی - ائوین آباد، حیدر بابادا، شهریار بیر ماهر نقاش کیمین خشگنابین طبیعی منظره لرینین و خلقین حیاتینان بدیع تابلولار ترسیم ائدیر.	جمال آقا - صمد، حیدر بابای شهریار را خوانده ای؟ علی زاده - البته که خوانده ام، واقعاً اثر زیبایی است. توتونچی - خانه ات آباد، شهریار در قطعه حیدر بابا چون نقاش ماهری از مناظر طبیعی خشگناب و از زندگی مردم تابلوی بدیعی رسم می کند. صمد - چطور است حالا به صدای خود شهریار گوش کنیم؟ طلعت - خوب است، باشد!
--	--

بایرامیدی، گئجه قوشو اوخوردی
آداخلی قیز، بیگت جورابین توخوردی
هرکس شالین پیر باجادان سوخوردی

عید بود، مرغ شب میخواند
دخترک جوراب شاه دامادش را میبافت
هرکس شالش را از سوراخ بامی
آویزان می کرد

آی نه گوزل قایدادی شال سالاماق

آه که چه رسم زیبایی بود شال
آویختن ها
و به پرشال تازه داماد عیدی بستن ها

بیگت شالینا بایراملغین باغلاماق

من هم در خانه گریه کردم و شال
خواستم

شال ایستهدیم من ده ائوده آغلادیم

یک شال گرفتم و زود به کرم بستم
به منزل غلام دویدم و شالم را آویزان
کردم

بیر شال آلپ تنز بتلیمه باغلادیم
غلام گیله قاشدیم شالی سالادیم

خاله فاطمه ام به شال من یک جوراب
بست
و یاد مادرم افتاد و گریست.

فاطمه خالامنه جوراب باغلادی

خان ننه می یادا سالوب آغلادی

جمال آقا - به به، وار اول، وار اول
واقعا چوخ گوئل دئییر!

جمال آقا - به به زنده باشی، زنده
باشی واقعا خیلی خوب بیان
می کند.

توتونچی - الله شهریارا اوزون
بهره لی عمر وئرسین.

توتونچی - خداوند به شهریار یک
عمر طولانی و پر بار بدهد.
روح ظریف او از جنگهای خونین و
روزهای یأس و ماتم و اشک
چشمها متأثر می شود و فغان
می کند.

اونون اینجه روحو قانلی محاربه لردن
یاس و ماتم گون لسریندن، گوئل
یاشلاریندان متأثر اولور فغان
ائدیر:

حیدر بابا شیطان بیزی آزدیریپ

حیدر بابا، شیطان ما را گمراه کرده
است

محبتی اور کلردن قازدیریپ

محبت را از دلها ریشه کن کرده
است

سرنوشت، روزهای سیاهی برای ما
نوشته است

مردم را به جان هم انداخته است
و صلح را به خون خودش آغشته است

قره گونون سرنوشتین یازدیرپ

سالوب خلقی بیریرنون جانینا
باریشینی بلشدیروپ قانینا

اگر نگاهی به اشک چشمها بکنند که
خون ریخته نمی شود

کسی که خودش را انسان می خواند
که خنجر به کمر نمی بندد

اما افسوس که کور آنچه را که گرفته
رها نمی کند

خدایا بهشت ما دارد جهنم می شود.
و ذیحجه ما محرم.

گوژ یاشینا باخان اولساقان آخماز

انسان اولان خنجر بئلینه تاخماز

اما حیف کور توتدوغون بوراخماز

بهشتیمیز جهنم اولماقدادور
ذیحجه میز محرم اولماقدا دور

هما خانم - بله شهریار هنگام نوشتن
حیدربابا بینهایت متأثر و از
اوضاع متأسف بوده است.

هما خانم - بلی شهریار حیدربابانی
یازدیغیندا غایت متأثر و
وضعیتدن متأسف ایدی.

توضیح

استاد محمد شهریار شاعر بزرگ آذربایجان علاوه بر آثار بسیار زیبایی فارسی اش با سرودن منظومه سلام بر حیدربابا اثری جاویدان در ادبیات ترکی بوجود آورده است. حیدربابا نام کوهی است نزدیک خشکناپ از قراء قره چمن که استاد شهریار طفولیت خود را در آنجا گذرانده است. در این منظومه شهریار همه درد و اندوه خود را که با خاطرات شیرین دوران کودکی اش بهم آمیخته است با زبانی آشنا با دل و به بهترین وجهی بیان کرده است. این منظومه چون بارش بی اختیار یک ابر سنگین بهاری در ۷۶ قطعه آبشاروار فرو می ریزد و انسان را غرق خاطرات معصوم طفولیت و یادهای تلخ و شیرین گذشته می کند. افسوس که ترجمه این شاهکار هنری به زبان فارسی امری اگر محال نباشد بس مشکل است و ما امیدواریم شما دوستان عزیز روزی بتوانید این منظومه پراحساس و انسانی را به زبان ترکی بخوانید.

لغتهای تازه‌ی درس:

عید	بایرام
جلو، مقابل	قاباق
مقابل	قاباغیندا
مرغ شب	گئجه قوشی
زنده باشی	واراول
خون	قان
خون ریزی	قان توکولمه
اشك چشم	گوژیاشی
دیار	اولکه
دل	اورک
به‌جان یکدیگر	بیربیرنون جانینا
صلح و آشتی	باریشی
نگاه‌کننده، متوجه، توجه‌کننده	باخان

فعلهای تازه‌ی درس:

آویزان کردم	سالاماق، سالادیم
بستم	باغلاماق، باغلادیم
بست	باغلادی
گریه کردم	آغلامان، آغلادیم
گریه کرد	آغلادی
دویدم	قاشماق، قاشدیم
می‌گذارد	قویماق، قویور
گرفته، خریده	آلماق، آلیب
پیاده شده	تینمک، یتنوب
انداخته	سالماق، سالوب
گوش کنید	قولاق آسماق، قولاق آسین
نگاه دارد	ساخلاماق، ساخلاسین
خون ریزی نمی‌شود	قان آخماق، قان آخماز
آویزان نمی‌کند	تاخماق، تاخماز
ول نمی‌کند	بوراخماق، بوراخماز
دارد می‌شود	اولماق، اولماقدادیر

گمراه کرده	آزديرماق، آزديرپ
ریشه کن کرده	قازديرماق، قازديرپ
نویسانده است	يازديرماق، يازديرپ
آغشته کرده است	بلشديرمك، بلشديرپ

تذکری درباره ماضی نقلی

گاهی ماضی نقلی در دوم و سوم شخص مفرد و جمع به جای پسوند هائی که در درس ۲۰ ذکر شده است می تواند پسوندهای (پپس، یپسان، وپسن، وپان)، (پپسینیز، وپسونوز، پسونوز)، (پپ و وپ) و (پپلر، پیلار، وپلر، وپلار) را نیز بگیرد.

پس از مرور درس بیستم و با توجه به تذکر فوق گفتگوهای زیر را بخوانید و به فارسی برگردانید:

- ۱- سن شهریارین حیدر باباسینی اوخویوپسان؟
- ۲- یوخ، متأسفانه من ایندی یه قدر بو منظومه نی اوخوما می شام.
- ۳- حتماً گرگت اوخویاسان دوغرودان بیر گوژل اثر دیر.
- ۴- سن هئج ایندی لیک ده اردبیله گئدیپسن؟
- ۵- یوخ من هئج وقت اردبیله گئتمه می شم.
- ۶- اردبیل بیر تاریخی شهر دیر، گرگت گئدسن و گورسن.
- ۷- کیم گلیپ و قاپینی آچیق گویوپ دور؟
- ۸- تئز اول قاپینی باغلا، هوا سویوخ دیر.

این جمله ها را به ترکی بنویسید:

- ۱- شما به بازار رفته اید؟
- ۲- نه من بازار را بلد نیستم (تانیماق) و تا به حال به بازار نرفته ام.
- ۳- این شیشه را که شکسته است (سیندیرماق)؟
- ۴- من نشکسته ام و نمی دانم که شکسته است.
- ۵- من کمی ترکی یاد گرفته ام (اوگرشماک) اما کافی نیست.
- ۶- من این کتاب را خوانده ام خیلی جالب است تو هم حتماً بخوان.
- ۷- ما تازه از تهران آمده ایم شما کی آمده اید؟
- ۸- من آمده ام بچه ها را ببرم (آپارماق) به مدرسه.



او توزونجی درس - آذربایجان خلق ماهنیلاری درس سی ام - ترانه های خلق آذربایجان

فریده خانم - ترانه های غنائی خلق آذربایجان از انواع ترانه های است که در روستا و شهر دهان به دهان گشته و در بین ایل و قبیله از زبانی به زبانی رفته است.

جمال آقا - اولین خصوصیت بدیع این نغمه های زیبا در این است که گفتار غنائی با موسیقی یکی شود.

علی زاده - برگردانمائی که در

فریده خانم - آذربایجانین غنائی خلق ماهنیلاری کندلرده و شهر لرده آغیزدان آغیزا دولاشان و ائل - او با آراسیندا دیلدن دیله گزهن نوعلریندن بیریدیر.

جمال آقا - سو گوئل نغمه لرین بیرینجی بدیعی خصوصیتی اوندا دیر کی، بورا دا سوز غنائی شکلده موسیقی ایله بیرلشیر.

علی زاده - غنائی ترانه لرده ایشله

ترانه‌های غنائی بکار برده
می‌شود به آن حیات می‌بخشد.
توتونچی - الفتی که این نغمه‌های
اصیل و زیبا با موسیقی دارند
از زمان قدیم برای آهنگسازان
و خوانندگان آذربایجانی منبع
الهام شده است.

محبوبه‌خانم - اکنون به یکی از
ترانه‌های زیبای غنائی آذربایجان
با هم گوش می‌کنیم.

دیگن نقرات‌لار اونلارین
جانلانماسینا یاردیم‌اند.
توتونچی - بو اصیل و گوژل نغمه‌لر
و انلارین موسیقی ایله اولان
الفتی چوخدان بری آذربایجانین
مشهور آهنگسازلاری و
خواننده‌لری اوچون بیر قاینق
اولموشدور.

مریم خانم - ایندی آذربایجانین
بیر غنائی و گوژل ماهنی‌سی‌نا
برابر قولاق آساق.

لغت‌های تازه‌ی درس:

ترانه	ماهنی
ده	کند
بین	آرا
در بین	آراسیندا
برگردان	نقرات
از زمانهای قبل	چوخدان بری

فعل‌های تازه‌ی درس:

یکی می‌شود	بیرلشمک، بیرلشیر
بکار برده شده	ایشلتمک، ایشله‌دیلن
کمک می‌کند	یاردیم ائتمک، یاردیم‌اند

صفت فاعلی

برای ساختن صفت فاعلی با توجه به ریشه‌ی فعل، پیوند (آن یا ان) را
اضافه می‌کنیم.

(خریدن) آلماق، آل، آلان
(دویدن) قاچماق، قاچ، قاچاق
(پیشیدن، گردش کردن) دولاشماق، دولاش، دولاشان

(گردش کردن) گزمنك، گز، گزهن
(آمدن) گلمك، گل، گلن
(خندیدن) گولمك، گول، گولن

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- خانمی که این لباس را می‌خرید رفت.
- پسری که می‌دوید رسید. (یتیشمك)
- آن خانمی که می‌آید دوست من است.
- آن دختری که می‌خندد خواهر من است.

این جمله‌ها را پس از ما تکرار کنید و به فارسی برگردانید:

- دانیشما اوشاق تزه یاتیپ. (یاتماق – خوابیدن)
- سن باجاریرسان تور کجه دانیشاسان؟
- سن کیمنن تور کجه نی او گرنیپ سن؟
- سن تورک ماهنی لارینی سئور سن؟
- سن هانسی ماهنی نی چوخ سئور سن؟
- من چوخدان بری تبریزه گئتمه میشم، گرك گئدم و دوستلاریمی گؤرم.

این جمله‌ها را به ترکی برگردانید:

- اگر تو زود بیائی با هم به روستا می‌رویم و کمی سبزی می‌خریم.
- این کتاب مال کیست، دو روز است که اینجا مانده است. (قالماق)
- گوش کن، این یکی از ترانه‌های ترکی است.
- من ترانه‌های ترکی را دوست دارم و این یکی را خیلی دوست دارم.
- تو می‌توانی ترکی خوب حرف بزنی؟
- البته کمی بلدم اما باید به ترکی گوش کنم و با ترکها ترکی حرف بزنم تا خوب یاد بگیرم.
- باید به این نوار بارها گوش کنی تا تلفظ ترکی را خوب یاد بگیری.
- البته همین کار را خواهم کرد.

دېز اينجا يك ترجمه از رباعيات خيام را به زبان تركي آذري مي خوانيد:

سر ازلي نه سن بيلرسن نهده من،
بو بيلمه جهني نه سن اوخورسان نهده من،
بيز پرده نين آركاسيندا سويلشمه ده بيز،
تا پرده دوشور، نه سن قاليرسان نهده من!

(جبار باغچه بان)

موفق باشيد!

موفق اولاسيز!

پايان

چاپ اول: آبان ماه ۱۳۶۰

شماره ثبت: ۲۱/۹.۶۲

قیمت کتاب با سه نوار آموزشی: ۲۷۵ تومان

همه حقوق محفوظ و مخصوص به مؤلف است.